

مجله فرار

رشد



وزارت آموزش پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مختصات رات و فناوری آموزشی

دوره هجدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره پانزدهم، ۱۴۱
۴۸ صفحه، ۵۳۰۰۰ ریال

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshdmag.ir



الهه حسن پور
پرهیز از تقلب ورزشی



علی تیغیر
سواد رسانه، علیه تقلب
مجازی



ایوب ذاکری
رویکردهای مشاوره‌ای در
برخورد با دانش آموز متقلب



لیلاسادات ابطحی
هوش معنوی و اثر عکس
بر بی صداقتی آموزشی



ما احتیاج داریم به این که از این ساعات، از این روزها و شبهای پربرکت (ماه رمضان) حداکثر بهره را ببریم؛ با تقویت رابطه‌ی قلبی خودمان با عالم معنا، با عالم غیب، با ابتهال و تضرع و خشوع در مقابل رب الارباب، و با استحکام پیوند ولایت خودمان با اهل بیت (علیهم السّلام) و این خاندان مکرم.

سید مرتضی

۱۳۹۱/۰۵/۰۳



رشدها

مجله فروردین ۱۴۰۱

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshdmag.ir
دوره هجدهم، فروردین ۱۴۰۱
شماره پستی ۱۴۱
صفحه ۴۸ ، ۵۳۰۰۰ ریال

مدیر مسئول: محمد صالح مُذنبی
سر دبیر: فریدالدین حداد عادل
مدیر داخلی: مریم موسوی
مدیر هنری: کوروش پارسنازاد
دبیر عکس: اعظم لاریجانی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: احمد قائمی مهدوی

نشانی پستی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۵۸۵
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ داخلی ۵۰۴
تلفن های امور مشترکین:
۰۲۱-۷۷۶۳۳۲۰۸
صندوق پستی امور مشترکین:
۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
وبگاه:
www.roshdmag.ir
رایانامه:
Email:farda@roshdmag.ir

چاپ و توزیع : شرکت افست



برای اشتراک
مجلات رشد تصویر
را اسکن کنید

دبیر این شماره با

موضوع:

«تقلب»

اصغر خلیلی



بدون تقلب ۲

تقلب و ناسلامتی روان / مونا امیدی ۳

توجه نکنید! / ابراهیم شاکری گلرخ ۵

واکاوی تقلب / رضا شاه محمدی مطلق ۸

هوش معنوی و اثر عکس بر بی صداقتی آموزشی / لیلا سادات ابطی ۱۰

رویکردهای مشاوره‌ای در برخورد با دانش آموزان متقلب / ایوب ذاکری ۱۲

والدین، یار کمکی دانش آموز برای تقلب / ایوب ذاکری ۱۴

مدیران چطور باید تقلب در فضای مجازی را کنترل کنند؟ / زهرا سادات موسوی ۱۶

خورشید پشت ابر نمی ماند / صدیقه یوسف زاده ۱۸

پرهیز از تقلب ورزشی / الهه حسن پور ۲۰

اضطراب، هموار کننده مسیر تقلب / شهریار خواجه صالحانی ۲۲

نتیجه آزمون < فرآیند یادگیری / زهرا علی اکبری ۲۴

جانمایی تقلب در بزرگراه فناوری / حامد رجیبی زاده ۲۶

یادی که هرگز نگر فتم / حمید رضا رنجکش ۲۸

تقلب، تخلف است! / عزت الله فولادی ۳۰

حباب ترکیدنی! / حسین معافی ۳۳

تقلب آگاهانه و نا آگاهانه / حسین عبداللهی ۳۵

من از شما الگو می گیرم / زیبا عراقی ۳۷

سواد رسانه، علیه تقلب مجازی / علی تیرگیر ۳۹

دارم تقلب می کنم! / انسیه مقدسی ۴۱

تقلب در امتحانات از دیدگاه اسلام / عباس رجایی ۴۴

باز تعریف شکست، عامل بازدارنده تقلب است / اصغر خلیلی ۴۶

آرام بدون تقلب / فریدالدین حداد عادل ۴۸

نویسندگان و مترجمان محترم!

این مجله متعلق به شمامست، تجربه‌های ناب، ایده‌ها و حاصل پژوهش‌های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن‌ها در مجله، علاقه‌مندان به این حوزه در تجارب شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:

- مقاله‌هایی را که می‌فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشد و در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقالات، حاوی مطالب کلی و گردآوری شده نباشد.
- مقاله ترجمه شده با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید فرمایید.
- نثر مقاله، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.
- در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده کنید و در پایان آن، فهرست منابع را بیاورید.
- آرای مندرج در مقاله‌ها و گفت‌وگوها، ضرورتاً تا مبین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است.



بدون تقلب

فریدالدین حداد عادل



تقلب اتفاقی است ساده اما پیچیده!

گاهی به راحتی و برای حل مسئله به سراغ ریشه‌ها و عوامل می‌رویم و در مواقعی نتیجه می‌گیریم تخم‌مرغ‌دزد، شتردزد می‌شود و گاهی حق را به دانش‌آموز می‌دهیم که برای رهایی از مشکلات داخل مدرسه و بیرون از مدرسه دست به تقلب می‌زند. از آن بدتر هم نکته‌ای وجود دارد که طرح‌کردنش شجاعت و شاید جسارت می‌خواهد و نگارنده از همه عزیزان آموزش‌شکار بابت این جمله اخیر عذرخواهی می‌کند. گاهی رفتار معلمان در روند تدریس و کلاس‌داری،



به وضوح یا به‌طور اجمالی، دانش‌آموز را به سمت تخلف سوق می‌دهد. بعضی از کلاس‌های خصوصی، نمونه سؤال‌دادن برای امتحان، امتحانات سخت بی‌منطق، آزمون‌های سست و سبک، نحوه آماده کردن پنج نمره مستمر و از آن بدتر نمونه ارزیابی توصیفی دوران ابتدایی نیز در برخی مواقع مینا، قانون و قاعده ندارد و دانش‌آموز و خانواده‌اش این ضعف را احساس می‌کنند.

گاهی در مدرسه از خودم سؤال می‌کنم، اگر چه چیزی منظم و مرتب باشد، دانش‌آموز سمت تقلب نمی‌رود. کجای کار ایراد دارد که دانش‌آموز به وظیفه خود عمل نمی‌کند و در نهایت تقلب می‌کند؟

آیا افراد غیرصادق تقلب می‌کنند؟! آیا نبود شجاعت در مواجهه با سختی‌ها باعث تقلب می‌شود؟! یا اینکه مسئله حق الناس را به درستی فهم نکرده‌ایم؟! نکند به‌غلط آن قدر نمره و ارزیابی را بزرگ جلوه داده‌ایم که همه برای دستیابی به موفقیت درسی همه‌چیز را زیر پا می‌گذارند! چقدر آزمون سراسری و آزمون‌های مدرسه‌های تیزهوشان در این زمینه مؤثر است؟! نقش والدین چیست؟

به‌نظر می‌رسد، حل مشکل تقلب در مدرسه با یک نسخه واحد مقدور نیست. این گاو‌صندوق یک کلید ندارد. یک دسته کلید یا برنامه کلی تربیتی می‌تواند چنین مشکل مهمی را حل کند. اما تجویز این بسته دارویی چگونه است یا متن دسته کلید موردنظر چگونه محقق می‌شود؟

همه این سؤال‌ها در ذهن بنده پررنگ و کمرنگ می‌شوند. در یک مرحله تصمیم گرفتم ببینم در کدام مدرسه تقلب وجود ندارد؟! پاسخ سؤال منفی بود، اما به پدیده جالبی برخوردیم. معلمانی بودند که شاگردانشان با وجود انجام تقلب در کلاس‌های دیگر، در درس ایشان به هیچ‌وجه تقلب نمی‌کردند. دانش‌آموزان به‌طور رسمی و علنی می‌گفتند ما اگر بتوانیم در کلاس‌های درس معلمان دیگر تقلب می‌کنیم، ولی در کلاس آقای فلانی تقلب نمی‌کنیم.

تحلیل این ماجرا فرصت زیادی می‌خواهد، لیکن وقوف به آن در این مرحله بسیار ارزشمند و مهم است. باید بدانیم، می‌توان بدون تقلب مدرسه را اداره کرد، کما اینکه بعضی از همکاران ما می‌توانند ضمن حفظ اقتدار خود، کلاس خود را بدون تقلب اداره کنند.

تقلب و ناسلامتی روان

مونا امیدی

دکترای علوم تربیتی



آشنایی بیشتر با مفهوم تقلب، شناخت آسیب‌هایی که به‌واسطه تقلب بر سلامت روان افراد وارد می‌شود و در نهایت راهکارهای جلوگیری از چنین آسیب‌های روحی و روانی می‌تواند جامعه ما را به سمت مراقبت از سلامت روان هدایت کند.

زمانی که از تقلب صحبت می‌شود، اکثراً ذهن افراد به تقلب در آزمون‌ها و امتحانات معطوف می‌شود، اما جالب است بدانید تقلب انواع متعددی دارد و صرف‌نظر از تقلب در امتحانات، می‌توان از تقلب در دوستی‌ها و روابط گرفته تا تقلب در قوانین را مد نظر قرار داد. در ابتدا اگر بخواهیم به معنای تقلب اشاره‌ای کوتاه داشته باشیم، باید بدانیم تقلب نوعی دروغ، حيله‌گری و کلاهبرداری است که باعث برتری ناعادلانه متقلب بر سایرین می‌شود و استفاده از تقلب اساساً غیرقانونی است. در واقع تقلب دغل‌کاری به نفع خود و به ضرر دیگران است. نمونه‌هایی از تقلب وجود دارند که خواه‌ناخواه به سلامت روان افراد متقلب آسیب می‌رساند. نمونه‌هایی از این دست تقلب‌ها شامل تقلب در بازی، تقلب در معاملات و خریدوفروش‌ها، قوانین راهنمایی و رانندگی، روابط و دوستی‌هاست. گرچه برخی از روان‌شناسان بر اساس آزمون‌ها و آمار معتقدند متقلب‌هایی مثل رخنه‌گرها (هکرها) از بهره هوشی بالایی برخوردارند، اما باید گفت، متأسفانه افراد متقلب ویژگی‌های ناخوشایند خاصی دارند که برخی از آن‌ها به این شرح هستند:

- افراد متقلب رفتارهای غیرصادقانه و دروغین دارند.
- متقلبان از راه‌های نامناسب برای رسیدن به اهدافشان استفاده می‌کنند.

- افرادی درشت‌گو هستند.

- اکثراً به برتری نسبت به دیگران میل شدیدی دارند.

بر اساس این ویژگی‌ها، طبیعی است وقتی فردی به‌واسطه رونشدن تقلب‌هایش در حضور دیگران به‌طور دائم به دروغ‌گویی وادار می‌شود و همواره در پوشاندن مسیر نامناسبی که برای رسیدن به خواسته‌هایش برگزیده است می‌کوشد، ذهن آرامی ندارد و در درونش همیشه با وجدانش می‌جنگد و اضطراب و استرس زیادی را تجربه می‌کند، زیرا به‌طور دائم نگران لورفتن تقلب‌هایش است و سلامت روانش در خطر است، چراکه خود دانسته به نقش‌بازی کردن مجبور





گرفته می‌شود. همچنین توصیه می‌شود، مدیران مدرسه و معلمان با حفظ ارتباط هدفمند حداکثری با دانش‌آموزان و به‌ویژه اولیا و خانواده‌ها، در جهت راهنمایی درست و به‌موقع و مناسب بکوشند، زیرا مهم‌ترین مسئولیت مدیران و معلمان مدرسه مراقبت از دانش‌آموزان است و این مراقبت در دو بعد جسمی و روانی است و اگر مدرسه در جهت پیشگیری از تقلب و دغل‌کاری در بچه‌ها عملکرد خوبی داشته باشد، آموزش و پرورش به معنای واقعی در مدرسه انجام خواهد شد. در واقع معلمان در کنار والدین در القای ارزش‌ها، بینش‌ها، نگرش‌ها و شکل‌گیری رفتارهای خاص نقش برآزنده‌ای دارند و اگر سعی کنند شاگردان نزد آن‌ها احساس راحتی داشته باشند و در مواقع نیاز به مشورت و راهنمایی بتوانند به آن‌ها مراجعه کنند و آن‌ها نیز به‌جای تنبیه یا سرکوب و تحقیر از روش انتقال آگاهی و تشویق استفاده کنند، به‌یقین جلوی بسیاری از خطاها و تقلب‌ها گرفته خواهد شد. می‌دانیم که معلم یکی از مهم‌ترین عناصر ساختار اجتماعی است و معلم خوب کمک می‌کند دانش‌آموزش به انسان بهتری تبدیل شود و بتواند در ارزش‌آفرینی در جامعه سهم داشته باشد.

از جمله راهکارهای پیشگیرانه دیگری که می‌توان اشاره کرد، این است که به افرادی که تقلب می‌کنند کمک شود علت اصلی تمایل به تقلب را بشناسند و در صدد رفع آن بیایند. چه‌بسا اکثر علت‌ها ساده و قابل جبران هستند. دیگر اینکه بیندیشند و وادار به تأمل شوند که چرا از بین همه راه‌ها راه تقلب را انتخاب می‌کنند که در این مورد کمک به افزایش اعتمادبه‌نفس و استقلال فردی بسیار راهگشاست.

از جمله بهترین راهکارهای پیشگیرانه از تقلب این است که اطرافیانی که آگاه می‌شوند فردی به‌طور دائم دچار تقلب می‌شود، زمینه‌های تسهیل تقلب را از میان بردارند و از بین ببرند تا فرد وادار شود به خودش متکی باشد و با خودباوری و اعتمادبه‌نفس در انجام امور بکوشد.

در زمینه‌هایی مثل بازی و کارهای رقابتی نیز همواره سعی شود بر برد و باخت یا آنچه سبب شود فردی تحقیر بشود تأکید نباشد. به‌جای آن در کارآمد جلوه‌دادن و پرورش موفقیت در افراد سعی شود.

قانون‌گرایی و پرهیز از تقلب از شاخصه‌های جوامع پیشرفته و توسعه‌یافته است و چنانچه کشور عزیزمان بخواهد در مسیر دستیابی به توسعه پایدار حرکت کند، باید افرادی در نهاد آموزش و پرورش تربیت شوند که قانون را اجرا و رعایت کنند و از تقلب و مکر و حيله پرهیز کنند، چرا که جامعه قانون‌گرای که افراد آن در سرپیچی و دورزدن قوانین و مقررات و تقلب سعی کنند، از پیشرفت باز می‌ماند.

می‌شود و از اصل خویش فاصله می‌گیرد. برای همین اکثراً این افراد قابل درک نیستند، دوستان زیادی ندارند، منزوی می‌شوند، ارتباطات آن‌ها با افراد حيله‌گری مثل خودشان بیشتر می‌شود، رفته‌رفته جمع افراد ناسالم در کنارشان شکل می‌گیرد و خطاها زیاد می‌شوند و به سمت خلاقیت و بزهکاری میل پیدا می‌کند.

نقش معلم در جلوگیری از تقلب بسیار کارآمد است

نیک می‌دانیم، مدرسه مهم‌ترین ظرفیت یادگیری را دارد. همان‌طور که نقش معلمان و مربیان تأثیرگذارترین نقش‌ها در یادگیری از سه منظر گستره، عمق و پایداری است، پس هر موضوع یادگیری و عملکرد خوب معلم مدرسه در آن موضوع می‌تواند برای همیشه در ذهن دانش‌آموزان ماندگار شود و کمتر مسئولیتی در جامعه وجود دارد که تا این اندازه عمق داشته باشد.

پس با در نظر گرفتن این مهم، چنانچه با مشاهده اولین و کوچک‌ترین تقلب‌ها در کلاس درس و امتحانات معلم و مدرسه بتوانند در جهت مشاوره صحیح به دانش‌آموزان عملکرد خوبی داشته باشند، قطعاً عامل مهم پیش‌گیرنده به حساب می‌آید و این تجربه تقلب برای دانش‌آموز به سمت‌وسوی صحیح هدایت می‌شود و جلوی خیلی از تقلب‌های بعدی در حوزه‌های گوناگون نظیر قانون‌شکنی‌ها

توجه نکنید!

ابراهیم شاکری مطلق



یادداشت‌های غیرمجاز در آزمون رنویسی پاسخ آزمون باز و حل آزمون در منزل از روی شخص دیگر و اجازه‌دادن یا اجازه‌گرفتن برای رنویسی پاسخ‌های آزمون باشد. در سال‌های اخیر و از زمان برخط‌شدن تدریس و آزمون، می‌توان به تشکیل گروه‌های دانش‌آموزی اشاره کرد که هم‌زمان با برگزاری آزمون‌های برخط پاسخ‌ها را با هم به اشتراک می‌گذارند. از مصداق‌های تقلب در تکالیف درسی می‌توان به سرقت ادبی، رنویسی تکالیف، انجام تکالیف،

نوشتن پایان‌نامه و چاپ کتاب برای دیگران اشاره کرد. یکی از نظریه‌هایی که می‌تواند نظام متعامل و پیچیده رفتار تقلب آموزشی را تشریح کند، مدل مثلث تقلب است. اصطلاح مثلث تقلب را پروفسور **دونالد کریزی**، متخصص جرم‌شناسی، به‌منظور کمک به درک رفتار افرادی که مرتکب اختلاس شده بودند، توسعه داد. وی استدلال می‌کند، زمانی که شخصی مرتکب اختلاس می‌شود، سه چیز حضور دارند: شخص تحت‌فشار خاصی (مثل وضعیت مالی، خانوادگی و

وقتی از تقلب آموزشی و نبود صداقت تحصیلی صحبت می‌شود، بیشتر افراد این موضوع را با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مرتبط می‌دانند. در صورتی که تحقیقات نشان می‌دهند، مریبان نیز ممکن است در شکل‌های گوناگون تقلب درگیر شوند. ممکن است معلمان، استادان و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها، برای حفظ رتبه یا ارتقای آن در سیستم‌های گوناگون ارزیابی به تقلب آموزشی اقدام کنند. همچنین، گاه والدین تقلب آموزشی انجام می‌دهند.

از آنجا که نهادهای آموزشی و پرورشی فرایند نظام‌یافته جامعه‌پذیری افراد را بر عهده دارند و آزمون (و دیگر تکالیف آموزشی) نهادهای فرعی آن هستند، باید ضمن شناسایی عوامل این پدیده، اقدامات پیشگیرانه در این زمینه صورت پذیرند.

رتینگر و کارمر تقلب تحصیلی را به دو دسته تقلب در آزمون و تقلب در تکالیف درسی (آموزشی) تقسیم می‌کنند. تقلب در آزمون می‌تواند شامل مواردی همچون استفاده از

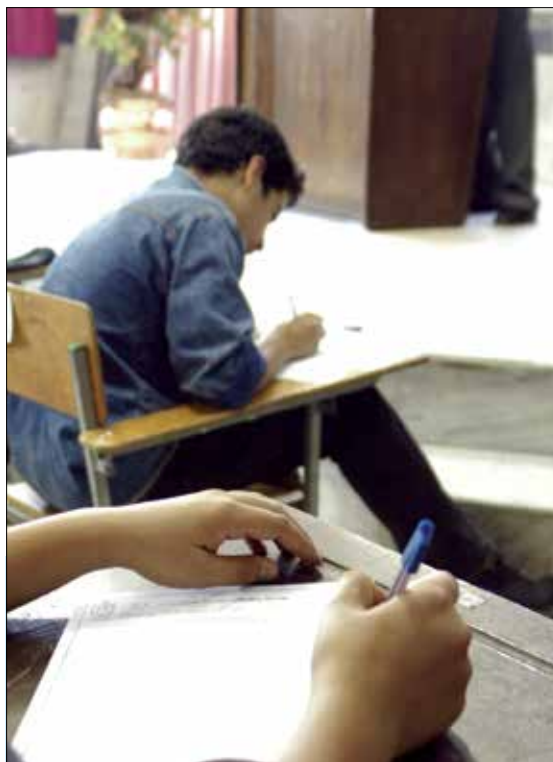
- سخت‌گیری‌های بیش از اندازه در آزمون‌های تحصیلی؛
 - فشار خانواده در جهت کسب بالاترین نمره؛
 - نداشتن مهارت مقابله با هیجانات منفی (استرس، اضطراب و ...)
 - نداشتن مهارت نه گفتن در جهت رد درخواست‌های نادرست مبنی بر تقلب آموزشی؛
 - تدریس ناکارآمد در فضای ناکارآمد و در نتیجه کامل نبودن فرایند یاددهی - یادگیری.

فرصت بستر مناسب تقلب است

فرصت به نبودکنترل بر شرایط تحقق اهداف آموزشی و پرورشی اشاره دارد. برخی از فرصت‌های موجود در نهادهای آموزشی می‌توانند به شرح زیر باشند:
 - نبود تسلط معلمان و استادان بر مدیریت کلاس؛
 - نبود تسلط علمی - عملی معلمان و استادان (و نظام ارزیابی مدرسان و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه) بر تکالیف ارائه‌شده در جهت سنجش و ارزیابی آن؛
 - اقدامات تسهیل‌کننده فرایند تقلب آموزشی توسط خانواده؛
 - تسهیل تقلب آموزشی توسط گروه هم‌سالان؛
 - فضای آموزشی نامناسب و نامتناسب برای ارزیابی آزمون و تکالیف؛
 - نبود شناخت روش‌های جدید تقلب آموزشی با توجه به گسترش فناوری‌های نوین؛
 - نرم‌افزارهای تسهیل‌کننده تقلب آموزشی.

توجیه، دایره تقلب را می‌گسترده

توجیه یا دلیل تراشی سبب می‌شود اعمال متقلبانانه مطابق با عمل اخلاقی به نظر رسد. **کلبرگ** معتقد است، میان رشد اخلاقی و رشد روان‌شناختی درجه‌ای از هم‌سانی برقرار است. وی تأکید می‌کند، به دنبال رشدی روان‌شناختی که در زمینه مهارت‌های شناختی به دست می‌آید، رشد اخلاقی محقق می‌شود. او همچنین ابراز می‌دارد، رشد اخلاقی مراحل مشخص و قطعی دارد.
 به نظر می‌رسد، مؤلفه مثلث تقلب در انجام تقلب نقش بسزایی دارد. هر فرد قبل از اقدام توجیهات اخلاقی موردنظر را می‌پذیرد و نگرش خود را نسبت به عملی که خود او آن را غیراخلاقی می‌داند تغییر می‌دهد. سپس به تقلب آموزشی اقدام می‌کند. **باندورا** می‌گوید، افراد برای آنکه بتوانند این شکاف اخلاقی را پر کنند، دست به دامان توجیهات اخلاقی می‌شوند. او هشت توجیه متداول اخلاقی را مطرح می‌کند:
۱. توجیه اخلاقی: در توجیه اخلاقی رفتار قابل سرزنش فرد به صورت وسیله‌ای برای هدفی بالاتر و قابل توجیه



روحی نامناسب) انگیزه تقلب پیدا می‌کند و به دنبال فرصتی (به‌عنوان مثال ضعف در کنترل محیطی) است تا آن را به واقعیت برساند و سپس با دلیل تراشی، عمل متقلبانانه خود را توجیه می‌کند. اگرچه این مدل در حوزه تقلب مالی مطرح شده است، اما می‌توان با اندک جرح و تعدیل آن را به حوزه تقلب آموزشی نیز گسترش داد.

دانش‌آموزی را در نظر بگیرید که بنا به دلایلی (نیاز به نمره بیشتر، ضعف در نظام آموزشی، انتظارات غیرواقع‌بینانه والدین یا معلمان) تحت فشار قرار می‌گیرد و احساس می‌کند نمی‌تواند از راهبردهای کارآمد تحصیلی موجود به موفقیت تحصیلی دست یابد. همین عامل موجب می‌شود انگیزه تقلب تحصیلی در او تقویت شود و توجیهاتی نیز برای انگیزه خود می‌یابد. گاه این توجیهات را گروه هم‌سالان یا خانواده به فرد القا می‌کنند و فرد در نهایت، در فرصت ایجادشده، به تقلب آموزشی اقدام می‌کند.

فشار و انگیزه مقدمه وقوع تقلب هستند

برخی از فشارهایی که می‌توانند به تقلب آموزشی منجر شوند، عبارت‌اند از:
 - پایین بودن خودکارآمدی فرد، به گونه‌ای که او خود را قادر به انجام تکلیف موردنظر یا پشت‌سر گذاشتن آزمون نمی‌داند؛
 - پایین بودن انگیزش تحصیلی؛
 - سنگین بودن و نامتناسب بودن تکالیف تحصیلی؛

درمی آید: «من تقلب کردم تا بتوانم زودتر دوره‌ام را تمام کنم و با گرفتن مدرکم بتوانم زودتر به مردم خدمت کنم.»

۲. برچسب زدن مدیرانه: فرد می‌تواند به‌طور دیگر جلوه‌دادن یک عمل قابل سرزنش، آن را انجام دهد و هیچ‌گونه حقارتی احساس نکند. به‌عنوان مثال، افراد غیرپرخاشگر به هنگام فعالیت‌های ورزشی ممکن است نسبت به دیگران اعمال پرخاشگرایانه داشته باشند: «رفتارهایی که من انجام می‌دهم تقلب نیستند، بلکه راهی هستند برای تثبیت آموخته‌هایم.»

۳. مقایسه سودمند: از راه مقایسه اعمال زشت فرد با اعمال بدتر از آن، که مقایسه سودمند نامیده می‌شود: «آره، من تقلب کردم، ولی بین بقیه چه کار می‌کنند. از همه کتاب رونوشت می‌گیرند و به اسم خودشان چاپ می‌کنند.»

۴. جابه‌جایی مسئولیت: بعضی افراد از راه جابه‌جایی مسئولیت می‌توانند به راحتی از اصول اخلاقی خود بگریزند: «باور کن اگر به اختیار خودم بود، هیچ‌وقت به «ت» تقلب هم نزدیک نمی‌شدم. مجبورم کردند. پای آبرویم در میان بود.»

۵. تقسیم مسئولیت: تصمیم‌گیری برای انجام گروهی یک عمل زشت، آسان‌تر از تصمیم‌گیری درباره انجام فردی عمل است: «وقتی همه دارند با تقلب ارتقای رتبه می‌گیرند، انتظار داری من چه کار کنم؟»

۶. بی‌اعتنایی به پیامدها یا تحریف آن‌ها: در این مورد، افراد صدماتی را که اعمالشان به دیگران وارد می‌آورد نادیده می‌گیرند یا آن را تحریف می‌کنند. در نتیجه احساس شرمساری نمی‌کنند: «چقدر سخت می‌گیرید! مگر من چه کار کردم. بغل‌دست دخترم نشستم و چهار تا سؤال را در کتاب برایش پیدا کردم. به کسی آسیب ندم که!»

۷. غیرانسانی کردن: اگر با انسان‌ها به‌صورت موجودات پست‌تر از انسان برخورد شود، می‌توان با آن‌ها به‌طور غیرانسانی رفتار کرد: «بین این‌ها آدم نیستند، اگر آدم بودند که این کارها را نمی‌کردند تا من مجبور شوم مقاله بخرم.»

۸. سرزنش دیگران: دیگران را مقصر می‌دانند: «اگر دیگران این‌همه در همه زمینه‌ها تقلب نکنند، من هم مجبور نمی‌شوم در تحصیلم تقلب کنم.»
علاوه بر مواردی که باندورا مطرح می‌کند، توجیهات و

دلیل تراشی‌های متعدد دیگری نیز شنیده می‌شوند. گاهی افراد موارد مطرح‌شده در مؤلفه‌های فشار و فرصت را دلیل و توجیه رفتار خود عنوان می‌کنند.

منابع

۱. اولسون، متیواچ و هرگنهان، بی.آر؛ مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران، دوران، ۱۳۸۸، چاپ هشتم، سیف، علی‌اکبر؛ روان‌شناسی پرورشی نوین، تهران، دوران، ۱۳۸۷، چاپ ششم.
۲. خامسان، ا. و امیری، م. ا. (۱۹۹۳) «بررسی تقلب تحصیلی در میان دانشجویان دختر و پسر»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، س ۱، ش ۱، ص ۱۹-۱۱.
۳. محمدی مقدم، احسان و معین‌الدین، محمود و حیرانی، فروغ، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر احتمال بروز تقلب یا اعمال مجرمانه توسط حسابداران با استفاده از نظریه مثلث تقلب، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت - انجمن حسابداری مدیریت ایران سال هفتم / شماره بیست‌وینجم / بهار ۹۷.
۴. مرادی، مهدی و سلیمانی، مجتبی (۱۳۹۰) روانشناسی و جامعه‌شناسی تقلب. دانش حسابرسی، ۱۱
5. Anderman, E. M., & Midgley, C. (2004). Changes in self-reported academic cheating across the transition from middle school to high school. *Contemporary Educational Psychology*, 29, 499-517.
6. Anderman, E. M., & Turner, J. C. (2004). Changes in academic cheating across the transition to middle school. Paper presented at the American Educational Research Association, San Diego, CA.
7. Anderman, E. M., Griessinger, T., & Westerfield, G. (1998). Motivation and cheating during early adolescence. *Journal of Educational Psychology*, 90, 84-93.
8. Baldwin, D. C., Daugherty, S. R., Rowley, B. D., & Schwarz, M. D. (1996). Cheating in medical school: A survey of second-year students at 31 schools. *Academic Medicine*, 77(3), 267-273.
9. Chudzicka-Czupala, A., Lupina-Wegener, A., Borter, S., & Hapon, N. (2013). Students' attitude toward cheating in Switzerland, Ukraine and Poland. *The New Educational Review*, 32(2), 66-76.
10. Naghdipour, B., Okechukwu L. E. (2013). Students' Justifications for Academic Dishonesty: Call For action. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 83. 261-265. Retrieved from: <http://www.scienceDirect.com>.
11. Hansen, J & B. K. Klamm . (2012). A study of accounting students' ability to recognize and evaluate fraud risk. *The Journal of Theoretical Accounting Research* 8(1): 1-23
12. Kane, T. J., & Staiger, D. O. (2002). The promise and pitfalls of using imprecise school accountability measures. *Journal of Economic Perspectives*, 16(4), 91-114.
13. Kanfer, F. H., & Duerfeldt, P. H. (1968). Age, class standing, and commitment as determinants of cheating in children. *Child Development*, 39(2), 545-557.
14. Newstead, S. E., Franklyn-Stokes, A., & Armstead, P. (1996). Individual differences in student cheating. *Journal of Educational Psychology*, 88, 229-241.
15. Rettinger DA, Kramer Y (2009). Situational and personal causes of student cheating. *Research in Higher Education* 50: 293-313.
16. See Lawrence Kohlberg, "The Claim to Moral Adequacy of a Highest Stage of Moral Judgment", *Journal of Philosophy* 70 (September 1973), pp. 464-630.

واکاوی تقلب

رضا شاه‌محمدی گلرخ

سید میثم موسوی

تصویرگر

روان‌شناس تربیتی

عضو شورای پژوهش استان قزوین

نقش عوامل فردی و عوامل بافتی در پدیده تقلب قابل بررسی است

عوامل فردی ویژگی‌هایی هستند که به وسیله نسل یا موقعیتی که فرد در آن متولد می‌شود، تعیین می‌شوند. متغیرهای فردی که بیشترین ارتباط را با بی‌صدافتی تحصیلی دارند، عبارت‌اند از: موفقیت تحصیلی، سن، درگیری در فعالیت‌های اجتماعی، رشته تحصیلی، رویکرد رقابتی، جنسیت، معدل، اخلاق کاری، شخصیت نوع A، رویکرد رقابتی به پیشرفت تحصیلی و عزت‌نفس.

عوامل بافتی به فشارهایی بیرونی گفته می‌شود که بر فرد تحمیل و موجب ترغیب یا منع تقلب می‌شوند. تحقیقات نشان داده‌اند، متغیرهای بافتی از قبیل محیط کلاس درس، ویژگی‌ها و روش‌های معلم و نیز روش‌های پیشگیری، تأثیرات گروه هم‌سال، معلمان، سیاست‌های آموزشی، مشکلات خانوادگی، فشار والدین، بی‌توجهی و مسامحه معلمان و مراقبان، تقلب کردن دوستان و هم‌کلاسی‌ها، سخت بودن تکالیف و درس‌ها، تأثیر جو کلاس و تقلب کردن افراد خانواده و فامیل، با تقلب تحصیلی ارتباط دارند.

بررسی‌های دیگر، عوامل مؤثر در گرایش به تقلب را چنین برشمرده‌اند: ضعف درسی دانش‌آموزان نسبت به محتوا؛ بالا بردن سطح نمره امتحان؛ تأثیر جو کلاس و هم‌کلاسی‌ها؛ احساس نداشتن امنیت از طرف والدین نسبت به نمره‌های دریافتی (برخی از والدین به جای دانش‌فرزندان صرفاً به نمرات وی تکیه می‌کنند و چنانچه نمره ممتاز یا قابل قبولی نگیرد، مرتب او را با دیگر دانش‌آموزان مقایسه و سرزنش می‌کنند)؛ بی‌اعتمادی به خود و دانسته‌هایشان؛ نیاز به جلب توجه و خودنمایی یا قدرت‌نمایی نادرست؛ متقلب بودن اعضای خانواده که زمینه تقلب را در کودک فراهم می‌کند و ناآگاهی از دلایل برگزاری امتحان و انجام تکالیف.

کج‌روی و ناهنجاری در هر زمینه‌ای می‌تواند رخ دهد. حوزه تعلیم و تربیت نیز از این حیث مستثنا نیست. یکی از وقایع چالشی که جزو دغدغه‌های مهم تعلیم و تربیت است و می‌توان آن را به‌عنوان ناهنجاری رفتاری تلقی کرد، «تقلب» است. «تقلب» می‌تواند جعل دانش یا باهوش نشان دادن خود از روی نیرنگ تعریف شود (اندرمن و مرداک، ۲۰۱۱). نظریه‌پردازان و پژوهشگران عوامل متعددی را برای روی آوردن دانش‌آموزان به تقلب برشمرده‌اند. در یک دسته‌بندی، تقلب به دو دسته تقلب در آزمون‌ها و تقلب در تکالیف درسی تقسیم شده است.

تقلب در آزمون شامل استفاده از یادداشت‌های غیرمجاز، نوشتن جواب سؤال‌های آزمون از روی کسی دیگر، کمک گرفتن غیرمجاز از افراد یا ابزارهای دیگر است. **تقلب در تکالیف درسی** هم شامل سرقت ادبی و محتوایی، انجام تکالیف توسط فردی دیگر، نوشتن تکالیف از روی تکالیف اشخاص دیگر، و انجام تکالیف فردی به‌صورت گروهی است. مطابق نظریه اهداف پیشرفت (آمس، ۱۹۹۲)، به دلایل و اهداف دانش‌آموزان برای پرداختن به رفتارهای تحصیلی، «جهت‌گیری هدف شخصی» گفته می‌شود. به‌طور کلی سه نوع جهت‌گیری هدف وجود دارد که عبارت‌اند از: «جهت‌گیری عملکردگرا، جهت‌گیری تسلط‌مدار و جهت‌گیری عملکردگریز».

دانش‌آموزان دارای جهت‌گیری عملکردگرا به دنبال اثبات شایستگی و فضایل خود هستند. در مقابل، دانش‌آموزان دارای جهت‌گیری تسلط‌مدار روی یادگیری درک و فهم تکالیف سطح بالا و بهبود شخصیت تمرکز دارند و دانش‌آموزان عملکردگریز به دنبال اجتناب از نبود شایستگی هستند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، بین جهت‌گیری هدف دانش‌آموزان و انجام تقلب رابطه معناداری وجود دارد.



اگرچه با گذر زمان آموزش و پرورش و معلمان برای کاهش این پدیده راهکارهایی داشته‌اند، اما واقعیت این است که سازوکارهای موجود پاسخگویی کافی ندارند. بنابراین می‌توان به سوی دیگر ماجرا توجه ویژه‌تری داشت: دانش‌آموزان و والدین.

برای اینکه دانش‌آموزان به تقلب مجبور نشوند باید فشار کمتری برای رسیدن به موفقیت تحصیلی به آن‌ها وارد کرد. والدین انتظار دارند فرزندانشان بهترین نمره‌ها را کسب کنند. طبیعی است بچه‌ها هم می‌خواهند به سطح انتظارات والدینشان برسند و رضایت آن‌ها را جلب کنند. مدرسه نیز به بچه‌ها فشار می‌آورد نمرهٔ بهتری کسب کنند و دانش‌آموزان بر همین اساس درجه‌بندی می‌شوند. وقتی دانش‌آموزان فکر کنند نمی‌توانند از پس امتحان برآیند، تحت فشار والدین، مدرسه و هم‌سالان به تقلب روی می‌آورند.

گرایش به ناهنجاری رفتاری تحصیلی تقلب، موضوعی چندبعدی و چندعاملی است و برای کاهش آن باید به همهٔ آن‌ها توجه کرد. بر همین اساس می‌توان اذعان کرد با وجود اشتراکات، برای کاهش تقلب باید آن را در موقعیت وقوع و فرد یا افراد مرتکب بررسی کرد.

برای عوامل زمینه‌ای مؤثر بر تقلب نیز عواملی چون نوع ارزشیابی، شرایط اجرای آزمون و سطح نظارت بر آزمون، روش‌های معلم و برخورد نکردن با افراد متقلب گزارش شده است.

پدیدهٔ تقلب در زیست‌بوم جدید باید باز تعریف شود
آنچه در شرایط کنونی حائز اهمیت است، توجه به بستر وقوع تقلب در زیست‌بوم جدید است. از آنجا که با شیوع کووید ۱۹، کلاس‌های حضوری جای خود را به آموزش‌های غیر حضوری و به‌طور اخص آموزش‌های مجازی دادند، شکل وقوع تقلب و فراوانی آن نیز دستخوش تغییر اساسی قرار گرفت و صدای زنگ خطر زمانی شنیده شد که پس از یک دوره فعالیت غیر حضوری، تعدادی از دانش‌آموزان مجبور بودند در آزمون‌های حضوری شرکت کنند و تفاوت عملکرد آزمون‌های مجازی و تکالیف مجازی با نمرات و عملکرد حضوری دانش‌آموزان نمایان شدند.

اگرچه در زمینهٔ تفاوت عملکرد حضوری و مجازی عوامل متعددی دخیل هستند، اما نمی‌توان وجود تقلب فراگیر (ولو با فراوانی کم) در شکل‌های گوناگون را نادیده گرفت!

هوش معنوی

واثر عکس بر بی صداقتی آموزشی

لیلیاسادات ابطی

دکترای مشاوره و راهنمایی



عوامل مؤثر بر تقلب تحصیلی را می‌توان به سه دسته عوامل بافتی، فردی و انگیزشی تقسیم کرد.

- عوامل بافتی به فشارهایی بیرونی گفته می‌شوند که بر فرد تحمیل و موجب ترغیب یا اجتناب از تقلب می‌شوند؛ مثل: محیط کلاس درس و خانواده و فضای زندگی، ویژگی‌ها و روش‌های آموزش معلم، قوانین پیشگیری از تقلب و نوع آزمون.

- عوامل فردی بیشترین ارتباط را با بی صداقتی تحصیلی دارند و عبارت‌اند از:

سن، جنس، رشته تحصیلی، صفات شخصیتی شامل وظیفه‌شناسی، مسئولیت‌پذیری، خودکارآمدی و ثبات هیجانی، عزت‌نفس و میل به برتری.

- عوامل انگیزشی متغیرهای فردی را به متغیرهای بافتی مرتبط می‌کنند.

دانش‌آموزان وظیفه‌شناس و مسئولیت‌پذیر مستقل هستند. هدفشان پیشرفت است و پشتکار بیشتری از خود نشان می‌دهند. در عملکرد تحصیلی صادق هستند. عادت‌های مطالعه‌ای را تمرین می‌کنند و خودکارآمدی تحصیلی در آن‌ها بالاست. دانش‌آموزان دارای ثبات هیجانی، نگاه منفی بیشتری به تقلب دارند و با هدف حفظ روابط اجتماعی از انجام تقلب دوری می‌کنند. با افزایش فردگرایی، رفتارهای غیراخلاقی افزایش می‌یابد و رفتارهای تقلبی مورد انتظار خواهند بود.

هوش معنوی برای حل مسائل مفهومی و ارزشی استفاده می‌شود

برای معنابخشی به زندگی و نهادینه کردن ارزش‌ها و کنترل تقلب می‌توان از هوش معنوی بهره جست. **دانا زوهار** و **یان مارشال** در این باره نظریه هوش سه‌گانه را مطرح کرده‌اند و هوش‌های دیگر را زیرمجموعه‌های این سه هوش می‌دانند:

۱. هوش عقلانی (IQ)

۲. هوش عاطفی یا هیجانی (EQ)

۳. هوش معنوی (SQ)

بی صداقتی آموزشی یکی از پدیده‌های مذموم و نگران‌کننده در تمام نظام‌های آموزشی دنیاست؛ معضلی که عامل تهدیدکننده کیفیت آموزش است و می‌تواند هشدار برای حضور افرادی با شایستگی پایین و بی‌اعتنا به ارزش‌های اخلاقی در محیط‌های کاری و ارتباطات آینده در جامعه باشد. براساس سند تحول بنیادین، شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح اسلامی مستلزم آن است که تربیت‌یافتگان نظام آموزشی شایستگی‌های لازم را برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران بر اساس نظام معیار اسلامی کسب کنند. وظیفه نظام آموزشی تربیت انسان‌هایی صادق، اخلاق‌مدار و پایبند به ارزش‌ها و فضیلت‌های انسانی و هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد است که به شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی منجر می‌شود.

تقلب در هر حوزه‌ای قابل پیش‌بینی است و تعریف‌های متعدد دارد. در دانش‌نامه عمومی تقلب نوعی دروغ، کلاهبرداری و حيله‌گری تعریف شده است که باعث ایجاد برتری ناعادلانه متقلب بر دیگران می‌شود.

رواج و شیوع این پدیده در محیط‌های تحصیلی کشورمان، به‌ویژه در آموزش‌های غیرحضوری ایام کرونا، انکارناپذیر است و آسیب‌های زیادی پدید آورده است. دانش‌آموزانی که تقلب می‌کنند، در فرایند یاددهی - یادگیری به‌طور مؤثر درگیر نمی‌شوند، غیبت‌های زیاد دارند، توسعه دانش و مهارت‌های جدید هدفشان نیست و تلاش زیادی نمی‌کنند، به محفوظاتشان اعتماد ندارند، در انجام تکالیف کوتاهی می‌کنند و برای ادامه تحصیل بی‌انگیزه‌اند.

تقلب موجب دلسردی دانش‌آموزان پرتلاش و درستکار و برتری غیرمنصفانه دانش‌آموزان کم‌تلاش خواهد شد. در مواجهه با این پدیده، سنجش دقیق توانایی‌های دانش‌آموزان و ارزیابی دشوار است. نتایج متفاوت میانگین نمرات گزارش‌شده دانش‌آموزان در آزمون‌های حضوری و غیرحضوری ایام کرونا گواهی بر این مدعا است.



مانند بی‌صدقتی آموزشی، درونی کردن ارزش‌هاست؛ تربیت انسان‌هایی که تقلب را عملی ناشایست و ناپسند بدانند و بدون وجود هرگونه پیامد یا بازخوردی، نسبت به عمل ناپسند هشیار باشند و بدون نظارت بر رفتارشان، مرتکب خطا نشوند.

میان باورهای اخلاقی با میزان وقوع تقلب رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

در هر صورت، مقابله با پدیده بی‌صدقتی آموزشی نیازمند تربیت درست، اقداماتی اساسی و مجموعه‌ای از راهکارهاست. بسیاری از بی‌اخلاقی‌های علمی با مدیریت و ایجاد قوانین درست قابل پیشگیری هستند.

گلاسر در کتاب «نئوری انتخاب» خود بر این باور است که دلیل اصلی اینکه بسیاری از دانش‌آموزان به لحاظ تحصیلی عملکرد بد دارند و دانش‌آموزان خوب هم حداکثر تلاش خود را نمی‌کنند، این است که مدرسه‌های ما پیرو روان‌شناسی کنترل بیرونی‌اند. او معتقد است، بخش قابل توجهی از کار دانش‌آموزان در مدرسه، حفظ کردن اطلاعاتی است که نگه داشتنشان در ذهن تا وقت امتحان کفایت می‌کند. همان‌طور که لینوس گفته است، فرق بین دانش‌آموزی که نمره بیست می‌گیرد با دانش‌آموزی که نمره تک می‌گیرد این است که دانش‌آموز نمره ۲۰ بگیرد، ۱۵ دقیقه بعد از امتحان و دانش‌آموز نمره تک بگیرد، ۵ دقیقه قبل از امتحان موارد حفظ کرده را فراموش می‌کند.

ترس از شکست عامل بزرگی است که کودکان را به تقلب وادار خواهد کرد. پیشنهاد مؤثر، کیفی شدن مدرسه و برگزاری آزمون‌هایی است که در آن‌ها به شایستگی و توانایی کلیه دانش‌آموزان توجه شود. در مدرسه‌های کیفی، داشتن صلاحیت و شایستگی، حداقل شرط لازم برای موفقیت است. پیشگیری از تقلب نیازمند تدوین استانداردهایی برای رفتار اخلاقی، تمرکز بر یادگیری و تأکید بر کاربرد دانش به جای ارزیابی محفوضات و همچنین ایجاد فرهنگ صحیح و درست علمی و تقویت هوش معنوی در افراد و هماهنگی بیشتر بین جهت‌گیری هدفی اولیا و دانش‌آموزان و مدرسه است.

هوش معنوی برای حل مسائل مفهومی و ارزشی به کار می‌رود. سؤال‌های جدی در مورد اینکه از کجا آمده‌ایم، به کجا می‌رویم و هدف اصلی زندگی چیست، از نمودهای هوش معنوی هستند. نوعی آگاهی درباره جهان به شکلی کلی به فرد می‌دهد. این هوش برای کارکرد اثربخش هوش عقلانی و هوش عاطفی ضرورت دارد و ما را قادر می‌سازد همه چیز را آن‌طور که هست، ببینیم. از این هوش می‌توانیم برای چارچوب‌دهی و تفسیر مجدد تجربه‌ها بهره ببریم.

افراد با هوش معنوی می‌دانند «چرا» و «چه چیزی» را انجام می‌دهند. آن‌ها دیگران را به‌خاطر چیزی سرزنش نمی‌کنند و همواره مسئولیت عملکردهایشان را می‌پذیرند. برای رضایت داشتن از خودشان، به تصدیق دیگران نیازی ندارند. از وابستگی به دیگران برای کسب ایمنی رها هستند، چون اعتقاد دارند ایمنی از خودشان است، نه از بیرون.

هوش معنوی کاربرد مهارت‌های سازگارانه را پیش‌بینی می‌کند و فرد را قادر می‌سازد به حل مسائل بپردازد و به اهدافش دسترسی داشته باشد. افراد با هوش معنوی بالا، در حین قضاوت، توانایی منصفانه و دلسوزانه رفتار کردن را دارند. بلوغ معنوی شامل درجه‌ای از بلوغ هیجانی و بلوغ اخلاقی و رفتار اخلاقی است و خردمندی و دلسوزی با دیگران را در بر می‌گیرد. با آگاهی همراه است و شامل ارتباط زندگی درونی ذهن با زندگی بیرونی می‌شود.

یادگیری بازنشاسی و گوش دادن به پیام‌های شهودی راهنمایی‌کننده یا صدای درونی، متفکر بودن، بالا بردن خودآگاهی، آموختن از اشتباهات و صداقت داشتن با خود، بر هوش معنوی می‌افزیند. آگاهی از امکان تغییر جهت ارادی توجه می‌تواند آغازی باشد بر فرایند کنار گذاشتن عادت‌های فکری و الگوهای رفتاری نامناسب.

هوش معنوی در اسلام بیانگر خودکنترلی است که از ایمان عمیق، رفتارهای اخلاقی و توجه به آموزه‌های دینی و اسلامی نشئت می‌گیرد. آموزش و پرورش وظیفه دارد دانش‌آموزان را منطبق با ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی تربیت کند. یکی از راه‌های بسیار مؤثر برای جلوگیری از اعمال ناشایست

رویکردهای مشاورهای

در برخورد با دانش آموز متقلب

ایوب ذاکری



کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

بهتر است مشاور یا یکی از کارکنان مدرسه با او صحبت کنند تا انگیزه او را از این کار دریابند و طبق انگیزه او و براساس رویکردهای مشاورهای راهکار دهند.

بررسی تقلب در امتحان براساس نظریه واقعیت درمانی چگونه صورت می‌پذیرد

فردی که تقلب می‌کند، شکست هویت دارد. یعنی کسی است که نتوانسته رابطه‌ای نزدیک و شخصی با دیگران ایجاد کند و مسئولانه عمل نمی‌کند و احساس درماندگی و ناامیدی و بی‌ارزشی می‌کند. همچنین نمی‌تواند خود را اساساً توانا، لایق و باارزش تعریف کند. دانش‌آموز نتوانسته است نیازهای بقا، محبت و تعلق‌پذیری، قدرت یا پیشرفت، آزادی یا استقلال را در خود تأمین کند و مورد پذیرش قرار نگرفته است. لذا سعی می‌کند با تقلب خود را نشان دهد.

هدف واقعیت‌درمانی، پرورش قبول مسئولیت در فرد و ایجاد هویتی موفق است. بنابراین، مشاور مدرسه باید در اولین مرحله، رفتاری را که درصدد اصلاح آن خواهد بود (تقلب در امتحان) شناسایی کند و تمام توجیحات خود و مراجع را بدان معطوف دارد. همچنین، به گذشته او توجه نکند و هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای را برای رد مسئولیت نپذیرد. تلاش شود که دانش‌آموز اهداف کوتاه‌مدت امتحان (مستمر) و درازمدت (امتحان پایانی) خود را بشناسد و با صراحت آن‌ها را تعریف و توصیف کند. از دانش‌آموز خواسته شود کلیه راه‌های احتمالی موفقیت در امتحان را، بدون اظهارنظر و قضاوت، فقط روی کاغذ یادداشت کند. سپس دانش‌آموز و مشاور به اظهارنظر و قضاوت درباره راه و روش‌های ارائه‌شده می‌پردازند و هر یک را از جهت‌های متعدد بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کنند. در نتیجه دانش‌آموز می‌تواند از بین آن‌ها راه و روش‌هایی را که به نتایج

شیوع بالای تقلب هشدار برای جامعه و گویای آن است که روند تبعیت از قانون دچار مشکل شده است. با توجه به اینکه مسئله اجتماعی وضعیتی است که با ارزش‌های شمار زیادی از مردم مغایرت دارد و برای تغییر آن وضعیت باید اقدام کرد، موضوع تقلب در امتحان نیز مسئله‌ای اجتماعی است، زیرا هدف از نهادهای آموزشی، آشنایی افراد با ارزش‌های جامعه و به‌نوعی جامعه‌پذیری آنان است و هنگامی که افراد در این نهادها، به جای تبعیت از هنجارهای مشروع، انواع سرپیچی از هنجارها و ارزش‌های جامعه را فرا گیرند، در جامعه نیز برای رسیدن به هدف، همین راه را ادامه خواهند داد. بنابراین، در برخورد با دانش‌آموزی که مرتکب تقلب شده است، معمولاً براساس علت آن اقدام و تصمیم‌گیری می‌شود. اما در اینجا به موضوع تقلب بر اساس رویکردهای مشاورهای می‌پردازیم. لذا پیچیدن یک نسخه و تدوین آیین‌نامه‌های انضباطی برای همه دانش‌آموزان هرگز با نفس نظریه تفاوت‌های فردی سازگار نیست و سخت‌تر کردن قوانین، جز سوق دادن دانش‌آموزان به ورطه درماندگی آموخته‌شده و سرخوردگی و افسردگی نتیجه‌ای نخواهد داشت.

اگر در لحظه‌ای با تقلب دانش‌آموزی مواجه شویم، باید بدانیم اولین قدم متوقف کردن تقلب است. البته باید توجه کنیم این کار بدون ایجاد اضطراب و ترس در دانش‌آموز انجام شود، به این صورت که یکی از مراقبان به کنار دانش‌آموز برود و تقلب کردن را تا حد ممکن بدون علنی کردن این موضوع متوقف کند و تا پایان امتحان در کنار دانش‌آموز بایستیم و حتماً توجه کنیم فرصت برگزاری کامل امتحان را به او بدهیم. عوض کردن جا و بیان کردن این مسئله در حضور دانش‌آموزان مناسب نیست، چون موجب تخریب شخصیت یا حتی تکرار این کار می‌شود. در مرحله بعد هم

- مطلوب‌تری خواهند انجامید، انتخاب کند.
- به دانش‌آموز کمک شود با افراد و دوستان و خانواده ارتباط مجدد برقرار کند.
- خانواده و اطرافیان کمک کنند نیاز به محبت و تعلق‌پذیری در او ارضا شود.
- ارتباط عاطفی او با خانواده برقرار شود.
- درباره رفتار غلط او قضاوت ارزشی صورت نگیرد و کل رفتارهای او قضاوت نشود.
- به طرح‌ریزی برای از بین بردن هویت شکست، به دانش‌آموز کمک شود.
- برای داشتن تعهد به اجرای برنامه، به او انگیزه داده شود.
- تنبیه‌نکردن دانش‌آموز

رویکرد شناختی در تقلب نوعی خطای شناختی است

از مهم‌ترین عوامل تقلب می‌توان به وجود چند خطای شناختی اشاره کرد: - اثر چشم‌وهم‌چشمی^۱ نوعی سوگیری شناختی است که طی آن، فرد عملی را فقط به این دلیل انجام می‌دهد که دیگران نیز دارند همان کار را انجام دهند. در این حالت فرد به باورهای خود توجه چندانی ندارد و پس از اینکه عملی را انجام داد، به آن باورها رجوع می‌کند. اگر عمل با باورهایش مطابقت داشت، ارزش زیادی برای باور خود قائل می‌شود و اگر با باورش تناقض داشت، باور را نادیده می‌گیرد. تمایل به پیروی از اعمال و افکار دیگران از گرایش افراد به هم‌نواپی ناشی می‌شود. گاهی اوقات هم به این علت است که تنها منبع اطلاعات فرد، دیگران‌اند. هر دو دلیل اما شاهدهی بر تمایل به هم‌رنگی با جماعت هستند. نتیجه‌نگری^۲ نوعی سوگیری شناختی است که وقتی ذهن برای تصمیم‌گیری به قضاوت می‌نشیند، به جای آنکه کل فرایند تصمیم‌گیری و کیفیتش را مد نظر قرار دهد، فقط به نتایج کار اهمیت می‌دهد.

گاهی اوقات نتایج یک تصمیم خوب از آب درمی‌آید، در حالی که خود تصمیم لزوماً خوب نیست. اگر با تقلب در امتحان بیست شدیم، به این معنا نیست که تقلب عمل خوبی است. نتیجه‌نگری باعث می‌شود فرد به وقایع گذشته بی‌توجه باقی بماند و وقایعی را که به یک نتیجه منجر می‌شوند نادیده بگیرد و در عوض بر نتیجه تأکید زیادی کند.

تفکر همه یا هیچ از انواع خطاهای شناختی فرد برای هر پدیده‌ای، دو حالت از دو سر طیف را در نظر می‌گیرد. آره یا نه، همه یا هیچ، اول یا آخر، پیروزی یا شکست، سیاه یا سفید، مثال‌هایی از تفکر صفر و یک هستند. این نوع خطا

باعث انعطاف‌ناپذیری فرد در زمان مواجهه با مسائل می‌شود. این نوع تفکر در شخصیت‌های مرزی بسیار مشهود است. برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینه اختلال شخصیت مرزی تلیک (کلیک) کنید. دانش‌آموزی که همیشه در امتحانات خود نمره کامل می‌گرفته و حال که ۱۸ شده، خود را فردی شکست‌خورده می‌پندارد، وجود این تفکر او را به سمت کسب نمره کامل، به هر قیمتی که شده است، سوق می‌دهد.

فاجعه‌انگاری وقتی است که فرد انتظار وقوع حادثه‌ای ناگوار یا ایجاد پیامد بدی برای یک اتفاق دارد. ممکن است اتفاقی را بزرگ‌نمایی یا توانایی خود را کوچک‌نمایی کند. مثلاً بگوید اگر نمره کمی بگیرم، هرگز موفق نمی‌شوم. هر یک از خطاهای شناختی گفته‌شده می‌تواند دانش‌آموز را به سمت تقلب در امتحان سوق دهد. با توجه به اینکه رفتار ما نتیجه تفکر و هیجانات ماست، برای تغییر رفتار ابتدا باید تفکر دانش‌آموز اصلاح شود.

در قدم اول باید متوجه خطای شناختی دانش‌آموز شویم. با صحبت کردن در محیط امن و با دانستن این موضوع که او با صحبت در مورد عقایدش قضاوت یا توبیخ نمی‌شود، می‌توان دانش‌آموز را به سمت بازکردن مسئله پیش برد. علت تقلب هر دانش‌آموز می‌تواند متفاوت باشد. پس برای هر کس باید روش متفاوتی در پیش بگیریم. پس از اینکه از علت تقلب آگاه شدیم، می‌توانیم فرد را نسبت به تفکر اشتباهش آگاه و پس از آن رفتار مناسب را جایگزین کنیم. بنابراین، با توجه به رویکرد act می‌توان در مورد نظام ارزش‌ها و پایبندی به آن‌ها با دانش‌آموز صحبت کرد و تمرین‌های لازم را با او کار کرد. یا براساس رویکرد cbt می‌توان خطاهای شناختی او را شناسایی و فکریهای صحیح را جایگزین کرد؛ خطاهایی شناختی از جمله:

- * من باید کامل‌ترین باشم؛
 - * من باید به بهترین نتیجه‌ها برسم؛
 - * همه دانش‌آموزانی که درس نمی‌خوانند، تقلب می‌کنند؛
 - * مدرسه و دنیا بی‌هدف است و ارزش تلاش کردن ندارد.
- این روزها تعداد زیادی از والدین بار مسئولیت کلاسی دانش‌آموز را به دوش می‌کشند. این رفتار منجر می‌شود دانش‌آموز در مورد درس و تکلیف کمتر احساس مسئولیت کند. دانش‌آموزان باید بتوانند در هر دوره‌ای از زندگی مسئولیت‌هایی را که به عهده‌شان است، به خوبی انجام دهند و در مواجهه با هر موقعیت و بحرانی گلیم خود را از آب بیرون بکشند.

پی‌نوشت‌ها

1. bandwagon effect
2. Outcome bias



بخش اول، والدین

والدین، یار کمکی دانش آموز برای تقلب

ایوب ذاکری



کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

دانش‌آموزان صرفاً به دلیل ضعف درسی به تقلب اقدام نمی‌کنند، بلکه به دلیل نداشتن اعتمادبه‌نفس و نیاز به همراهی با دیگران به چنین کاری دست می‌زنند.

تقلب در واقع به معنی ارائه چیزی بیش از میزان واقعی آن است و به منظور گرفتن نمره بیشتر از سعی یا توان انجام می‌شود. در واقع شخص از خود و قابلیت‌هایش راضی نیست. دانش‌آموز خود را نپذیرفته است یا باور ندارد و در شرایطی حاضر است پاسخی که می‌نویسد با دوستش یکی باشد. حتی اگر مطمئن نباشد دوستش هم پاسخ صحیح را بداند. فقط به همراهی و هماهنگی با فرد دیگری نیاز دارد. این احساس را می‌توان به نوعی به احساس نبود امنیت نیز تعبیر کرد. از دیگر عوامل این ناهنجاری و تقلب برای دانش‌آموزان، ترس از نمره کم به دلیل ترس از سرزنش والدین است. برخی از والدین به جای دانش‌آموزانشان، صرفاً به نمرات وی تکیه می‌کنند و چنانچه او نمره ممتاز یا قابل قبولی نگیرد، مرتب او را با دیگر دانش‌آموزان مقایسه و سرزنش می‌کنند. از آنجا که همه انسان‌ها نیاز دارند پذیرفته شوند، دانش‌آموز به منظور فرار از سرزنش، تمام سعی خود را به جای درس خواندن معطوف شیوه‌های گوناگون تقلب می‌کند تا به هر قیمتی که شده است، نمره بالاتری کسب کند. به عبارت دیگر، برای او مهم نیست این نمره در واقع به او متعلق نیست، بلکه قصد دارد به والدین و اطرافیان نشان دهد قابلیت‌های قابل تحسین و تمجیدی دارد.

والدین باید به نکته بالا توجه داشته باشند و با سرزنش دانش‌آموز و مقایسه او با دیگران به خاطر نمراتش، او را به انجام تقلب مجبور نکنند. با تشویق دانش‌آموز در امتحاناتی که نمرات قابل قبولی می‌آورند، قدم‌به‌قدم در کسب اعتمادبه‌نفس به او برای کسب موفقیت به پیش برویم.

نظریه‌های رفتاری و تقلب دانش‌آموز

- رفتار توسط پیامدهایش شکل می‌گیرد و حفظ می‌شود: اگر پیامد برخوردار مدیر و معلم خاموشی رفتار دانش‌آموز

این روزها تعداد زیادی از والدین بار مسئولیت کلاسی دانش‌آموز را به دوش می‌کشند. این رفتار منجر می‌شود دانش‌آموز در مورد درس و تکالیف کمتر احساس مسئولیت کند. دانش‌آموزان باید بتوانند در هر دوره‌ای از زندگی مسئولیت‌هایی را که به عهده‌شان است به خوبی انجام دهند و در مواجهه با هر موقعیت و بحرانی گلیم خود را از آب بیرون بکشند.

والدین باید این نکته را در نظر داشته باشند که از فرزند خود توقع غیرواقعی نداشته باشند. فشار بیش از حد والدین و خواسته‌های نابجای آن‌ها می‌تواند دانش‌آموز را به انجام تقلب متمایل کند. متأسفانه تعداد زیادی از والدین که نتوانسته‌اند به خواسته‌ها و آرزوهای خود برسند، از کودکی به‌طور ناخودآگاه یا حتی خودآگاه این آرزوها را به کودکان خود تحمیل می‌کنند. این امر می‌تواند به اضطراب شدید برای دانش‌آموز منجر شود، درحالی که دانش‌آموز مثلاً به رشته پزشکی تمایلی ندارد. فشار والدین و سخت‌گیری‌های آن‌ها و اضطرابی که والدین خودشان برای رساندن فرزندانشان به اهداف دلخواه آنان دارند، می‌تواند نقطه شروعی برای تقلب دانش‌آموز باشد.

برخی والدین به دلیل اضطراب، وسواس یا کنترل‌گری خود اجازه تجربه مسئولیت‌پذیری کودک را در مراحل رشد به او نمی‌دهند، تمامی کارها را خودشان انجام می‌دهند و پس از رسیدن کودک به سنین نوجوانی با نوجوانی بی‌مسئولیت مواجه می‌شوند. عبور از مرحله کودکی و نوجوانی که مراحل وابستگی به خانواده است و رسیدن به مرحله استقلال فردی از طریق پذیرش تدریجی اتفاق می‌افتد. والدین باید برای فرزندان خود اعمال محدودیت به شیوه سالم و با گفت‌وگو (نه شیوه کنترل‌گری، ارباب، تنبیه و سرزنش کردن) را در نظر داشته باشند و این گونه به او پیامدهای رفتارش را گوشزد کنند تا او متوجه شود انجام‌دادن کارها و وظایف محول بر او چه برایش پیامدهایی خواهد داشت.

- بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند، بسیاری از



برای رفع عوامل خانوادگی، در جلسات آموزش خانواده و روش‌های فرزندپروری، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. خانواده باید به تلاش فرزند خود توجه کند، نه به نتیجه به‌دست‌آمده. به این صورت روحیه تلاشگری را در او تقویت کند.
۲. از مقایسه کردن او با دیگر دوستان و همسالان بپرهیزند و فرزند خود را طبق استعدادهای منحصر به فرد خودش بپذیرد.
۳. فرزند خود را بدون قید و شرط دوست داشته باشند؛ نه صرفاً در صورت کسب موفقیت و نمره عالی.
۴. موقعیت مناسب، هم از لحاظ مکان و هم از لحاظ روانی، برای مطالعه و درس خواندن برای او ایجاد کنند.
۵. در صورتی که فرزندشان در یادگیری مشکل دارد، با آموزش‌های مناسب به او آموزش دهند.
۶. قانون‌پذیری را به خانواده آموزش دهیم تا با فرزند خود تمرین کنند.
۷. استعدادها و توانایی فرزندشان را بشناسند و با کوچک‌ترین موفقیت‌ها او را تشویق کنند تا بتواند خودش را باور کند.

توصیه‌هایی برای رفع عوامل مربوط به مدرسه و معلم:

۱. معلم‌ها مانع از رقابت‌های ناسالم در دانش‌آموزان شوند؛
۲. بر یادگیری تأکید داشته باشند، نه بر نمرات امتحانات؛
۳. نتیجه را به‌صورت کیفی و در طول سال به دانش‌آموز اعلام کنند، نه صرفاً طبق برگه‌های امتحان؛
۴. موفقیت‌های کوچک دانش‌آموزان دیده شود و در جمع تشویق شوند؛
۵. در جمع کلاسی از دانش‌آموزان انتقادهای ناسالم نکنند.

باشد و تقویت نشود، رفتار خاموش می‌شود. بنابراین، برای تغییر رفتار بهتر است از روش‌های زیر استفاده شود:

– **یادگیری تقلیدی (سرمشق دهی):** رفتار مطلوب با الگوی مناسب آموخته شود.

– **یادگیری شناختی:** رفتار جدید از طریق ایفای نقش، مرور ذهنی و آموزش‌های کلامی و تقویت‌کننده‌ها آموخته شود.

– دخالت‌دادن ملاک‌های سنجش غیر از آزمون نمره‌ای مانند ارزیابی عملکردی، مشارکت فعالانه در کلاس، تقویت خودپنداره مثبت دانش‌آموز، ارزشیابی توصیفی؛

– **یادگیری مشاهده‌ای:** الگوی مناسب رفتاری برای فرزندان بودن، چرا که فرزندان از طریق واکنش والدین نسبت به انجام یا حذف یک رفتار از طریق مشاهده عمل می‌کنند؛ – استفاده از تقویت‌کننده مثبت و منفی برای افزایش یا کاهش رفتار؛

– مقایسه‌نکردن فرزند با همسالان؛

– بالابردن عزت‌نفس فرزند؛

– دادن اطمینان و امنیت روانی به فرزند، حتی اگر در آزمون نمره کم کسب کند؛

– ایجاد نگرش مثبت به زندگی و حس امیدواری؛

– ایجاد رابطه مؤثر با فرزند.

بنابراین، والدین لازم است قبل از هر چیز بر اساس نظریه **بندورا** خود الگوی خوبی برای فرزندان باشند و مثلاً در رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی دقت کنند فرزندان آن‌ها نیز بر اساس یادگیری مشاهده‌ای یاد بگیرند، رفتارهای مطلوبی انجام دهند و به تقلب یا هر رفتار غیراخلاقی حاضر نشوند. همچنین والدین با تقویت نکردن رفتار دانش‌آموز (تقلب)، می‌توانند رفتار وی را خاموش کنند.

(بر اساس رویکرد رفتارگرایی) انسان باید با پیامد رفتار نادرستش روبه‌رو شود. به گفته **جان لاک**، بهترین تنبیه «تأییدنکردن» است. (به‌خصوص اگر اولین بار است این خطا را انجام می‌دهد). معلم می‌تواند نمره او را حذف کند و منظور نکند و علت حذف نمره را به او توضیح دهد.

سپس مشاور مدرسه در گفت‌وگویی همدلانه علت این خطا را جویا شود و با هم‌فکری دانش‌آموز در صدد رفع مشکل برآیند. مشکل می‌تواند یادنگرفتن درس به علت تدریس ضعیف معلم یا نداشتن مطالعه کافی، یا ضعف مهارت صحیح مطالعه و یادگیری یا مشکلات فردی، خانوادگی، نداشتن انگیزه کافی برای مطالعه یا ادامه تحصیل باشد که با شیوه حل مسئله یا آموزش مهارت‌های لازم، برای بهبود وضع موجود اقداماتی صورت می‌گیرد و دانش‌آموز آماده می‌شود در آزمون‌های بعدی خطای گذشته را جبران کند و در صورت انتخاب راه درست، تشویق می‌شود.



مدیران چطور باید

تقلب در فضای مجازی را کنترل کنند؟

زهراسادات موسوی

دکترای مدیریت برنامه‌ریزی آموزشی



دشوار است و بسیاری کشورها با این موضوع درگیرند و هنوز راهی قطعی برای نظارت دقیق بر آزمون‌های غیرحضوری وجود ندارد. اما با ایجاد شرایط مناسب مدیریتی و فناورانه، می‌توان از میزان شیوع این معضل کاست. بنابراین با شناسایی عوامل گوناگون در ایجاد شرایط تقلب و میل دانش‌آموزان به انجام آن، می‌توان گام‌هایی برای رفع این مشکل اتخاذ کرد.

در بررسی‌های انجام‌گرفته، عوامل متعددی در میزان شیوع تقلب در دانش‌آموزان نقش دارند:

- تأثیر هم‌سالان
- تنوع روش‌های تقلب
- زمینه‌های اجتماعی

به‌طور کلی، آمارهای تقلب از یک مطالعه با مطالعه دیگر متفاوت است. این موضوع به احتمال بسیار، به متفاوت بودن تعریف‌های رفتارهای تقلب مربوط می‌شود. اما مطالعات اخیر نشان می‌دهد، مدیران مدرسه‌های کشورهای در حال توسعه مشکلات بیشتری در رفع معضل تقلب و کنترل آن در فضای مجازی دارند. چرا که از نظر اقتصادی و امکانات، مشکلات بیشتری نسبت به مدرسه‌ها در کشورهای توسعه‌یافته دارند. از این جهت، بررسی و تشخیص منابع تقلب در آزمون‌های مجازی و کنترل آن در کشورهای در حال توسعه دشوارتر است.

شناسایی عوامل در کنترل تقلب نقش تعیین‌کننده دارد

- در هر سازمان یا مجموعه آموزشی تعدادی از افراد مدیر یا رهبر آموزشی نامیده می‌شوند. اگرچه این افراد به این نام خوانده می‌شوند، اما ضرورتاً همه کارها و وظایف مجموعه آموزشی را به تنهایی انجام نمی‌دهند. ایشان نقش بسیار مهم و بسزایی در نحوه انجام کارها و هدایت سازمان به سوی دستیابی به اهداف تعیین‌شده بر عهده دارند. مدیران آموزشی، افزون بر اطلاعات و دانش لازم در مورد مسائل آموزشی،

دنیای آموزش امروز تحت سیطره اینترنت و به‌اصطلاح فضای مجازی است و آموزش مجازی فرصت‌ها و افق جدیدی را در شیوه‌های نوین تدریس، روش‌های یاددهی‌یادگیری و برقراری عدالت آموزشی و به‌تبع آن محدودیت‌ها و معایبی نیز ایجاد کرده است. از جمله این محدودیت‌ها، برگزاری امتحانات در فضای مجازی است؛ امتحاناتی که در گذشته با آموزش حضوری و کنترل مستقیم مدرسه و ارزشیابی معلم صورت می‌پذیرفتند. اما با شیوع بیماری کرونا و جهت‌گیری آموزش و آزمون‌ها به سمت وسوسه غیرحضوری، شیوع روزافزون تقلب را نیز در بین دانش‌آموزان می‌بینیم؛ معضلی که قبلاً نیز در امتحانات حضوری وجود داشت، اما با روند مجازی‌شدن آزمون‌ها فزونی یافت. در این نوشتار قصد داریم نگاه کوتاهی بر عواقب تقلب و ارائه راهکارهایی برای کنترل این معضل توسط مدیران آموزشی داشته باشیم.

اثرات و عواقب تقلب

موضوع تقلب در امتحانات برخط یک معضل جهانی است و برخی کشورها با آن به مبارزه هم پرداخته‌اند. چرا که آزمون یکی از ابزارهای مهم ارزشیابی در تصمیم‌گیری درباره صلاحیت دانش‌آموزان برای ارتقا به پایه بالاتر است و چنانچه آزمون به‌عنوان وسیله‌ای مؤثر، نتایج واقعی یا نزدیک به واقعیت را منعکس نکند، بی‌شک در تصمیم‌گیری صحیح معلمان و آینده تحصیلی دانش‌آموزان اثر خواهد گذاشت. ضمن آنکه در صورت مشخص‌نشدن صحیح صلاحیت دانش‌آموزان برای ارتقا به پایه بالاتر، با ورودی‌هایی ضعیف در پایه‌های دیگر مواجه خواهیم شد که نه‌تنها دانش، نگرش و مهارت کافی در پایه جدید تحصیلی را ندارند، بلکه منابع ارزشمند انسانی، اقتصادی و مادی را در آموزش و پرورش به هدر می‌دهند و آسیب‌های جدی روانی و انگیزشی در دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند و اثرات مخرب آن در درازمدت به فرد و جامعه می‌رسد؛ هرچند در آموزش غیرحضوری و آزمون‌های مجازی، اجرای نظارت کامل پیچیده و



- مشارکت دانش‌آموزان در مطالعه و انجام تکالیف؛
- انتخاب تصادفی گروهی از دانش‌آموزان برای اعتبارسنجی مجدد؛
- ترکیب تصادفی سؤالات آزمون و گزینه‌ها؛
- آموزش با رویکرد اخلاقی به دانش‌آموزان و نکوهدیده‌دانستن معضل تقلب در آزمون؛
- تغییر شیوه ارزشیابی از حالت صرفاً دانشی به حالت مهارتی، عملکردی و ارزشی، و استفاده کمتر از آزمون‌های چندگزینه‌ای؛
- اجرای فعالیت‌های گروهی در آموزش و غیرقابلیتی کردن ارزشیابی در آزمون، به طوری که هر دانش‌آموز موفقیت خود را در ارزشیابی محفوظ بداند.
- انجام آزمون تصویری با فن (تکنیک) آینه که مورد استفاده بسیاری کشورها در آزمون‌های مجازی است. بدین ترتیب که پشت دانش‌آموز آینه‌ای، به‌طور میانگین یک متر در یک متر، قرار داشته باشد و آزمونگر به‌صورت تصویری و از روبه‌رو آزمون‌شونده را مورد نظارت قرار دهد. بدین ترتیب نظارت بیشتری بر آزمون‌شونده صورت می‌پذیرد.
- ارتقای سامانه‌های فناورانه در آزمون مجازی، برای بررسی IP سامانه دانش‌آموزان، زمان ورود و خروج به سیستم، مدت‌زمان حضور در آزمون، محدود کردن تعداد دفعات دابلود سؤالات، نبود امکان بازگشت به سؤال قبل یا صفحات قبل و پرکردن برگه (فرم) و احراز هویت دانش‌آموز در سامانه.

بسیاری از مدیران آموزشی با روش‌های گوناگون تشخیص تقلب و تخلف آشنا هستند، ولی این روش‌ها درصد کمی از مشکلات را برطرف می‌کنند و کمتر کارساز خواهند بود. دغدغه تقلب در امتحان نکته‌ای است که آموزش و پرورش می‌تواند برای حل هر چه بهتر آن، علاوه بر نکات ذکر شده، به توجه کمتری به امتحانات صرفاً دانشی و پایانی، توجه بیشتر به ارزشیابی‌های عملکردی، تکالیف کلاسی، حضور فعال در کلاس مجازی و فعالیت‌های تیمی و کار گروهی معطوف دارد.

تدریس، روش‌ها و مهارت‌های تدریس، نیازمند توانایی‌ها و مهارت‌های خاص مدیریتی در امور آموزشی و مدیریتی نیز هستند تا از این طریق بتوانند وظایف و مأموریت‌های اصلی خود را به نحو شایسته و مطلوب انجام دهند و مانع از کج‌روی‌ها و تخلفات احتمالی در محیط مدرسه و سازمان آموزشی خود شوند. بدین ترتیب مدیران آموزشی را می‌توان علاوه بر مدیران ارشد و میانی در آموزش و پرورش، کلیه مدیران مدرسه، معاونان آموزش، اجرایی و معلمان نیز در نظر گرفت که کارها و امور مرتبط با آموزش را از طریق بهره‌مندی از شرایط و امکانات موجود و با استفاده از سایر افراد به انجام می‌رسانند. بنابراین، هرگونه فعالیت مدیران، معاونان و معلمان در جهت اهداف آموزشی، به‌منزله نظارت، کنترل و مدیریت آموزش و در جهت نیل به اهداف معین است و کنترل تقلب نیز یکی از اهداف مذکور است. به‌زعم مرداک و اندرومن (۲۰۲۰) در گرایش دانش‌آموزان به تقلب در فضای مجازی سه مؤلفه مؤثرند: اهداف دانش‌آموز، انتظارات آنان از هدف، ارزیابی آنان از هزینه نیل به اهداف. وقتی دانش‌آموزی از توانایی خود انتظارات ضعیفی دارد و بر اهداف عملکردی بیشتر از اهداف تسلط خود تمرکز کند، گرایش بیشتری به تقلب در او شکل می‌گیرد. اهداف عملکردی بیشتر تحت تأثیر انگیزه‌های بیرونی مانند مدرسه، معلم، خانواده و هم‌سالان و در جهت تلاش به‌منظور دستیابی به نمرات بیشتر، نگرانی از عقب‌ماندن از دیگران، میل به نشان دادن خود، رقابت با هم‌سالان و تلاش برای بهتر بودن هستند. درحالی که اهداف تسلط، ذاتی و با انگیزه‌های درونی مثل اشتیاق به یادگیری، دستیابی به دانش جدید، وظیفه‌شناسی و بهبود وضعیت فعلی مرتبط است. در چنین شرایطی، مدیران آموزشی با شناسایی عوامل مؤثر در تقلب و رفع شرایط ایجاد آن می‌توانند در کاهش این مسئله اثرگذار باشند. مدیران آموزشی می‌توانند با انجام اقداماتی از قبیل این موارد، نظارت بر آزمون‌ها و ارزیابی مجازی را بهتر و امکان انجام ارزشیابی کامل‌تری از دانش‌آموزان را میسر کنند:

- اجرای آزمون‌های تصادفی و بدون برنامه قبلی؛



خورشید پشت ابر نمی ماند

صدیقه یوسفزاده

دکترای علوم تربیتی (رشته برنامه‌ریزی درسی)



تقلب تحصیلی انواع گوناگونی دارد و تقسیم‌بندی‌های متعددی برای آن پیشنهاد شده است. در دنیای پیشرفت امروز، تقلب تحصیلی دامنه وسیعی را شامل می‌شود انواع تقلب تحصیلی و اشکال آن، به تقلب در آزمون‌ها و تقلب در تکالیف درسی می‌شود اشاره کرد.

تقلب در آزمون

این نوع تقلب شامل این موارد است: استفاده از یادداشت‌های غیرمجاز در آزمون رونویسی پاسخ آزمون باز و حل آزمون در منزل از روی شخص دیگر و اجازه‌دادن یا اجازه‌گرفتن برای رونویسی پاسخ‌های آزمون

تقلب در تکالیف درسی

رونویسی کردن تکلیف منزل از تکلیف شخص دیگر، اجازه‌دادن به سایر افراد برای رونویسی کردن تکلیف منزل، انجام تکلیف به دست فرد دیگر، انجام تکلیف برای سایر افراد و انجام تکلیف فردی با سایر اشخاص.

گسترده‌گی پیامدهای تقلب‌گاهی جبران‌ناپذیر است

اصولاً تقلب برای اینکه دیگری فریب داده شود صورت می‌گیرد. برای تقلب فقط پیامد اجتماعی متصور نیست بلکه فردی و اخروی را نیز شامل می‌شود، بی‌شک آگاهی از پیامد آن یکی از راه‌های جلوگیری از تقلب می‌باشد. شایع‌ترین اشکال تقلب در تحصیل، تقلب در هنگام امتحان و ارزشیابی است. کوتاهی در تقبیح بیان زشتی رفتار توسط معلمان و نظام آموزشی باعث می‌شود دانش‌آموزان این رفتار را یک نوع زنگی قلمداد کرده حتی از بیان آن شرم نکنند. تقلب در یک مقطع زمانی کوتاه جهت منفعت خود فرد انجام می‌شود ولی انسان متقلب در همه حال زیانکار است؛ در

تقلب یا فریب‌کاری پدیده‌ای فراگیر در نظام‌های آموزشی بوده است که این پدیده، یکی از عوامل مهم تهدیدکننده یادگیری دانش‌آموزان است و غالباً به اندازه‌ای فراگیر است که میزان صداقت تحصیلی در طول دوران آموزش آشکارا دیده می‌شود؛ هرچند درباره میزان شیوع تقلب درصد مشخصی تعیین نمی‌شود، در کشورهای مختلف پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که این امر، خاص یک دوره تحصیلی، یک دانشگاه و یک کشور نیست و در تمامی دنیا دیده می‌شود. همچنین، میزان تقلب در سالی گذشته، به‌طور منظم در حال افزایش بوده و با پیشرفت فناوری‌های جدید به حدی شایع شده است که آن را معضلی همه‌گیر در مراکز آموزشی می‌دانند.

در این خصوص، مطالعات متعددی نشان می‌دهد از دیدگاه خود دانش‌آموزان، تقلب امری عادی و رایج محسوب می‌شود که روزبه‌روز در حال افزایش است. علی‌الخصوص اکنون آموزش به دلیل کرونا حضوری و غیرحضوری شده است. این موضوع بر نظم و انضباط مدرسه اثر منفی می‌گذارد و در کاهش اعتبار و ارزش تحصیلی و علمی نقش دارد. گذشته از آن، این مسئله بر افکار دانش‌آموزان تأثیر بدی دارد، چنان‌که اعتبار آنان را کاهش می‌دهد و بر رشد و سلامت آن‌ها اثر می‌گذارد، افرادی که در دوران تحصیل خود تقلب می‌کنند، همین کار را درباره شغل حرفه‌ای و زندگی روزمره خود نیز انجام می‌دهند. همچنین، تقلب از نظر روانی آثاری مانند بروز احساس ترس و حقارت و پنهان‌کاری را در افراد در پی دارد به‌طوری‌که روان‌شناسان آن را بیماری روحی شخصیتی می‌دانند و مطابق باور آن‌ها وقتی که درباره نادرستی رفتار تقلب به فراگیران هشدار نمی‌دهیم و پیامدهای منفی آن را آشکار نمی‌کنیم، چگونه باید انتظار داشته باشیم که آن‌ها به سمت تقلب رو نیاورند؟



در دانش‌آموزان نسبت به تقلب، هنجارهای سازنده اجتماعی جایگزین هنجارهای تخریبی شود. در کنار آموزش رسمی در زمینه‌های اجتماعی و اخلاقی به‌طور جدی برنامه‌ریزی شود؛ از جمله آموزش‌های فرهنگی، اجتماعی و معنوی در این ارتباط، توجه به ضرب‌المثل‌ها و داستان‌های تاریخی و دینی که مسئله تقویت وجدان و تعهد اجتماعی در مسیر ادبیات غنی سرزمینمان است که هر یک به‌نوعی به پیامدها و آثار منفی استفاده از روش‌های مبتنی بر تقلب اشاره کرده‌اند. همچنین، این عوامل در بازسازی ساختاری نظام آموزشی مدرسه مؤثر هستند؛ توجه به اصلاحات ساختاری در نظام آموزشی نظیر تغییر سبک آزمون‌ها و شیوه ارزیابی فعالیت‌های دانش‌آموزان، توجه بیشتر به فضای گفت‌وگوهای چندگانه در محیط کلاس و به‌طور کلی در نظر گرفتن امتیازات بیشتر برای اظهارنظرهای دانش‌آموزان در نحوه حل مسائل، از جمله درباره حل مسائل اجتماعی. در این صورت، با تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به تقلب، سرمایه اجتماعی و در نتیجه امنیت اجتماعی از این سه جنبه ارتقا داده می‌شود: بعد ارتباطی (روابط متقابل)، بعد ساختاری (پیوندهای اجتماعی، شکل و ترکیب و تناسب سازمانی)، و بعد شناختی (نوع نگرش‌ها و باورهای ذهنی نسبت به فعالیت‌های اجتماعی و **تقویت روحیه گروه‌گرایی**، انتظارات و نگرش خانواده، همسالان).

مقابل سود کمی که برده، زبانی به بهای شرف و پاک‌ی خودش که تبعات آن در آینده به منصفه ظهور می‌رسد. را رقم می‌زند. مهم‌ترین پیامدهای تقلب اضطرابی، آلودگی نفس، خواری، ذلت و عذاب در دنیا و آخرت، زوال ایمان و پشیمانی و ناراحتی وجدان، تضییع حقوق دیگران، سلب اعتماد... است. اما چه کارهایی انجام دهیم که این رذیله اخلاقی را در بین دانش‌آموزان کمرنگ‌تر کرده و در نهایت از بین ببریم؟

بدیهی است که وجود ترس و اضطراب به‌خودی‌خود امری غیرعادی نیست؛ اما آنچه باید به‌صورت یک عامل آزاردهنده و بازدارنده به آن توجه شود شدت ترس و هیجان‌زدگی یا اضطراب فوق‌العاده بعضی از افراد در آزمون‌های مختلف است. تجربه نشان داده است عوارض اضطراب و فشار روانی حاصل از امتحان در عده زیادی از امتحان‌دهندگان آشکار می‌شود و بروز آن، یک پدیده اتفاقی و نادر نیست که گروه محدودی از آن‌ها را مبتلا سازد؛ بلکه همه افراد امتحان‌دهنده کم یا زیاد، احساس نگرانی و فشار و وحشت دارند.

به‌طور کلی، موضوع تقلب از چند جنبه بررسی می‌شود: عوامل فردی (شخصیتی)، عوامل درونی (تأثیرات بلندمدت محیط خانوادگی و تربیتی)، و عوامل ساختاری. به نظر می‌رسد از طریق آموزش و با کمک به تغییر نگرش



پرهیز از تقلب ورزشی

الهه حسن پور

دکترای مدیریت آموزشی



تربیت شوند و بیاموزند که کسب نشان (مدال) بدون توجه به رفتار انسان گرایانه و ارزش‌های اخلاقی از اهمیت به نسبت کمتری برخوردار است و باور کنند که کسب مدال اخلاق از کسب مدال قهرمانی جایگاه والاتری دارد.

هرچند معتقدیم ورزش برای سلامت افراد جامعه، به‌ویژه در کمتر شدن مشکلات اخلاقی و تقویت شخصیت و ارتباط بین فردی دانش‌آموزان فایده‌های زیادی دارد، اما اگر برنامه‌ریزی ورزشی به‌طور صحیح و اصولی، به‌ویژه در مدرسه که شالوده روحیه ورزشی در مدرسه را پی‌ریزی می‌کند، وجود نداشته باشد، یعنی مدیریت ورزشی ضعیف صورت پذیرد، ناهنجاری‌های غیرسالمی شکل خواهند گرفت که به اهداف ورزشی خدشه وارد می‌کنند و شواهد تقلب و سودجویی پررنگ‌تر به چشم خواهند آمد. امروزه در میان مصداق‌های تقلب در ورزش، زورافزایی (دوپینگ) جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است، به‌طوری که در حد وسیعی شاهد مصرف داروهای فزاینده کارایی در ورزش‌های حرفه‌ای توسط ورزشکاران هستیم و موضوع زورافزایی (دوپینگ) که یک تقلب ورزشی است، مشکلات بسیاری را در ورزش کشورها ایجاد کرده است. ذاتاً استفاده از زورافزایی (دوپینگ) به قصد افزایش کارایی در ورزش انجام می‌شود و در مبارزه با استفاده ورزشکاران از مواد نیروزا و برون‌رفت از شیوه‌های تقلب انرژی زیادی صرف می‌شود. این موضوع در شرایط فعلی بیشتر قوت گرفته است، چرا که روش‌های بسیار جدیدی در پنهان‌کاری این تقلب کشف شده‌اند و خواه‌ناخواه پهلوانی و قهرمانی اصیل زیر سؤال می‌رود و هر سال هنگام رقابت‌های ورزشی جنجال‌های زیادی در پی دارد.

تقلب در ورزش خشونت را رواج می‌دهد

خشونت‌های هواداران و استفاده از مواد آتش‌زا و منفجره و پرتاب اشیای خطرناک به داخل زمین و ورزشگاه‌ها و زدوخورد‌های فیزیکی، رجزخوانی‌ها و استفاده از شعارهای مستهجن از موارد نگران‌کننده و حاشیه‌ای در مباحث ورزشی هستند. چنانچه شاهد بوده‌ایم، خشونت بین خود

ورزش باید بخش جالبی از زندگی ما را تشکیل دهد و به فعالیت‌هایی که بیشتر از آن لذت می‌بریم و احساس بهتری داریم بپردازیم. اگر بتوانیم ورزش با خانواده را در برنامه روزانه خود قرار دهیم، مثلاً دویدن، دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی در پارک همراه با فرزندان، به‌ویژه روزهای آخر هفته، به‌یقین به نشاط بیشتری دست خواهیم یافت. علاوه بر آن، ورزش با دوستان یا افراد موردعلاقه و فرزندان لذت‌بخش‌تر است و تقویت انگیزه و استمرار ورزش در برنامه روزانه سلامت روان و آرامش را نیز به دنبال دارد و تأثیر بسزایی در رفع خستگی، احساس ناامیدی و درماندگی دارد. هرچه بیشتر ورزش کنیم، آمادگی جسمانی بالاتر و روحیه شاداب‌تری خواهیم داشت. اما حتی چند دقیقه فعالیت جسمانی هم بهتر از هیچ است و به‌مرور می‌توانیم دقایق بیشتری را به ورزش و فعالیت بدنی اختصاص دهیم و از برنامه ورزشی منظم‌تری استفاده کنیم.

نیک می‌دانیم، ورزش منظم به تقویت دستگاه ایمنی بدن و کاهش اضطراب و استرس و چالش‌های فکری و روحی نیز کمک شایانی می‌کند. اعتمادبه‌نفس را افزایش می‌دهد و در جلوگیری از افت عملکرد مغزی و وابسته به سن و افزایش تمرکز مغز بسیار مؤثر است. از مهم‌ترین کارکردهای ورزش ایجاد تأثیر مثبت در فرهنگ جامعه، به‌ویژه اشاعه اخلاق‌مداری است تا جامعه از آرامش و امنیت بیشتری برخوردار باشد و به تبع آن میزان بزهکاری‌ها و زدوخوردها و تنش‌های روحی و روانی محدودتر شوند. شایان ذکر است، دانش‌آموزان تحت تعلیم علمی و عملی معلم تربیت‌بدنی به فرصت‌های بسیار مناسبی برای تمرین اخلاق‌مداری در قالب بازی و رقابت‌های فردی و گروهی در مدرسه دست می‌یابند که شاکله زیرساخت رفتار آن‌ها را برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی مهیا می‌کند.

هرگاه سخن از **پوریای ولی** و جهان‌پهلوان تختی به میان می‌آید، افتخارآفرینی ارزش‌های اخلاقی آن‌ها ستایش می‌شود و بدین روست که از مهم‌ترین نقش‌های مربیان ورزشی و دبیران تربیت‌بدنی، به‌ویژه در مدرسه، نهادینه کردن اخلاق در ورزش است تا ورزشکارانی پهلوان‌منش و بااخلاق



سن و تاریخ تولد یا تقلب در وزن کشی در پاره‌ای از ورزش‌ها، رواج وبگاه‌های شرط‌بندی، زدوبند با داوران یا حتی ورزشکاران نیز از دیگر موارد تقلب ورزشی محسوب می‌شوند.

حال که می‌دانیم انجام فعالیت‌های انسجام‌یافته ورزشی در مدرسه نه تنها به کسب نمرات بهتر به دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه از مشکلات رفتاری آن‌ها می‌کاهد و به‌نوعی تأثیر بسزایی در تقویت آموزش مهارت‌های زندگی در آن‌ها دارد و روحیه جمع‌گرایی، همکاری و تشریک مساعی در انجام کار تیمی، تعهد و مسئولیت‌پذیری، خودباوری و اعتمادبه‌نفس را در دانش‌آموزان نهادینه می‌کند، پس باید زنگ درس تربیت‌بدنی به‌عنوان یکی از برنامه‌های منظم، پرتعداد و مهم در برنامه درسی هفتگی دانش‌آموزان برای شکوفایی استعداد‌های ورزشی آن‌ها و رشد ابعاد شخصیتی و شناختی دانش‌آموزان تلقی شود و با کنترل تغذیه و تأکید بر تغذیه سالم منجر به تغییر شگرفی در سبک زندگی کودکان منجر شود تا بتوانیم با غلبه بیشتر بر بیماری‌ها، سن امید به زندگی را در کشور افزایش دهیم.

هرچند در این میان باید باری دیگر نقش مربیان و دبیران دلسوز و پرتلاش تربیت‌بدنی در ترویج فرهنگ سالم ورزشی در دوره‌های گوناگون تحصیلی و آموزش مهارت‌های بنیادین و حرفه‌ای با پرهیز از هرگونه تقلب در ورزش مورد تأکید و تقدیر قرار گیرد.

ورزشکاران نیز گاهی عواقب وخیمی به همراه داشته است. این خشونت‌ها عمدتاً درون زمین یا سالن ورزشی بین ورزشکاران رخ می‌دهند؛ از کوره دررفتن، حمله‌ور شدن به بازیکنان تیم حریف، فحش و ناسزا گفتن، و انجام خطاهای پی‌درپی روی یکدیگر نمونه‌هایی از خشونت‌های هنگام رقابت‌ها هستند که هم شخصیت ورزشکاران را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد و هم از جذابیت مسابقات در نگاه بیننده می‌کاهد. حتی گاهی بازی جوانمردانه را به نمایش و اجرای شو برای خوشایند تماشاگران تلقی می‌کند و به‌جای رقابت بدون تقلب و جذاب، معنای بازی جوانمردانه جای خود را به زدن توپ به بیرون، به خاطر افتادن یک بازیکن تیم مقابل تغییر مفهوم می‌دهند و هرچند کار پسندیده‌ای است، اما بیشتر به راهکنشی (تاکتیکی) برای به رخ کشیدن رفتار تیم شبیه است. متأسفانه در برگزاری مسابقات ورزشی و جشنواره‌ها و رقابت‌های ورزشی شاهد تقلب‌های دیگری نیز هستیم که از روحیه جوانمردی و فوت به دور است و فضای سالم رقابت‌ها را دچار مخاطره می‌کند. تبنانی تیم‌ها برای مانع‌شدن از قهرمانی یک تیم، دوپینگ کردن، عرضه و فروش مکمل‌ها و تغذیه‌های تقلبی و بی‌کیفیت، صدمه‌زدن به بازیکنان تیم حریف، رشوه‌دادن برای جانب‌داری از یک تیم خاص و تغییر شکل اندام‌ها با استفاده از داروها و هورمون‌ها، کوچک کردن سن واقعی ورزشکار و دست‌کاری



اضطراب، هموار کننده‌ی مسیر قلب

شه‌ریار خواجه صالحانی

مدرس سند تحول



می‌شود، نگاه تحولی به تربیتی به سمت نگاهی است که وی را امانت الهی و مجموعه‌ای از استعدادهای خدادادی می‌داند. در تمام سندها، به جای اصطلاح تربیت کردن از اصطلاح تربیت شدن استفاده شده است. لذا در این نگاه، چرخش به سمت تربیت پذیر فعال در دستور کار است و مربی تنها تسهیلگر فرایند تربیت پذیری تربیانی است که در فرایند یادگیری و یاددهی، همه چیز به اراده، انگیزه و تلاش آن‌ها بستگی دارد.

از طرف دیگر، مدرسه به عنوان زمینه ساز رشد و تعالی تربیان، از دو منظر به امنیت خاطر تربیان و اولیای آنان توجه دارد تا از نظر «جسمانی» و «روانی» امن (دور از خطر) باشد. از این منظر تربیان باید در فضای مدرسه احساس آرامش و راحتی کنند و با شوق و انگیزه درونی به مدرسه وارد شوند و تجربه کسب کنند. پس در مدرسه نباید هیچ عاملی برای نگرانی و ترس و هرگونه فشار نامساعد روانی وجود داشته باشد. به عبارت روشن تر، مدرسه باید محیطی حمایتگر و امن باشد و در نقش زمینه ساز تعالی وجودی تربیان به تأمین امنیت آنان اهتمام جدی داشته باشد. جالب است که در قرآن کریم نیز ایمان و تعالی روحی و وجودی در کنار محیط امن به کار برده شده است. از سیاق آیات یکصد و بیست و شش از سوره مبارکه بقره و آیه سی و پنج از سوره مبارکه ابراهیم چنین برمی آید که محیط امن را لازمه ایمان به خدا و دوری از شرک قرار داده است.

دلهره امتحان مسیری هموار برای قلب است

اسناد تحولی همواره بر استعدادهای متنوع، متکثر و متوازن تربیان در ابعاد گوناگون توجه ویژه دارد. نظام آموزشی وظیفه دارد تمام ابعاد وجودی تربیتی را شناسایی و زمینه پرورش استعدادهايش را فراهم کند. تربیان باید کارگروهی را در مدرسه یاد بگیرند و با مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در کلاس درس و مدرسه آشنا شوند. تربیتی فعال در تراز

در بخش دوم مبانی نظری تحول بنیادین، در تعریف «نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» چنین آمده است: «نهاد اجتماعی و فرهنگی سازمان یافته‌ای که به عنوان مهم ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت فراهم آوردن زمینه نظام مند و عادلانه تربیت تربیان برای کسب آمادگی جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه، لازم یا شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت تربیان در راستای شکل گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح بر اساس نظام معیار اسلامی مستلزم آن است که تربیت یافتگان این نظام شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را کسب نمایند.»

همچنین، در تعریف تربیت آمده است: «فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت تربیان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد.» (مبانی نظری تحول بنیادین. بخش دوم. فلسفه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران).

در سند تحول بنیادین نیز برای تربیتی ویژگی‌های ممتازی چون «مؤمن، متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود و دیگران، حقیقت جو، عدالت خواه، ظلم ستیز، ولایت مدار، تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، خودباور و دارای عزت نفس، امانت دار، پاکدامن و باحیا، مثبت گرا، امیدوار به آینده، هدفمند، قانون مدار، نظم پذیر، خلاق، کار آفرین و متخلق به اخلاق الهی، یاد شده که مدرسه‌ها به فراهم آوردن زمینه دستیابی به این ویژگی‌ها موظف هستند (سند تحول بنیادین. فصل چهارم. هدف‌های کلان).

از موارد فوق و مطالعه در مبانی نظری سند تحول روشن



جمهوری اسلامی کسی است که با باور به اعتقادات دینی و وفاداری به ارزش‌های اسلامی و ایرانی با ادبیات جهانی آشنایی داشته باشد و مسئولیت خود را در صحنه ملی و جهانی انجام دهد و برای خود اصالت فردی و خانوادگی و رسالت ملی و جهانی قائل باشد. پس متربیان باید همه شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم را برای انجام این رسالت‌ها در مدرسه فرا بگیرند.

نام امتحان همواره دلهره‌آور و اضطراب‌آفرین بوده است. آزمون و امتحان، هرچه باشد، با محرومیت‌ها و بی‌خوابی‌ها و بالاخره با سرنوشت انسان گره خورده است و پیامد آن نگرانی از سرنوشت‌ها، دلهره شکست، عقب‌ماندن و ناکامی در آرزوها و آرمان‌ها، روح و جان آزمون‌دهنده را می‌آزارد و باعث می‌شود به دنبال راهی باشد که در مورد موفقیت اطمینان یابد. یکی از راه‌ها که ممکن است آزمون‌دهنده به طرف آن گرایش پیدا کند، «تقلب» در امتحان است. «تقلب» به مثابه یک پدیده منفی اجتماعی می‌تواند به‌عنوان خطری جدی، ضمن لطمه‌زدن به کیفیت دانش، قابلیت اطمینان در ارزیابی و اعتماد عمومی، در سطوح متعالی‌تر، به صداقت و سلامت تربی آسیب وارد کند. بدون تردید رعایت اصول اخلاقی در همه ابعاد زندگی یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ و ارتقای سلامت زندگی اجتماعی و نیل به اهداف والای مطرح‌شده است و تقلب به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر که با ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی جامعه متضاد است، به‌راحتی می‌تواند به رسالت آموزش و پرورش که هم‌دوش خانواده، به‌عنوان یکی از ارکان مهم سهیم در جریان تربیت، انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به متربیان را بر عهده دارد، لطمه وارد کند.

قدر مسلم این است که باید تلاش شود متربیان به‌عنوان مخاطبان یادگیری و بر اساس تعامل با مربیان، متون درسی، قوانین و مقررات و قرار گرفتن در محیط علمی و به‌طور کلی با محور قرار گرفتن هدف‌ها و ارزش‌های والای اسلامی در صدر نظام آموزشی، به کسب ارزش‌های والاتری همچون تعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود و دیگران، کرامت انسانی، حقیقت‌جویی، قانون‌مداری، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، امانتداری، پاکدامنی و قناعت، به حقوق خود در مسیر دستیابی به مراتبی از حیات طیبه بیندیشند. پس توجیه متربیان در قبح تقلب و تلاش برای رفع آن می‌تواند گرایش به این عمل زشت را بین آنان کمتر کند و حتی از بین ببرد. برای دستیابی به این مهم موارد پیشنهاد و تأکید می‌شوند:

✓ الگوگیری از ارزش‌های اسلامی در رأس نظام آموزشی کشور و آگاه‌سازی متربیان؛

✓ کمک به ارتقای توانمندی‌های فکری و عقلانی متربیان؛

- ✓ برقراری رابطه مسئولیت و احترام متقابل بین مربیان، متربیان^۲ و اولیا، و تأکید بر مسئولیت‌مندی در یادگیری؛
- ✓ ایجاد نظام اخلاقی درونی‌شده از طریق فرهنگ‌سازی در محیط خانواده و آگاهی‌بخشی به والدین؛
- ✓ اصلاح عوامل ساختاری از جمله تصویب قوانین بازدارنده؛
- ✓ بازنگری و بهبود شیوه‌های ارزشیابی با تأکید بر توانایی و کارآفرینی به‌جای تأکید بر محفوظات؛
- ✓ اشاعه اخلاق و هنجارهای علمی در میان متربیان به‌جای تأکید صرف به مدرک و نمره.

پی‌نوشت‌ها

۱. با توجه به متون اسناد تحولی، در این نوشتار کلمه مربی به‌جای معلم به کار برده شده است.
۲. کلمه مربی نیز به‌جای دانش‌آموز به کار رفته است.

منابع

۱. مبانی نظری تحول بنیادین. بخش دوم (فلسفه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران)
۳. سند تحول بنیادین. فصل چهارم (هدف‌های کلان).



نتیجه آزمون < فرآیند یادگیری

نگاهی به علل و عوارض تقلب دانش‌آموزان

زهرا علی‌اکبری

دکترای مدیریت آموزشی



قبولی در امتحانات تلاش می‌کنند تا یادگیری. در واقع در این موارد نظام آموزشی طوری برنامه‌ریزی کرده که نتایج آزمون‌های نهایی مهم‌تر از فرآیند یادگیری بوده است. جای تعجب نیست که این روزها بیشتر مؤسسات آموزشی بر آموزش نحوه قبولی در امتحان‌های نهایی و آزمون سراسری تمرکز می‌کنند و دانش تأثیرگذار بر دانش‌آموزان را به‌طور کامل نادیده می‌گیرند. در برخی موارد دانش‌آموزان تقلب می‌کنند، زیرا از توانایی یا مهارت‌های خود در تحصیلات مطمئن نیستند. هر زمان که این احساس وجود داشته باشد، دانش‌آموز به تقلب به‌عنوان راهی برای جلوگیری از تفسخ در صورت شکست، متوسل می‌شود. در اصل، برخی از این دانش‌آموزان بسیار باهوش هستند، اما ترس از شکست و ناامادگی کافی، آن‌ها را به تقلب مجبور می‌کند. در اینجا تناقضی وجود دارد که هنگام تقلب، اکثر دانش‌آموزان سوگند یاد می‌کنند دیگر هرگز آن را تکرار نخواهند کرد، اما این تنها شروع یک چرخه معیوب تقلب است و باز هم در دیگر موارد بحرانی چنین اقدام غیراخلاقی و دور از شأن محافل دانشی را انجام می‌دهند.

فشار جامعه یکی دیگر از دلایل اصلی تقلب در مدرسه است. والدین، معلمان و اقوام همیشه با نیت خیر فشار زیادی بر دانش‌آموزان وارد می‌کنند تا نمرات خوب بگیرند، به مدرسه‌های خوب بیوندند و در نهایت مشاغل پردرآمدی پیدا کنند. این همه فشار باعث ایجاد احساس ذاتی می‌شود که تقلب در امتحانات فقط برای ارضای نفس والدین و معلمان و دستیابی به موقعیت بهتر اشکالی ندارد. مواقعی وجود دارند که دانش‌آموزان تقلب را توجیه می‌کنند، زیرا این تجربه را دارند که دوستان و هم‌کلاسی‌هایشان این کار را انجام می‌دهند و تاکنون مشکلی پیش نیامده است. از طرف دیگر، در اکثر مواقع نظام آموزشی کسانی را که

بدون تردید توانایی هر ملتی برای رقابت مؤثر در جبهه بین‌المللی به کیفیت آموزش در نظام آموزشی‌اش بستگی دارد. با در نظر گرفتن این موضوع، باید پذیرفت که تقلب در امتحانات، استانداردهای آموزشی را در کشور ضعیف می‌کند و در نتیجه توانایی نوجوانان و جوانان را برای رقابت در صحنه جهانی مختل می‌کند. در واقع، دانش‌آموزانی که در امتحانات تقلب می‌کنند، در حرفه خود تصمیم‌گیرندگان ضعیفی می‌شوند. نداشتن صداقت تحصیلی چیز جدیدی نیست، اما با افزایش رقابت برای مشاغل پرطرفدار، اکثر دانش‌آموزان برای واجد شرایط بودن و دستیابی به این مشاغل به تقلب متوسل شده‌اند.

تعریف تقلب

در تعریف آمده از انجمن‌های آموزشی، تقلب شامل این موارد است: کپی کردن اطلاعات و داده‌ها از فرد دیگر، سرقت علمی از کارها و ابتکارات دانش‌آموزان دیگر و پرداخت پول به دیگری برای انجام تکالیف و پژوهش‌ها. نبود صداقت تحصیلی، در صورت عادت‌شدن برای دانش‌آموز، عواقب شدیدی به دنبال دارد و در برخی از نظام‌های آموزشی ممکن است شامل تعلیق، اخراج یا لغو امتیاز تحصیلی باشد.

علت: نظام آموزشی طوری برنامه‌ریزی کرده که نتایج آزمون‌های نهایی مهم‌تر از فرآیند یادگیری بوده است.

دلایل متعددی وجود دارد که چرا دانش‌آموزان در امتحانات تقلب می‌کنند. یکی از دلایل عمده که باعث تقلب دانش‌آموزان در امتحانات می‌شود، تأکید بیش از حد بر قبولی در امتحانات است و البته می‌تواند به دلیل رقابت زیاد در بازار کار باشد که دانش‌آموزان بیشتر برای



تقلب می‌کنند، به اندازه کافی توییح نمی‌کند و تمایل دارد کسانی را که در امتحانات قبول می‌شوند، بدون توجه به اینکه چگونه این مسیر را انجام داده‌اند، تحسین کند (هدف وسیله را توجیه می‌کند).

در برابر چنین رخدادی، تنها کاری که معلمان باید انجام دهند این است که دانش جست‌وجوی گزارش‌ها و مقالات در شبکه را داشته باشند.

با ظهور اینترنت، دسترسی به اطلاعات از یک وبگاه با استفاده از تلفن یا رایانه بسیار آسان شده است. موتورهای جست‌وجو مانند گوگل و یاهو خرید مقالات سفارشی برای کار کلاسی را برای دانش‌آموزان بسیار آسان کرده‌اند. برای دانش‌آموزان سراسر جهان دسترسی به انواع پاسخ‌های درسی و پرسش‌ها بسیار آسان شده است، چرا که به راحتی می‌توانند برای تکالیف خود و پاسخ به آن‌ها با جست‌وجویی ساده از وبسایت‌های درسی استفاده کنند. در واقع، سرعت ادبی و علمی امری عادی پنداشته می‌شود و تنها کاری که معلمان باید در برابر چنین رخدادی انجام دهند، این است که دانش جست‌وجوی گزارش‌ها و مقالات در شبکه را داشته باشند.

از سنین آغازین به کودکان آموزش داده می‌شود که تقلب اشتباه است. با این حال، اکثر آن‌ها با بزرگ شدن، از واقعیت این مسیر منحرف می‌شوند. متخصصان بر این باورند، اگر

دانش‌آموزی در دوران اولیه تحصیل در مدرسه تقلب کند و هرگز گرفتار نشود، احتمالاً در تمام عمرش به تقلب در یادگیری ادامه خواهد داد. همچنین، دانش‌آموزانی که در دبیرستان تقلب می‌کنند، دو برابر بیشتر احتمال دارد در دانشگاه نیز تقلب کنند. مشکل بزرگ‌تر این است که این ویژگی رفتاری احتمالاً در آینده روی حرفه فرد تأثیر می‌گذارد و در نتیجه وجهه او را خدشه‌دار می‌کند. علاوه بر این، دانش‌آموزانی که در امتحان تقلب می‌کنند، فرصتی برای درک مفاهیم مهم در کلاس درس پیدا نمی‌کنند و احتمالاً در آینده، زمانی که همان اصول در سطوح بالاتر یادگیری اعمال می‌شوند، با مشکلاتی مواجه خواهند شد.

بر فرایند دانش‌آفرینی و کسب دانش در مدرسه تأکید بیشتری شود

با این اوصاف، نظام آموزشی باید در سطوح سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری خود برنامه‌هایی را تدوین کند که در آن‌ها بر فرایند دانش‌آفرینی و کسب دانش در مدرسه تأکید و تکیه بیشتری باشد تا دانش‌آموزان بدون استرس و نگرانی از کسب نمره یا قبولی در آزمون‌های سرنوشت‌ساز ورودی دانشگاه‌ها، به تحصیل در مدرسه بپردازند. زمانی که دانش‌آموزان یادگیری را برای بهزیستی و شهروند خوب بودن بخواهند، تقلب در نگاه آنان اقدامی غیراخلاقی نشان خواهد گرفت و از کسب دانش بدون تقلب، لذت کافی و وافی خواهند برد.



جانمایی قلب در بزرگراه فناوری

حامد رجبی زاده



کارشناس ارشد مهندسی فناوری اطلاعات

فناوری ابعاد متعددی دارد و زندگی همه ما، چه خواهیم و چه نخواهیم، از آن تأثیر می‌پذیرد. فناوری همه‌جا هست. همه ابعاد زندگی ما، از ساده‌ترین امور تا پیچیده‌ترین سیستم‌ها، تحت تأثیر نفوذ فناوری است و شاید برای خیلی‌ها زندگی بدون آن‌ها غیرممکن به نظر برسد. گاهی تغییرات حاصل از فناوری آن قدر سریع اتفاق می‌افتد که بسیاری از ما حتی متوجه آن هم نمی‌شویم. اگر بخواهیم به چند مورد آن پردازیم، می‌توان گفت: آموزش دیگر به میز و تخته سیاه محدود نمی‌شود. برای خرید ضرورتی وجود ندارد که از خانه خارج شویم. گوشه‌گوشه جهان با ارتباط تصویری به هم وصل شده است، کسب‌وکارهای جدیدی بروز کرده‌اند، حوزه سلامت دستخوش تغییر فراوان شده است، ترک سیگار با استفاده از برنامه‌ها مؤثر بوده، خودروهای خودران موفق بوده‌اند و حتی ژنتیک انسان هم توسط فناوری تغییر کرده و با اصلاح ژنتیک، از کچلی سر تا سرطان‌های خطرناک در حال چاره‌اندیشی هستند.

کرونا عامل اصلی زیست‌بوم جدید و توسعه فناوری آموزشی شد

در راستای خدمات فراوانی که فناوری‌ها به ما داشته‌اند، از اثرات مثبت آن در آموزش می‌توان یاد کرد. با وجود انواع مسائل و مشکلات، بار سنگین نظام‌های آموزشی سنگین‌تر شده است. بحران‌های جهانی از قبیل انفجار جمعیت، انفجار دانش و آلودگی محیط زیست و همه‌گیری‌ها مانند شیوع عجیب ویروس کرونا، بر مشکلات گذشته افزوده‌اند، نقاط ضعف و کمبودهای آموزشی را آشکار کرده و راه را برای ایجاد تغییرات سودمند جدید باز کرده‌اند. فناوری آموزشی ابزار و روش‌های در اختیار صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران تربیتی قرار می‌دهد که آن‌ها را برای غلبه بر مسائل و مشکلاتی که ذکر شد، تجهیز می‌کند. استفاده از فناوری به بسیاری از دانش‌آموزان اجازه می‌دهد به‌طور فعال در جریان فرایند یاددهی - یادگیری قرار گیرند و به اجرای مهارت‌ها پردازند. علاوه بر این، زمانی که از فناوری به‌عنوان ابزاری برای حمایت از دانش‌آموزان در انجام وظایف معتبر استفاده می‌شود،

فناوری‌های بشری به گونه‌ای حلقه واسط بین انسان و واقعیت هستند و به نحوی جزو احساس‌های بشر از محیط اطراف خود شناخته می‌شوند. فناوری را نباید فقط در حد ابزار دانست. ورود فناوری‌های جدید زیست‌بوم جدیدی را در پی دارد و حتی ممکن است کلیت ارتباط انسانی را دستخوش تغییر کند. سبک زندگی، عادت‌ها، تجربه‌های او یا حتی اندیشه و نگرش انسان می‌تواند تحت تأثیر مستقیم فناوری قرار گیرد. برخی آن قدر تحولات فناورانه را جدی گرفته‌اند که از آینده پسانسانی سخن می‌گویند؛ جایی که علاوه بر دو سویه‌های علمی ذهن و عین، حیطه‌ای جدید به نام فضای سایبر یا مجازی را به زندگی بشر وارد کرده است. ظهور وسایل ارتباطی نوین و ویژگی در دسترس بودن آن‌ها برای عموم، انقلابی را در زمینه ارتباط با یکدیگر و همچنین گسترش ابعاد و بسترهای اطلاعاتی و اثرات جانبی آن‌ها در زندگی انسان‌ها سبب شده است. همچنین، مقالات متعددی به اثرات ورود به عصر اطلاعات و بزرگراه‌های اطلاعاتی پرداخته‌اند.

این مسئله مهم عصر ما که روزه‌روز تازگی و نو بودن خود را از دیروز بیشتر به رخ می‌کشد، ابعاد متفاوتی دارد که زندگی سنتی بشر را در معرض تهدیدها و فرصت‌های فراوانی قرار می‌دهد و می‌طلبد همه مردم فرهنگ زیستن در آن و استفاده از آن را برای خود مهیا کنند.

رشد فزاینده فناوری و خیزش سریع آن در زندگی همه انسان‌ها می‌تواند نسل ما را به نابودی یا پویایی بکشد. حتماً بازی نهنگ آبی یادتان هست. افرادی در دنیا مسخ این بازی شدند و خودشان را کشتند. این قضیه را اگر ده سال قبل کسی می‌گفت، بیشتر به جوک شبیه بود، ولی همین برای خیلی‌ها باور شد و جانشان را گرفت. از دیگر سو، جراحی‌های راه دور که به سبب رشد فناوری ظهور کردند، جان خیلی از انسان‌ها را نجات داده و می‌دهند؛ اولی تهدید و دیگری فرصتی است برای کلونی بزرگ ما انسان‌ها.

اثرات پیچیده فناوری اطلاعات بر تعریف زندگی، فارغ از شکل، محل زندگی، کیفیت آن و انواع تبادلات بین انسان‌ها بسیار مهم است.

دانش‌آموزان در موقعیت تعریف اهداف، تصمیم‌گیری و ارزیابی پیشرفت خود قرار می‌گیرند. استفاده از فناوری‌ها در فرایند یادگیری اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان را بالا می‌برد و قدرت ارائه و اقدام عملی و به اصطلاح دست‌به‌آچار شدن آنان را تقویت می‌کند.

این روزها رشد و استفاده از فناوری‌ها در ابعاد گوناگون زندگی، به‌خصوص آموزش، تأثیرات منفی هم داشته است. ما در این جستار قصد داریم به یکی از جنبه‌های آن بپردازیم. استفاده از فناوری‌ها و ابزارهای جدید برای تقلب در امتحانات توسط دانش‌آموزان رو به افزایش است و این موضوع زنگ خطری برای سنجش و پایش کیفیت آموزش دانش‌آموزان است. به‌روز بودن دانش‌آموزان و بالابودن میانگین سنی معلمان و به تبع آن تمایل کمترشان برای پیگیری موضوعاتی مانند ابزارهای همراه جدید، مزید بر علت شده است تا دانش‌آموزان بتوانند در این نوع از تقلب با فراغ‌بال بیشتری به اهداف خود برسند.

به‌دلیل پیشرفت فناوری، استفاده از ساعت مچی، چه هوشمند و چه غیرهوشمند، در جلسات امتحان ممنوع شده است و بسیاری از مراکز آموزشی از به همراه داشتن ساعت مچی توسط فراگیرندگان در جلسه امتحان ممانعت می‌کنند. نگرانی‌ها فقط به داشتن ساعت مچی منحصر نمی‌شود، چرا که عینک‌ها و گوشواره‌های هوشمند نیز راه تازه‌ای را برای رساندن تقلب به متقلب در سر جلسه آزمون باز کرده‌اند. جالب است بدانید، در برخی کشورها برای اطمینان و بررسی اینکه دانش‌آموز در جلسه امتحان ساعت مچی دارد یا نه، یک پهپاد کنترل از راه دور با پرواز بر فراز محل امتحان و با فرستادن امواج رادیویی، کسانی را که همراه خود ابزار هوشمند آورده‌اند، شناسایی می‌کند. برخی افراد حتی پافرتر نهاده و برای تقلب از خودکارهایی با دوربین‌های کوچک و نیز لباس‌های مجهز به فناوری و دوگوشی‌های (هدفون‌های) بی‌سیم استفاده می‌کنند.

با پیشرفته‌تر شدن ماشین حساب‌های

مهندسی و امکان ذخیره اطلاعات در این ماشین حساب‌ها، دانش‌آموزانی از امکان آوردن ماشین حساب سر جلسه امتحان سوءاستفاده کردند و همین باعث شد برای آوردن ماشین حساب در جلساتی که به ماشین حساب نیاز ندارد، محدودیت‌هایی اعمال شود. از معروف‌ترین راه‌های تقلب برخط هم می‌توان به

ذخیره کردن متن تقلب در موبایل یا ماشین حساب، ارسال و دریافت سؤال‌ها و پاسخ‌ها از طریق پیامک در طول برگزاری امتحان، جست‌وجوی سؤال‌ها در موتورهای جست‌وجوگر اینترنتی و عکس گرفتن از سؤال‌ها در طول امتحان نام برد.

نکته جالب ماجرا اینجاست که ۲۳ درصد نوجوانان گفته‌اند نمی‌دانستند ذخیره اطلاعات امتحان در گوشی‌شان تقلب محسوب می‌شود و ۲۰ درصد اصلاً پیامک کردن جواب به دوستان خود در امتحان را تقلب تلقی نمی‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد نوجوانان درخصوص مسائل اخلاقی مربوط به حوزه آموزش و در ارتباط با فناوری آگاهی زیادی ندارند.

در پایان باید گفت، فناوری که دارد زیست‌بوم جدیدی را رقم می‌زند، با همه خوبی‌هایش نقاط سیاهی هم دارد که باید برای آن‌ها چاره‌ای اندیشید و البته نباید از این غافل شد که ارتکاب جرم با همه بار منفی‌اش، در فضای مجازی برای شخص مرتکب‌شونده عذاب وجدان که نمی‌آورد هیچ، بلکه به او حس اعتمادبه‌نفس بیشتری می‌دهد و این یکی از معایب فضای سایبر و فناوری‌های نوظهور است.





یادی که هرگز نگر فتم

حمیدرضا رنجکش

نویسنده و کارگردان



امتحان، نصف بیشتر راه رو رفتی. (دستش را به جیبش نزدیک می‌کند. ولی دستانش شروع به لرزش می‌کنند و استرس تمام وجودش را می‌گیرد.) چرا این جوری می‌شم من! ترس که نداره! یه لحظه سریع از جیبم در میارم دیگه... ولی اگه یکی از برگا بیفته روی زمین و احمدی متوجه بشه، ...

(در نقش احمدی بازی می‌کند.) به به ... باریکلا ... براوو ... خیلی هم عالی! چقدر خوشگل نوشتی! چه هنرمندانه کل کتاب رو تو پنج‌سانت برگه جا دادی. (با صدای بلند) آقایون و خانم‌ها جایزه سیمرغ بلورین بهترین تقلب سال تعلق می‌گیرد به صادق آذری، به خاطر تقلبی زیرپوستی و زیرکانه (بلند می‌خندد.)

پاشو ... پاشو متقلب بی‌خاصیت ... یه تقلبی نشونت بدم که مرغای آسمون به حالت زار بزنی. (از نقش خارج می‌شود و سرش را می‌گیرد.) ای کاش یه جور دیگه تقلب کرده بودم. اگه روی دستم نوشته بودم، این قدر دردسر نداشتم ... نترس. محکم باش. مگه قراره چه اتفاقی بیفته. به خطرش (ریسکش) می‌ارزه. فوقش تقلبت رو می‌گیرن، سرت رو که نمی‌برن ...

ولی بهتره فعلاً دو فصل اول رو بنویسم تا موقعیتش پیدا بشه (به سراغ برگه می‌رود.) ولی اگه موقعیتش پیدا نشد چی؟ پدر و مادرم چی؟ گفته‌ان نباید کمتر از بیست بگیرم. (در نقش پدر) ببین باباجون، من نوزده و نیم رو هم نمره نمی‌دونم؛ فقط بیست. تو باید بهترین باشی. تو همه امور زندگی‌ات، به‌خصوص چی؟ کارنامه‌ات.

(در نقش مادر) الهی مامان قربونت بره. حواست رو جمع کن. دلم می‌خواد معدلت کمتر از متین خاله نشه. می‌دونی که معدلش چنده!

(از نقش خارج می‌شود.) باید هر جوری هست بیست بگیرم. (دستش را به سمت جیبش می‌برد و به اطراف نگاه می‌کند.)

(نوجوانی که صادق نام دارد، وسط صحنه روی یک صندلی دسته‌دار نشسته است. گویا برای تصمیم‌گیری انگشتان سیباده دو دستش را چند بار از طرفین به هم نزدیک می‌کند. اما همچنان مردّد است.)

صادق: کاشکی فقط آقای احمدی نباشه! یا خدا که احمدی امروز نیاد! که اگه بیاد بدبخت می‌شم. (به سمتی خیره می‌شود.) اینکه آقای قنبریه، اونم آقای باغبانی، اونم... خدا رو شکر! انگار نیومده! (نفس راحتی می‌کشد. دستش را به سمت جیبش می‌برد و خشکش می‌زند.) وای! غیرممکنه! اومد. لعنت به این شانس! آخرش هم احمدی اومد.

(صدای همهمه دانش‌آموزان به گوش می‌رسد.)
صدای آقای احمدی: چه خبره آقا...! قبل از اینکه امتحان رو شروع کنید، خوب گوش بدید. ساکت. اگه هر کس به هر دلیلی تقلب کنه، یا تقلب همراه خودش داشته باشه، نمره این امتحان و بقیه امتحاناتش صفر می‌شه، صفر. فهمیدین یا دوباره تکرار کنم؟ خیلی خب، حالا برگه‌ها رو از کنار صندلی تون بردارین و شروع کنید. (صادق برگه را از روی زمین برمی‌دارد و به اطرافش نگاه می‌کند.) حالا چیکار کنم؟ (با خودش فکر می‌کند.) بهترین موقع همین الانه که احمدی حواستش به ردیفای جلوتره. فصل سه رو که نخوندم از روی برگه‌های تقلب می‌نویسم، بعد سوالات دو فصلی رو که خوندم جواب می‌دم. این طوری بهتره. (دستش را به سمت جیب شلوارش می‌برد.)

ولی اگه منو ببینه چی؟ ولش کن. بی‌خیال. نمره اون دو فصل رو بیارم، بهتر از اینه که کل نمراتم صفر بشه. ولی من این‌همه زحمت کشیدم. نزدیک دو ساعت وقت گذاشتم برای نوشتن این برگه‌ها. حتی ریزترین نکات فصل سه رو هم نوشتم. (به خودش) زود باش، زود باش تا کسی حواستش نیست. همین که از جیبت در بیاری و بذاری زیر برگه



صدای آقای احمدی: آهای بیچه ... سرت رو برگهات باشه. چرا مثل جغد سرت همه طرفی می تابه؟ آهای، با توأم. صادق: وای ... اگه بیاد سراغم و برگه ها رو از جیبم در بیاره؟ اگه جلوی همه از جلسه امتحان بیرونم بندازه؟ (دستانش می لرزند. رنگ از رخسارش می پرد). ای وای! چرا من این جور می شم؟ (با دستش عرق پیشانی اش را پاک می کند). چرا رنگت پریده؟ چرا فشارت افتاده؟ دستات چرا می لرزه؟ محکم باش. این قدر ترسو نباش. این همه تقلب می کنند، آب از آب تکون نمی خوره.

صدای آقای احمدی: چرا بعضی ها چیزی نمی نویسند. نکنه منتظر امدادهای غیبی ان. اگه کسی به فکر تقلب، باید به فکر مجازاتش هم باشه. بنویس آقا. بنویس.

صادق: مجازاتش؟ (می خندد. در نقش سرباز.) بسمه تعالی ... و اینک اجرای حکم صادق آذری معروف به منقلب قرن. متهم به تقلب در امتحانات دوره (ترم)، محکوم می شود به زندان انفرادی با هفتاد ضربه شلاق و حبس ابد، به همراه سه بار اعدام. در ضمن، به متهم هیچ فرصتی برای دفاع از خود داده نمی شود.

(از نقش خارج می شود.) مسخره است واقعاً. اگه تقلب بده، چرا این قدر خاطرات تقلب بعضی ها شیرینه و همه جا ازش به نیکی یاد می شه. مثلاً همین دیروز تو تلویزیون (در نقش مجری) بله امروز در خدمت بازیگر معروف سینما و تلویزیون هستیم که همه با چهره ایشون بسیار آشنا هستن. خوب، ازشون خواهش می کنیم کمی از خاطرات مدرسه شون بگن.

(در نقش بازیگر) با سلام خدمت هم میهنان عزیزتر از جان. آقا من تو مدرسه اکثر امتحانات رو با روش های باورنکردنی تقلب می کردم. (می خندد). طوری که معاون مدرسه مون یه بار منو کشید کنار و گفت جون من بگو چطوری تقلب می کنی که کسی متوجه نمی شه؟ آخی! یادش به خیر! چه روزگاری بود.

(در نقش مجری) بله بله، امروز همچنین در خدمت آقای ... روان شناس متعهد، متأهل و متفکر شهرمون هستیم و ازشون می خوایم این مسئله رو موشکافانه تجزیه و تحلیل کنند.

(از نقش خارج می شود.) هرچه بادا باد. بالاخره که چی؟ وقتم همین طور داره می گذره.

(دستانش را به سمت جیبش می برد). اوه ... اوه ... این داره کجا میاد. نکنه داره میاد به سمت من. (رنگش پریده و دستانش دوباره شروع به لرزش می کنند). ای دادِ بیداد ...

اگه تقلب هام رو از جیبم در بیاره چی؟ (خیره به سمتی، بعد از چند ثانیه نفس راحتی می کشد). آخی ... خدا رو شکر. انگار خدا با من بود. بهتره دو فصلی رو که خوندم بنویسم و مابقیشو بذارم برای آخر امتحان.

(برگه را صاف می کند تا شروع به نوشتن کند، ولی هرچه فکر می کند، جوابها به یادش نمی آیند). ای بابا! جواب این رو که من بلد بودم. ... این یکی رو هم که چند بار خوندم. ای بابا! چرا من جواب اینا رو یادم نمیاد. وای خدای من، نکنه بلایی سر حافظه ام اومده!

(سرش را محکم تکان می دهد). غیرممکنه. من این دو فصل رو به جای خوندن، خورده بودم! چرا من این جور می شدم! وای، دوباره این استرس لعنتی اومد سراغ من! از اول هم استرس باعث می شد همه چی یادم بره. حالا چی کار کنم (سرش را با دو دستش می گیرد و چند ثانیه چشمانش را می بندد). انگار قسمت امروز من اینه که با تقلب شروع کنم. هرچه بادا باد. بالاخره سؤالی فصل سه رو که جواب بدم، بقیه اش رو هم خدا بزرگه.

(با عصبانیت دستش را داخل جیبش می کند و جست و جو می کند. لحظه به لحظه تعجبش بیشتر می شود). وای! نه! غیرممکنه! آهان (دستانش را در جیب دیگرش می کند). نه، خدای من، پس اینا چی شدن؟

(عصبی می شود و با خودش فکر می کند). ای وای، مامانم گفت شلوارت کثیف بود، انداختم داخل لباس شویی. یکی دیگه از شلوارای تمیزت رو بپوش. وای! وای! وای! بیشتر از دو ساعت براشون وقت گذاشته بودم! حالا چی کار کنم؟ (سرش را با دو دستش می گیرد. عرق پیشانی اش را پاک می کند). حالا چی کار کنم؟



تقلب، تخلف است!

تبیین علل و راه‌های پیشگیری از تقلب

دکتر عزت‌اله فولادی



گستره مفهوم

به‌طور کلی در فرهنگ فارسی تقلب^۱ دست‌اندازی به امور، قلب‌کردن، در کاری به سود خود و به زیان دیگری تصرف کردن، نادرستی، دغل‌کاری، تزویر، جعل، فریب و غش معنا شده است (فرهنگ فارسی معین). مفهوم تقلب تلاش آگاهانه در انجام فعل و کاری خارج از چارچوب، قاعده و صداقت مورد انتظار (و تعیین‌شده) است. از این‌رو تقلب و فریبکاری به‌عنوان رفتاری غیراخلاقی می‌تواند دامنه‌ای به گستره زندگی فردی و اجتماعی داشته باشند.

در آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات امتحانی در وزارت آموزش و پرورش که سال‌ها از تصویب^۲ آن گذشته، از واژه «تقلب» استفاده نشده و واژه «تخلف» به کار رفته است. در این مصوبه، برای تقویت روحیه نظم‌پذیری و قانون‌گرایی در دانش‌آموزان، به اجرای صحیح و نظارت دقیق عوامل اجرایی امتحانات و تلاش برای جلوگیری از هرگونه تخلف و بی‌نظمی در امتحانات، تأکید شده است.

وقتی فردی در انجام وظیفه (مثلاً در امتحان، مسابقه یا موقعیتی) برای تحصیل منفعی، از فریب یا روشی ناصواب و خارج از قاعده بهره می‌گیرد، در واقع مرتکب تقلب (و البته تخلف) شده است. این عمل، هم آسیبی فردی و هم آسیبی اجتماعی است. به بیانی دیگر، هرگونه اقدام مبتنی بر فریب و تزویر در راه کسب منافع یا جایگاهی که فرد استحقاق و شایستگی آن را ندارد، «تقلب» محسوب می‌شود. تخلف

کلی‌تر از تقلب است؛ هرگونه نقض عمدی یا غیرعمدی قوانین، مقررات یا حتی چشم‌پوشی از انجام صحیح وظایف به نفع خود یا دیگری، «تخلف» است که بر این اساس تقلب را نیز شامل می‌شود.

اکنون، فناوری‌های دیجیتال در حال درنوردیدن مرزهای زندگی (ارتباطات، تحصیل، و کسب‌وکار) است. بنابراین، نفوذ، گسترش و ضرورت استفاده از وسایل هوشمند و فضای مجازی، نظام‌های آموزشی - تربیتی را به چالش کشیده است. تقلب (یا تخلف) در امتحانات نیز به موضوعی جدی و پیچیده تبدیل شده و تنوع در حیطه، شکل و شیوه‌های پیچیده آن منصور است. اما ماهیت و شیوه‌های مواجهه با تقلب همچنان نیازمند آموزش بهینه، خویشتن‌بانی و بهسازی سازمانی و مشارکت ذی‌نفعان است.

تجربه‌های جهانی

تقلب در امتحان مسئله‌ای جهانی و رو به افزایش است (آکو،^۳ ۲۰۱۳؛ هایپ،^۴ ۲۰۱۳؛ پر،^۵ ۲۰۱۳؛ حسنی و فاطیما؛^۶ ۲۰۱۴). تقلب در امتحان نوعی نبود صداقت تحصیلی و بزه تحصیلی^۷ تعریف و توصیف می‌شود (حسنی و فاطیما؛^۸ ۲۰۱۴). تقلب زنگ‌خطری را برای قواعد تحصیلی، یکپارچگی (صداقت)، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی مؤسسات آموزشی به صدا درآورده است (فین و فرون،^۹ ۲۰۰۴؛ اوگونجی،^{۱۰} ۲۰۱۱).
● دانش‌آموزان در تمام سطوح تحصیلی به دلایل گوناگون

– کمبود مربیان حرفه‌ای و امکانات مکفی: دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان بر امکانات آموزشی – تربیتی، یادگیری و منابع انسانی با کیفیت متکی است. در مناطقی که این امکان را ندارند، احتمال تقلب در میان دانش‌آموزان یا چشم‌پوشی در نقض مقررات برای جبران کاستی‌ها (و به نوعی برقراری عدالت)، افزایش می‌یابد.

– آمادگی ناکافی: ناهماهنگی میان عوامل آموزشی (مدرسه)، دانش‌آموزان، والدین و به‌طور کلی ضعف‌های مدیریتی، ممکن است دانش‌آموزان را به تقلب در امتحان سوق دهند.

راه‌های پیشگیری

– تدوین و اجرای مقررات اصولی و یکپارچه: تدوین سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و مقررات آموزشی – تربیتی منطقی، هماهنگ و فراگیر، متناسب با شرایط سنی و رشدی دانش‌آموزان، با نگاه پیشگیرانه و تحولی ضروری است.

– آگاهی‌بخشی و ساخت رفتار در مدرسه: دانش‌آموزان در حال رشد هستند و یادگیری و تجربه رفتارهای آگاهانه و سازنده با درک مهارت‌های برنامه‌ریزی، تلاش و استقامت در رسیدن به اهداف و توفیق تحصیلی به‌عنوان پیش شرط نقش‌آفرینی اجتماعی و شغلی مهم است.

– عدالت‌بخشی و مدیریت خلاقانه: برنامه‌ریزی مبتنی بر تحقق عدالت و تنوع روش‌های

تقلب می‌کنند (لازاروس، ماکولا و لاومور^۱، ۲۰۱۴).
● برخی از دلایل اصلی تقلب در امتحانات ترس از شکست، ترس از فشار هم‌سالان (چشم و هم‌چشمی‌ها و رقابت)، و کسب نمرات بهتر است (تا در آینده واجد شرایط تحصیلی یا بازار کار شوند).
● خرید سؤالات، استفاده از فضای مجازی و دسترسی به پاسخ‌ها از طریق نزدیکان با بهره‌گیری از تلفن‌های همراه، از چالش‌های نظام‌های آموزشی – تربیتی است.

شناخت علل تقلب بهترین مسیر برای پیشگیری است

– تنبلی^۱: دانش‌آموزان زیادی در زمینه انجام امور تحصیلی تنبلی می‌کنند و تکالیف خود را به تعویق می‌اندازند. می‌توان ادعا کرد، دانش‌آموزان با این عادت‌ها به تقلب در امتحان دل می‌بندند.

– ترس از شکست: همان‌طور که مطالعات نشان می‌دهند (گو^۲، ۲۰۱۱)، برخی از دانش‌آموزان به دلیل ترس از شکست، در امتحان تقلب می‌کنند. هر چه فشار خانواده‌ها یا محدودیت در ارتقای تحصیلی دانش‌آموزان (ورود به مراکز آموزشی یا فرصت‌های شغلی)، بیشتر باشد، ترس از شکست و در نتیجه احتمال تقلب افزایش می‌یابد.





– ارزش‌های اساسی و اخلاقی^{۱۴}: نتایج نشان داده‌اند، ارزش‌های اخلاقی و اصلی جوهره یادگیری رفتار خوب هستند. اگر ارزش‌های اصلی و اخلاقی در متن آموزش‌ها در خانواده و مدرسه قرار گیرند، بسیاری از دانش‌آموزان رفتار مثبتی از خود نشان خواهند داد و از یکپارچگی (صداقت) شخصی و تحصیلی حمایت می‌کنند و تمایلی به تقلب نخواهند داشت.

تقلب برای بسیاری به قدری ساده است که کمتر به عواقب آن توجه شده است، اما وقتی بدانیم این موضوع به ظاهر کوچک، در تمام جنبه‌ها و شئون شخصیت و زندگی فردی و اجتماعی مثل رزق و روزی حلال تأثیر گذار است، حساسیت و احساس مسئولیت فردی، اجتماعی و سازمانی برای مواجهه، پیشگیری و مقابله با آن فراهم خواهد شد. طبق بررسی‌ها، تقلب در امتحانات در سطوح گوناگون و مؤسسات آموزشی و دانشگاهی در جهان امروز کم‌وبیش رایج است. بنابراین، توجه به عوامل تقلب دانش‌آموزان در امتحانات (تنبلی، ترس از شکست، آمادگی ناکافی، کمبود امکانات و معلمان واجد شرایط، و ضعف نگرشی و اخلاقی) و بازاندیشی در چگونگی ساخت رفتار، سنجش مستمر، راهنمایی و مشاوره و ایجاد ارزش‌های انسانی، یادگیری دانش‌آموزان را معنادار می‌کند و ارتقا می‌دهد.

توجه ویژه به این رفتار مذموم و آسیب‌زا و تعیین سیاست‌های لازم برای مواجهه با آن در محیط‌های آموزشی-تربیتی و تقویت ارزش‌های اخلاقی، رشد شخصیت، عزت‌نفس، خویشتن‌بانی و مقررات آگاهی‌بخش و منعطف و به‌روز در ارتقا و توفیق تحصیلی و اجتماعی بیش‌ازپیش دانش‌آموزان، مهم و ضروری است. هماهنگی میان مثلث یادگیری «خانواده، مدرسه و رسانه» بسیار حائز اهمیت است.

پی‌نوشت‌ها

1. Cheat
۲. مصوبه ۶۳۰ - تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۴ شورای عالی آموزش و پرورش.
3. Ako
4. Haip
5. Per
6. Hosny and Fatima
7. academic dishonesty and academic crime
8. Finn & Frone
9. Ogunji
10. Lazarus, Mokula & Lovemore
11. Laziness
12. Gu
13. Continuous assessment
14. Moral and core values

دسترسی به امکانات برابر آموزشی - تربیتی نیازمند مدیریت تحولی و خلاقانه است.

– هماهنگی مدرسه و خانواده: وقتی نمره تنها وسیله ارتقا یا تحسین دانش‌آموزان از سوی والدین، مدرسه و اجتماع باشد، به واقع، فشار روانی برای دریافت نمراتی به مراتب بیش از آنچه دانش‌آموزان استحقاق دارند، افزایش می‌یابد و در نتیجه زمینه تقلب بیش‌ازپیش فراهم می‌شود. هماهنگی مدرسه، خانواده، نهادها و سازمان‌های اجتماعی در ساخت رفتار و نگرش‌های پایدار نقش مهمی دارد.

– راهنمایی و مشاوره: مشاوران مدرسه می‌توانند برای مواجهه با نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان راهبردهای مناسبی ارائه دهند. اگر خدمات راهنمایی و مشاوره به‌درستی طرح‌ریزی شوند، می‌توان دانش‌آموزان را در مواجهه با رفتارهای پرخطر و غیراخلاقی از جمله تقلب، یاری کرد.

– سنجش مستمر^{۱۵}: سنجش مستمر (تکلیف، پروژه، امتحانات و مسابقه‌ها)، دانش‌آموزان را برای مطالعه و آزمون‌های خوب مهیا و هدایت می‌کند. علاوه بر این، سنجش مستمر سطح فکری دانش‌آموزان را، هنگامی که زمان با کیفیتی را صرف خواندن، مطالعه و انجام تحقیق می‌کنند، افزایش می‌دهد. اگر سنجش مستمر به‌طور مؤثر در مدرسه طرح‌ریزی و اجرا شود، دانش‌آموزان به تقلب در امتحانات تمایلی ندارند.

حباب ترکیدنی!

حسین معافی

دکترای برنامه‌ریزی درسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان اراک



هم اگر دانش‌آموزی یک بار از طریق تقلب موفق شود نمره خوبی بگیرد، دیگر نمی‌تواند با فکر خودش امتحان دهد و در مقابل وسوسه نوشتن از روی دست دیگران پایداری نکند. بیشتر دانش‌آموزان در طول سال‌های مدرسه حداقل یکی دو بار تقلب می‌کنند و در بیشتر این موارد، بدون آنکه مطلب درسی را فهمیده باشند، با نمره غیرواقعی به کلاس بالا راه می‌یابند و این موضوع مشکلات بسیاری را به وجود می‌آورد. بیشتر والدین می‌خواهند فرزندان آن‌ها درک کنند تقلب کردن کار درستی نیست، حتی اگر بدون تقلب نمره بالاتری نگیرند. کارشناسان آموزشی معتقدند، برای اینکه بچه‌ها به تقلب مجبور نشوند، باید به آن‌ها فشار کمتری برای رسیدن به موفقیت تحصیلی وارد کرد. پدر و مادرها انتظار دارند فرزندان‌شان بهترین نمره‌ها را کسب کنند. طبیعی است بچه‌ها هم می‌خواهند به سطح انتظار والدینشان برسند و رضایت آن‌ها را جلب کنند. مدرسه نیز به بچه‌ها فشار می‌آورد نمره بهتری بگیرند و آن‌ها را بر اساس همین نمرات درجه‌بندی می‌کنند. خوب، وقتی دانش‌آموزان فکر کنند نمی‌توانند از پس امتحان برآیند، تحت فشار والدین،

تقلب جعل دانش یا باهوش نشان دادن خود از روی نیرنگ و نوعی بی‌صدافتی است. اکثر دانش‌آموزان و دانشجویان در طول دوران تحصیل خود نوعی بی‌صدافتی تحصیلی را تجربه کرده‌اند. تقلب تخلف از هنجارها محسوب می‌شود و شیوع بالای تقلب هشدار برای جامعه است و گویای آنکه روند تبعیت از قانون دچار مشکل شده است؛ تقلب نیز مسئله‌ای اجتماعی است، زیرا هدف از نهادهای آموزشی، آشنایی افراد با ارزش‌های جامعه و به نوعی جامعه‌پذیری آنان است و هنگامی که در این نهادها، افراد به جای تبعیت از هنجارهای مشروع، انواع سرپیچی از هنجارها و ارزش‌های جامعه را فراگیرند، در جامعه نیز برای رسیدن به هدف، همی‌راه را ادامه خواهند داد.

تقلب، در صورت شیوع، مانعی در مسیر تحقق ارزش قانون‌گرایی است و اعتماد اجتماعی را در جامعه متزلزل می‌کند. شیوع تقلب در جامعه همچنین می‌تواند شاخصی برای وجود بی‌هنجاری اجتماعی در آن جامعه باشد، زیرا زمانی که افراد راه‌هایی قانونی برای رسیدن به اهداف خود نیابند، به اصطلاح قانون را دور می‌زنند. در محیط تحصیلی

مدرسه و حتی هم‌سالان خود به تقلب روی می‌آورند. بعضی دیگر هم تحت تأثیر همه این کار را می‌کنند و مجبور به تقلب می‌شوند. در واقع، بعضی افراد تقلب می‌کنند، چون نمی‌خواهند تنها کسی باشند که این کار را نمی‌کند. وقتی همه تقلب کنند، لابد تقلب‌نکردن احمقانه است. اگر کسی در حال تقلب کردن گرفتار شود که وضعیتش معلوم است، اما اگر جان سالم به در ببرد، می‌تواند نمره خوب بگیرد، ولی در ناخودآگاه خود این احساس را خواهد داشت که لیاقت نمره‌ای را که گرفته است ندارد و نمی‌تواند به خود بقبولاند چیزی است که در واقع نیست.

ترک‌بیدن حباب یادگیری با تقلب در آزمون

آزمون‌های غیرحضورى در دو سال گذشته که مدرسه‌ها تعطیل و آموزش‌ها مجازى بودند، با چالش‌های فراوانی روبه‌رو شدند که مهم‌ترین آن‌ها تقلب در این آزمون‌ها و غیرواقعی بودن نمرات دانش‌آموزان در آزمون‌های مجازى بود. دانش‌آموزان به هر شیوه‌ای متوسل می‌شدند تا نمره بالاتری را در آزمون‌های غیرحضورى به دست آورند. مقایسه نمرات دانش‌آموزان ضعیف قبل از کرونا و تعطیلی مدرسه‌ها، با نمرات آن‌ها در آزمون‌های مجازى، تفاوت معنادارى داشت که استفاده از روش‌های گوناگون تقلب در آزمون‌های مجازى را نشان می‌دهد. در تحقیقی میدانی در مدرسه‌های متوسطه اول و دوم در آزمون‌های مستمر در دی‌ماه ۱۴۰۰ در یکی از شهرها مشخص شد، با وجود آموزش‌های حضورى و ترکیبى در مدرسه‌ها، دانش‌آموزان به شرکت در آزمون‌های حضورى علاقه‌ای ندارند و چون حضور در مدرسه الزامی نیست و آزمون‌های مجازى و حضورى، به صورت هم‌زمان انجام می‌شوند، اکثر دانش‌آموزان تمایل داشتند در آزمون‌های غیرحضورى شرکت کنند که دلیل این امر به‌خوبی مشخص بود. تحلیل آزمون‌های حضورى در نوبت اول دی‌ماه از افت تحصیلی و کم‌سوادى دانش‌آموزان نشان دارد که معلمان را نیز در ارائه درس با مشکل روبه‌رو می‌کند، چرا که دانش‌آموزان در دو سال گذشته، با وجود نمرات بالا، مباحث پایه را به‌درستی یاد نگرفته‌اند. تقلب در آزمون‌های مجازى و کسب نمرات خوب و عالی در یادگیری بیشتر دانش‌آموزان حباب بزرگى به‌وجود آورده است که با برگزاری آزمون‌های حضورى در آینده، این حباب یادگیری خواهد ترکید و سواد علمى واقعى دانش‌آموزان نمایان خواهد شد.

اگر چه معلمان خلاق با استفاده از نرم‌افزارها، برای جلوگیری از تقلب دانش‌آموزان در آزمون‌های مجازى تلاش‌های زیادی کردند، ولی به صفررسیدن این تقلب‌ها غیرممکن است. مدرسه و معلمان، به‌کارگیری نرم‌افزارهای گوناگون آزمون مجازى را که احتمال تقلب را کاهش می‌داد،

به‌خاطر بهانه‌های واهی دانش‌آموزان و اولیا و اعتراضات فراوان آن‌ها کنار گذاشتند تا دانش‌آموزان بتوانند نمرات بالاتری به دست آورند. جدی‌نگرفتن آموزش‌ها و آزمون‌های مجازى، دریافت نمرات عالی و غیرواقعی در آزمون‌های غیرحضورى، استفاده از خرد جمعی و مشورت در این آزمون‌ها، کسب نمرات عالی توسط دانش‌آموزان ضعیف، به‌کارگیری نفراتى به غیر از خود دانش‌آموز به‌عنوان آزمون‌دهنده، تلاش‌نکردن و نداشتن انگیزه برای یادگیری و درس خواندن و کسب نمره قبولى بدون زحمت، از جمله عواملی هستند که باعث شدند دانش‌آموزان به آزمون‌های حضورى علاقه‌ای نداشته و به شرکت در آزمون‌های غیرحضورى تمایل داشته باشند. این عوامل در طول دو سال گذشته به‌طور کلی باعث شد اکثر دانش‌آموزان سواد علمى کافی نداشته باشند و در آزمون‌های حضورى یا امتحانات نهایی نمرات خوبی به دست نیاورند که علاوه بر اعتراضات فراوان به مدرسه، معلم و نظام آموزشی، در سال‌های بعد نیز به علت نداشتن پیش‌دانسته‌ها و اطلاعات پایه، در یادگیری مفاهیم بیشتر دچار مشکل خواهند شد. درس‌های عمومى و خواندنی بیشتر تحت تأثیر این سهل‌انگاری‌ها قرار گرفتند و کاهش نمرات این درس‌ها در تحلیل آزمون‌های نهایی بیشتر دیده می‌شود.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند، گرایش به تقلب می‌تواند به عوامل فردى و درونى مربوط باشد؛ مانند داشتن ضعف درسى، ترس از والدین، تحقیرنشدن پیش‌اقوام و دوستان، نبود مطالعه کافی، بالابردن نمره‌ها و ملاک بودن نمره. عوامل بیرونى و موقعیتى هم در این باره دخیل‌اند؛ مانند مشکلات خانوادگى، فشار والدین، بی‌توجهی و مسامحه‌گرى معلمان و مراقبان، تقلب دوستان و هم‌کلاسی‌ها، سخت‌بودن تکالیف و درس‌ها، تأثیر جو کلاس و هم‌کلاسی‌ها و تقلب در افراد خانواده و فامیل.

با توجه به واکنش‌های بیشتر معلمان و دانش‌آموزان و رعایت اصول بهداشتى در مدرسه و برای جلوگیری از بیماری‌ها و آسیب‌های جسمى و روحى دانش‌آموزان در آموزش‌ها و آزمون‌های مجازى و نبود تقلب و کسب نمرات غیرواقعى و همچنین برای جلوگیری از کم‌سوادى و نبود تلاش علمى دانش‌آموزان، شایسته است اولیای گرامى در شرایطى که بیماری کرونا در وضعیت مساعدى باشد، فرزندان خود را برای حضور در مدرسه و به‌ویژه شرکت در آزمون‌های حضورى تشویق و ترغیب کنند و با معضلات، چالش‌ها و آسیب‌های روحى تقلب در امتحان آشنا کنند تا در سال‌های بعد و در امتحانات نهایی و آزمون سراسرى با مشکل مواجه نشوند.

تقلب آگاهانه و ناآگاهانه

سید میثم موسوی
تصویرگر

حسین عبداللهی
کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی



بدون آگاهی از چیستی امر و بنا بر عادت و آموزش غلط، برای یافتن پاسخ هرگونه سؤال (درسی و غیردرسی)، از گوشی‌های هوشمند خود کمک می‌گیرند. برای گروه دوم از بچه‌ها تقلب کماکان ادامه دارد و می‌تواند بسیار مخرب‌تر از عمل گروهی باشد که از ماهیت کار خودآگاهی دارند. بنابراین، در بررسی پدیده تقلب باید دو گروه مخاطب را مد نظر قرار داد: گروهی که ناآگاهانه به این موضوع می‌پردازد و گروهی که آگاهانه و به‌خوبی می‌دانند رفتارشان تقلب محسوب می‌شود. در ریشه‌یابی عمل تقلب، تاکنون به هر کدام از این دو گروه دلایل گوناگونی نسبت داده شده است که راه‌های مبارزه متفاوت و متناسبی را از خانواده‌ها و سازمان‌های آموزشی می‌طلبد.

دلایل تقلب آگاهانه

● فشار ناسالم برای رسیدن به جواب؛ برخی از دانش‌آموزان اعتراف می‌کنند در «لحظات پرخطر» تقلب می‌کنند. آن‌ها از فشارهایی که جو و ساختار مدرسه، والدین و بعضی هم‌سالان به آن‌ها وارد می‌کنند، با عنوان لحظات پرخطر نام می‌برند.

در دنیای امروز و عصر فناوری متأسفانه تقلب و سوسه‌انگیز، فراگیر، رایج و آسان است و هر چه پیش می‌رویم قبح عمل نامحسوس‌تر می‌شود. تقلب در مدرسه مشکلی قدیمی است، اما شکی نیست که فناوری، به‌ویژه تلفن همراه، آن را بیش از حد آسان کرده است. ممکن است تقلب برای ما نگاه کردن به کاغذ همسایه باشد، اما بچه‌های امروز ابزارهای پیچیده‌تری برای تقلب دارند؛ از برنامه‌هایی که مسائل ریاضی آنان را حل می‌کنند تا ساعت‌های هوشمند خلاق که به هرگونه سؤال آن‌ها پاسخ می‌دهند؛ در حالی که به‌نظر می‌رسد از طریق آن ابزارها در حال مطالعه و مکاشفه هستند. با وجود جنبه‌های مثبت فناوری در دنیای امروز، جنبه‌های منفی فناوری نیز تأثیر قابل توجهی بر آموزش دارند که یکی از آن‌ها استفاده از ظرفیت فناوری در نبود صداقت تحصیلی، یعنی تسهیل کار دانش‌آموزان در تقلب و سرقت ادبی است. به عبارت دیگر، پیشرفت فناوری به اشتراک‌گذاری آسان و قابل دسترس ادامه خواهد داد، مگر اینکه گام‌های مهمی برای رفع این مشکل برداشته شود.

دانش‌آموزان امروز، گاه با آگاهی از ماهیت عمل و گاه

● دستیابی به موقعیت برتر در رقابت با همسالان و نیز تضمین موفقیت.

● آسان تر بودن جست‌وجوی فناوریانه نسبت به مکاشفه ذهنی.

● صرفه‌جویی در زمان، به دلیل وجود برنامه‌های شلوغ.
● ریسک پایین گرفتار شدن، به دلیل سرعت طراحی فناوری‌های جدید نسبت به سیاست‌های مدرسه.

دلایل تقلب ناآگاهانه

● بازخورد آموزش غلط اطرافیان در یافتن پاسخ هرگونه سؤال. از آنجا که دانش‌آموزان در نحوه استفاده از ابزارها و تکنیک‌ها از اطرافیان خود الگو می‌پذیرند، ممکن است تقلب را آموخته باشند، ولی واقعاً ندانند فعالیتشان تقلب محسوب می‌شود.

● عادت و الگوی رفتاری. در این پدیده نیز عادت نیروی بزرگ و مقتدری است.

● توجیه وجود برنامه‌ها و وبگاه‌های تکالیف؛ با این تصور که چون وجود دارند، باید از آن‌ها بهره برد.

● خلط مبحث «اشتراک‌گذاری» با پدیده تقلب. چنانکه تصور می‌شود این عملکرد خوب و ارزشمند است.

به نظر می‌رسد در راستای حل معضل تقلب در عصر فناوری، مدرسه به مثابه یک رسانه و سیاست‌گذار در آموزش، باید والدین را در رأس هرم آموزشی خود قرار دهد، چرا که در دنیای پساکرونا، تحت فرازوفرودهایی، آموزش برخط همچنان می‌تازد. بدین ترتیب آموزش فراگیر بیش از هر کس تحت نظارت والدین خواهد بود. در گام نخست والدین باید دریابند فرزندشان چگونه و به چه دلیل تقلب می‌کند. سپس می‌توان دریافت تقلب آگاهانه صورت می‌گیرد یا ناآگاهانه؟ دلایل آن چیست؟ و راه‌های مبارزه با آنچه می‌توانند باشند. در اینجا به مجموعه‌ای از راه‌های مبارزه با تقلب آگاهانه و ناآگاهانه اشاره شده است که می‌توانند در شرایط مشابه، مؤثر قلمداد شوند و در پیگیری این موضوع راهگشا باشند:

راه‌های مبارزه با تقلب آگاهانه

✓ صحبت درباره تقلب؛ از والدین می‌خواهد در مورد تقلب و خطرات آن، و به تبع آن درباره خیانت و صداقت با نوجوانان خود صحبت کنند تا برای آنان روشن شود که چرا و چگونه است که متقلب‌ها در زندگی جلوتر نیستند و اگر متقلب شناخته شوند، ممکن است حتی زمانی که صداقت دارند، کسی آن‌ها را باور نکند. درک ارزش‌ها و انتظارات والدین از سوی فرزندان باعث می‌شود آنان در نهایت درک کنند با تقلب در واقع خودشان را فریب می‌دهند.

✓ الگوی صداقت‌بودن؛ آموزگاران و والدین باید نه تنها در کلمات بلکه در سبک زندگی‌شان الگوی صداقت باشند. اگر با نسل آینده صادق نباشیم، نمی‌توانیم از آن‌ها انتظار راست‌گویی داشته باشیم.

✓ تحسین جست‌وجو به جای تأکید بر نتیجه؛ باید به فرزندانمان بیاموزیم آموختن و دستاوردهای آن نیز همانند خیلی چیزها از جنس مسیر هستند، نه از جنس هدف و نتیجه. به عبارت دیگر، آنچه حائز اهمیت است، تلاش و جست‌وجوی فراگیر است، نه نتیجه و کمیت دستاورد آن.

✓ حذف فشار ناسالم والدین و مدرسه برای دستیابی به یک جواب و نتیجه مشخص. ارزیابی تلاش سالم برای دستیابی به پاسخ باید جایگزین ارزیابی و سنجش نتیجه شود. چرا که نتیجه ناقص حاصل تلاش صادقانه، ارزشمندتر از نتیجه کامل ناشی از تقلب است.

✓ حذف کمیت از رویه نظام آموزشی و قرار گرفتن موقعیت‌های برتر و موفقیت‌های تحصیلی خارج از چارچوب و سیطره این کمیت‌ها.

✓ ایجاد جذابیت، شوق و انگیزه برای انجام مکاشفه ذهنی در تقابل با جست‌وجوی فناوریانه.

✓ برنامه‌ریزی هفتگی کارآمد و آموزش استفاده صحیح از زمان؛ تا ضرب‌العجل‌ها بچه‌ها را به سمت یافتن راه‌حل سریع سوق ندهند و تسلیم و سوسه تقلب نشوند.

راه‌های مبارزه با تقلب ناآگاهانه چیست؟

✓ مشارکت والدین در آموزش فرزندان؛ بدین ترتیب که والدین از چالش‌های تحصیلی پیش روی فرزندشان و راه‌های مواجهه آنان با چالش‌ها آگاه باشند.

✓ القای ارزش‌های اخلاقی و تشریح و تقبیح تقلب، خیانت و نبود صداقت.

✓ پاداش و تشویق برای حذف عادت رفتاری تقلب ناخودآگاه. صبور باشید و فرصت دهید، چرا که هر چه آموخته می‌شود، فراموش نیز می‌شود. سپس الگوی رفتاری صحیح را جایگزین کنید؛ الگویی که برای فراگیر همان میزان خوشایندی و لذت در بر داشته باشد.

✓ تشریح معنای صحیح اشتراک‌گذاری و کاربرد مثبت و سازنده برنامه‌ها و وبگاه‌های تکالیف به‌عنوان عامل قیاسی و کمک‌آموزشی، به جای کی‌برداری محض از آن‌ها.

در نهایت، واقعیت این است که علت هر چه باشد، بدیهی است قابلیت فناوری در فرایند تقلب می‌تواند برای آینده آموزشی نسل آینده‌کننده باشد و بخش آموزش باید به‌زودی به این پدیده بپردازد؛ قبل از اینکه تقلب به وضعیتی پایدار تبدیل شود.

من از شما الگو می‌گیرم

مروری بر الگوپذیری دانش‌آموز از والدین

زیبا عراقی

پژوهشگر تعلیم و تربیت کودک



(دوستانت) کسی است که با راستگویی‌اش تو را به راستگویی دعوت کند و با اعمال نیک خود تو را به بهترین اعمال برانگیزد (تصنیف غرالحکم و درالکلم، صفحه ۴۱۷، ح ۹۵۳۵). هر چند صاحب‌نظران محیط خانواده را نخستین نهاد اجتماعی می‌دانند و فرزند با الگوپذیری از والدین، مسیر رشد عاطفی و جسمی خود را طی می‌کند، با این حال نقش چشمگیر و اساسی الگوپذیری از گروه هم‌سالان و جامعه را نیز نباید نادیده گرفت.

دانش‌آموز در محیط مدرسه و بین هم‌سالان خود با الگوپذیری از دوستان و معلم، علاوه بر شکوفایی استعداد همانندسازی یا برتری‌جویی بر گروه هم‌سالان، شخصیت خود را طرح‌ریزی می‌کند. نکته قابل توجه زمانی پدیدار می‌شود که فرد در آستانه بلوغ قرار می‌گیرد. با ورود به این دوران، وابستگی دانش‌آموز به دوستان و گروه هم‌سالان عمیق‌تر و تأثیرگذاری آن شدیدتر خواهد بود و نوجوان آن

خانواده به‌عنوان اولین نهاد تربیتی و جزو لاینفک پایه‌های تربیتی دانش‌آموزان شناخته شده است. نقش تربیتی و الگوپذیری فرزندان از پدر و مادر، به‌ویژه مادر، بیشتر است. لذا برای تربیت صحیح فرزندان انتظار می‌رود با توجه به نقش الگوپذیری فرزندان، والدین تلاش کنند محیط خانه را مملو از آرامش، صمیمیت و از همه مهم‌تر صداقت کنند.

تعلیم و تربیت فرزندان در نقش دانش‌آموز، ویتترین و دورنمای شخصیت خانواده را در جامعه نمایان می‌کند. خانواده از همان بدو تولد خواسته یا ناخواسته در مسائل تربیتی فرزند سهمیم است و اولیا باید به شکل اصولی و صحیح به تربیت فرزند اقدام کنند که حاصل اثر بخش آن زمانی پدیدار می‌شود که پدر و مادر از بلوغ عاطفی که شامل روحیه صداقت و مسئولیت‌پذیری و احترام به حقوق دیگران است، بهره‌مند باشند.

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: بهترین برادرانت

را به‌عنوان نیازی اساسی مطالبه می‌کند. کنکاش و رصد دانش‌آموز در انتخاب دوست باید به‌طور نامحسوس در افق دید والدین قرار گیرد و باید کارکرد آنان به‌صورت مشاوره‌ای و گاهی راهبردی نمایان شود، زیرا پیدا و انتخاب کردن دوست خوب مهارتی است که خود دانش‌آموز باید از آزمون آن سربلند بیرون بیاورد.

دوست خوب می‌تواند شخصیت فرد را به بالاترین حد ممکن ارتقا بخشد. در نتیجه، والدین باید به این موضوع واقف باشند که با تعامل دوستانه و نظارت غیرمستقیم فرزندشان، او را در انتخاب دوست اصلح و هم‌خوانی با معیارها و ضابطه‌های مشخص‌شده، به‌صورت آگاهانه و عاقلانه یاری دهند. چرا که این مورد سرمایه‌گذاری بزرگی محسوب می‌شود. اگر نظارت منطقی صورت پذیرد، او در آینده به‌عنوان انسان و شهروندی موفق زندگی خواهد کرد. در ارتباط با انتخاب دوست برای فرزندان، جنبه افراط و تفریط باید رعایت شود، چرا که ممکن است عواقب جبران‌ناپذیری به‌دنبال داشته باشد. پنهان کردن روابط دانش‌آموز با گروه هم‌سالان، به‌دلیل محدودیت‌های غیرمنطقی والدین، مقدمه‌ای است برای تقلب رفتاری و پنهان‌کاری دانش‌آموز. این مخفی‌کاری می‌تواند دامنه قانون‌گریزی دانش‌آموز را گسترش دهد. بر همین اساس، والدین باید به فرزندشان اطمینان دهند که این مشاوره‌ها در رابطه با انتخاب دوست صرفاً از سر دلسوزی و علاقه و جزو دغدغه‌های پدر و مادر است. کلید بسیاری از مسائل در خانواده با گفت‌وگو و تعامل همراه با احترام و صداقت قابل حل است که می‌تواند او را دانش‌آموزی مسئولیت‌پذیر و قانونمند پرورش دهد.

الگوپذیری در استفاده از تقلب نقش سازنده‌ای دارد

وقتی دانش‌آموز موفقیت‌ها و دستاوردهای والدین خود را به‌عنوان شاخص تعیین می‌کند، اثرپذیری رفتار والدین می‌تواند در طول زمان همراه دانش‌آموز باشد. زمانی که پدر یا مادر در جامعه قانون‌گریزی و هنجارشکنی می‌کنند و آن را به‌عنوان برگ برنده در خانواده و با اشتیاق و حرارت مطرح می‌کنند، مثل وقتی برای عبور از طرح شدآمد (ترافیک)، پلاک خودرو را مخدوش می‌کنند، حق‌الناس را پایمال می‌کنند، سرعت مجاز را رعایت نمی‌کنند و از چراغ قرمز عبور می‌کنند، این قانون‌گریزی که ضد ارزش و ناهنجاری است، به‌عنوان ارزش و هنجار در ذهن دانش‌آموز حک می‌شود و او در صدد برمی‌آید همانند پدر یا مادر دست به پیروزی‌های کاذب و گاهی مخرب بزند که طبیعی است اثر مخربی در رفتار و منش دانش‌آموز دارد.

دانش‌آموزی که در آزمون‌ها مکرراً تقلب می‌کند، در بستر خانواده بارها و بارها شاهد بوده که والدینش در جامعه مقید

به قانون نبوده‌اند و هنجارشکنی را به‌عنوان توانمندی و خلاقیت و نوعی پیروزی حسابی برای خود مطرح کرده‌اند. نتیجه کلام اینکه دانش‌آموز متقلب بازنمای رفتار و کردار محیط خانواده خود است.

اگر بخواهیم فرزند قانونمند و مسئولیت‌پذیری تربیت کنیم، باید خودمان به‌عنوان یک شهروند قانونمند و مسئولیت‌پذیر شناخته شده باشیم. به یاد داشته باشید، فرزندان هرگز با شعارهای کلیشه‌ای به‌درستی تربیت نشده‌اند و هرچه بوده، قوه تصویر آن‌ها و عمل والدین بوده است؛ زیرا هرچه بکاری، همان درو خواهی کرد. هیچ پدر و مادری از اینکه فرزند متقلب داشته باشد احساس رضایت نمی‌کند، چرا که تقلب نوعی قانون‌شکنی محرز است و بارها باید در خانواده به قبح این حرکت زشت اشاره کرد.

افرادی که قوانین ساده خانواده را رعایت می‌کنند، قاعدتاً در مدرسه و جامعه بزرگ‌تر به قوانین احترام می‌گذارند و مسئولیت‌پذیر خواهند بود. مسئولیت‌پذیری در تربیت فرزندان باعث تقویت حس احترام به حقوق دیگران می‌شود. رسیدن به این سطح، استانداردهای مشخص و ساده‌ای دارد که تأثیر چشمگیری بر رفتار دانش‌آموز می‌گذارد. ابتدا والدین باید به فرزندان اطمینان قلبی دهند که نمره فقط یک عدد است و با تعاملات مکرر احساس ترس از کم‌شدن آن را از فرزندشان دور کنند تا دچار عواقب بدتر و جبران‌ناپذیرتر نشوند. زمانی که دانش‌آموزی در منزل از تقلب و نمره غیرواقعی خود با احساس فخر و پیروزی صحبت می‌کند، والدین به جای تشویق و احساس رضایت، بهتر است به‌صورت کاملاً دوستانه به عواقب ناشی از قانون‌شکنی اشاره کنند و ایشان را از این حرکت ناپسند و پایمال کردن حق‌الناس برحذر کنند. قابل ذکر است، موضوع تقلب در بین خانواده‌ای که صرفاً کسب نمره بالا مدنظر آن‌هاست، به مراتب بیشتر است. والدین در بحث تربیت باید به روحیه مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان به‌طور جدی اهمیت دهند، چرا که عواقب آن در آینده نه چندان دور در شکل، نبود افزایش اعتماد به نفس، ضعف درسی و سرخوردگی دانش‌آموز، گریبانگیر خانواده خواهد شد.

پژوهشگران حوزه آموزشی معتقدند، در سال‌های اخیر، با تشکیل کلاس‌های برخط و مجازی، تقلب کردن به شکل گسترده‌ای رایج شده است. هرچند آموزگاران راهکارهای متعددی به کار برده‌اند، اما همچنان موضوع تقلب در دانش‌آموزان رو به افزایش است و اگر خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد تربیتی، به شکل اصولی این هنجارشکنی را حرکتی ناپسند نشمارد، همچنان شاهد قانون‌شکنی دانش‌آموزان خواهیم بود، زیرا در شرایط آموزش برخط، ناظر اصلی رفتار دانش‌آموز والدین آن‌ها هستند.

سواد رسانه، علیه تقلب مجازی

علی تیرگیر

پژوهشگر رسانه و تعلیم و تربیت



فناوری‌های نوین، شکسته شده است. بسیاری از جوانان و نوجوانان به شیوه‌های نادرست از اینترنت و منابع اطلاعاتی و ارتباطی استفاده می‌کنند. آن‌ها در خانه و مدرسه، آموزش مؤثر و مفیدی برای استفاده از منابع اطلاعاتی و ارتباطی ندیده‌اند. از طرف دیگر، نهاد خاصی هدایت آن‌ها را بر عهده ندارد. تفاوت سطح سواد اینترنتی و رسانه‌ای دانش‌آموزان، والدین و معلمان به قدری است که بزرگ‌ترها نمی‌توانند چگونگی استفاده از رسانه‌ها و منابع اطلاعاتی نو (مدرن) را به دانش‌آموزان آموزش دهند و ضرورت افزایش سواد رسانه‌ای معلمان و راهکارهای آن انکارناپذیر است. آموزش مهارت‌های دسترسی، استفاده-کاربرد، ارزیابی-تجزیه و تحلیل، و تولید، تأثیری اساسی در افزایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی معلمان دارد و افزایش سواد رسانه‌ای می‌تواند در نهایت به کنترل

شیوع ویروس کرونا و کوچ اجباری معلمان و دانش‌آموزان به سمت آموزش مجازی بستر مناسبی فراهم کرد تا معلمان و دبیران در رشد علمی، مهارتی و سواد رسانه‌ای خود بکوشند و در تهیه انواع محتوای آموزشی و استفاده از نرم‌افزارهای تولید محتوا در طول چند ماه به اندازه سال‌ها پیشرفت و تجربه حاصل کنند. این در حالی است که نظام ارزشیابی در کشور همچنان سنتی و بر پایه نمره و آزمون است. حال سؤال اینجاست که آیا رشد سواد رسانه‌ای معلم می‌تواند بر کاهش تقلب دانش‌آموزان مؤثر باشد یا خیر؟

آموزش و پرورش رسمی‌ترین سازمان آموزشی کشور است و معلمان رکن اساسی این سازمان هستند. با رشد و توسعه وسایل ارتباط جمعی و دخالت نهادهای گوناگون در آموزش، در عمل انحصار آموزشی این سازمان، به‌ویژه در حوزه

صحیح دانش‌آموزان و جلوگیری از تقلب در امتحانات منجر شود. البته راهکارهای بسیاری برای جلوگیری از تقلب در امتحانات برخط وجود دارند که ارائه و عملی کردن آن‌ها، به موجب سواد رسانه‌ای بالای معلمان است.

سواد رسانه‌ای سواد فراتر از خواندن و نوشتن است

اهمیت سواد رسانه‌ای برای معلمان در دنیای امروز کمتر از سواد خواندن و نوشتن نیست. به همان اندازه که سواد خواندن و نوشتن از ضروریات زندگی اجتماعی افراد به حساب می‌آید، سواد رسانه‌ای نیز در عصر پر تلاطم اطلاعاتی که هر روز خود را در مواجهه با رسانه‌های گوناگون شنیداری، دیداری و نوشتاری می‌یابیم، از اهمیتی دو چندان برخوردار است، چرا که بدون این سواد نمی‌توان گزینش‌های صحیحی از دانش‌آموزان در امتحانات و کلاس‌ها داشت و خود را در برابر شگردهای دانش‌آموزان برای تقلب بیمه کرد. در این نهاد می‌توان با گنجانیدن واحدهای درسی سواد رسانه‌ای ضمن خدمت برای معلمان، زمینه را برای طرح موضوع سواد رسانه‌ای فراهم کرد و راهکارهای مناسبی برای جلوگیری از تقلب‌های دانش‌آموزان به آنان داد. در صورتی که معلمان از سواد رسانه‌ای کافی برخوردار باشند، می‌توانند در برخورد و تدریس خود مواردی چون تفکر و نگاه نقادانه به رسانه‌ها، جامعه‌پذیری مناسب و مواجهه صحیح با رسانه‌ها را به دانش‌آموزان یاد دهند. این باعث می‌شود سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان هم در سطحی بالاتر قرار گیرد و در نهایت شاهد کیفیت مطلوب آموزشی باشیم. تدریس در ایام کرونا دشواری‌های خاص خود را برای معلمان و خانواده‌ها در پی داشت. امروزه معلمان جدای از اختصاص مدت‌زمانی برای تولید محتوای آموزشی از جمله متن، فایل آموزشی، پرده‌نگار (پاورپوینت) و صوت، باید زمانی را هم برای بالابردن سطح ارتقای سواد رسانه‌ای به‌منظور کنترل کلاس‌های درس در نظر بگیرند. همچنین ساعت‌هایی را به طرح سؤالات متفاوت در امتحانات یا امتحانات شفاهی به‌صورت برخط اختصاص دهند، تا بتوانند میزان تقلب را در دانش‌آموزان به حداقل برسانند. سواد رسانه‌ای پاسخی ضروری، غیرقابل اجتناب و واقع‌نگر نسبت به محیط نوین رسانه‌ای در مدرسه‌های مجازی است. از آن جا که هدف نهایی استفاده از رسانه، افزایش اثر تدریس و بهبود یادگیری دانش‌آموزان است، در صورتی که سطح سواد رسانه‌ای معلمان کافی باشد، می‌تواند تأثیر بسیاری بر شیطنت‌های دانش‌آموزان و خنثا کردن نقشه‌های آن‌ها در امتحانات بگذارد. اگر معلمان خود را به سواد رسانه‌ای جدید مجهز نکنند، در این عرصه از دانش‌آموزان خود عقب می‌مانند و دانش‌آموزان به‌راحتی می‌توانند با دورزدن معلم

و والدینشان به مقصود خود در کلاس‌ها و امتحان برسند و در نهایت تقلب افزایش یابد. معلمان به کمک سواد رسانه‌ای خود می‌توانند با استفاده از رسانه‌های اجتماعی در خصوص گسترش روش‌های تأثیرگذاری تدریس و روش‌های جلوگیری از تقلب دانش‌آموزان اقدامات خوبی انجام دهند.

آموزش سواد رسانه‌ای برای معلمان ضرورتی انکارناپذیر است و نادیده گرفتن آن پیامدهایی منفی برای دانش‌آموزان، نظام آموزشی و جامعه خواهد داشت. در آموزش سواد رسانه‌ای اهداف، محتوا، روش‌های اجرا و تدریس، و در درجه اول ارزشیابی امتحانات باید از اصول خاصی برخوردار باشند تا پیامدهای مورد نظر حاصل شوند. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که در نظام آموزشی ایران، بدون تردید آموزش سواد رسانه‌ای با چالش‌هایی مواجه است، از جمله اینکه هنوز آموزش سواد رسانه‌ای در مدرسه‌ها به رسمیت شناخته نشده است، شرایط و امکانات مدرسه‌های ما در بسیاری از منابع کافی و مناسب نیست، معلمان آموزش‌دیده در این حیطه اندک هستند، تدوین این دوره‌ها برای نظام آموزشی هزینه‌بر است و توانمندی دانش‌آموزان نسبت به معلمان در سواد رسانه‌ای بسیار بیشتر است. نظام آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی رسمی و اجتماعی مسئولیت دارد برای آموزش سواد رسانه‌ای به معلمان تدابیر لازم را در نظر بگیرد و موانع لازم بر سر راه این هدف را از میان بردارد تا بتواند نظام ارزیابی بهتری را برای نمره‌دهی به دانش‌آموزان اجرا کند. در ادامه، پیشنهادهایی مبنی بر ارتقای سواد آموزشی معلمان و کاهش تقلب در بین دانش‌آموزان بیان می‌شود:

۱. بدون تردید معلمان برای آموزش سواد رسانه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کنند. لذا ضرورت دارد نظام آموزشی در قالب دوره‌های ضمن خدمت، توانمندی‌های لازم را در این خصوص به معلمان منتقل کند. در این دوره‌ها نباید لزوماً به مباحث تدریس برخط و تولید محتوا پرداخته شود، بلکه باید تمامی اطلاعات و راهکارهای استفاده از ابزارهای نرم‌افزارهای تدریس برخط، همچون شاد، به معلمان آموخته شود تا بتوانند به خوبی راه‌های تقلب دانش‌آموزان را خنثا کنند.
۲. سعی شود تا حد امکان معلمان در طول سال از آزمون‌های مستمر با تعداد دفعات زیاد و به‌صورت شفاهی در برنامه‌های کاربردی و با طرح سؤالات تشریحی متفاوت از دانش‌آموزان استفاده کنند و ارزیابی آموزشی دانش‌آموزان را به آزمون پایان دوره محدود نکنند. این راهکار در کنترل تقلب بسیار مؤثر است.

دارم قلب می‌کنم!

نشانه‌شناسی زبان بدن در تقلب‌های امتحانی

انسیه مقدسی

کارشناس ارشد روان‌شناسی شخصیت



وقتی گفت‌وگویی را با یکدیگر آغاز می‌کنیم، تنها ۳۰ درصد از ارتباطات ما کلامی هستند و مابقی آن را ارتباطات غیر کلامی شامل زبان بدن و ارتباط چشمی و نحوه بیان جملات در بر می‌گیرند.

در روزگار فناوری، ما ارتباطات خود را برعکس آنچه می‌انگاریم، ضعیف‌تر کرده‌ایم. به همین دلیل، ارتباطات نوشتاری و حتی گفت‌وگوهای تلفنی تا میزان زیادی از کیفیت روابط ما می‌کاهند و رابطه‌ها را ضعیف می‌کنند.

تأثیر و شناختی که از یک ساعت گفت‌وگوی رو در رو حاصل می‌شود، در طول ده‌ها ساعت گفت‌وگوی تلفنی حاصل نخواهد شد. در گفت‌وگوی غیر حضوری، گوینده نمی‌تواند تمام آنچه را در گفت‌وگوی حضوری می‌تواند ارائه دهد. شنونده هم متقابلاً به همان میزان که گوینده در گفت‌وگوی غیر حضوری قادر به بیان و ارائه مطلبش نیست، به فهم حداکثری ممکن از او قادر نیست و به همین جهت هم در پاسخ، در اغلب موارد سوء تفاهم ایجاد شده است. در واقع به نظر می‌رسد روابط ما بر خلاف آنچه به نظر می‌رسد که با وسایل ارتباط جمعی باید بیشتر و قوی‌تر شود، هر روزه رو به اضمحلال می‌رود و سردتر می‌شود.

صحبت کردن بدون استفاده از کلمات ممکن است پدیده‌ای بی‌سابقه به نظر برسد. با این حال واقعیت این است که بدن شما واژگان نامتعارف خود را دارد.

به هر شکلی که می‌ایستید، هر نگاهی که می‌کنید، علامت‌ها زیادی را از خود نشان می‌دهید (نشانه‌های مثبت و منفی). بدن خود را مثل برنامه‌ای در نظر بگیرید که به‌طور دائم پیام‌های دیداری رمزگذاری شده‌ای را می‌فرستد.

هیجانان و واکنش‌های غیر کلامی دروغ نمی‌گویند
پیام‌های غیر کلامی (زبان بدن: حالت چشم، کیفیت تن) صدا، حالت نشستن، ایستادن و راه رفتن) و هیجانان درونی اصل حس و حال ما را به دیگران انتقال می‌دهند؛ چه ما بخواهیم و چه نخواهیم.



و یکپارچه باشد، بیشتر می‌توانیم حالتی از صداقت، اعتماد، صمیمیت، امنیت و عشق را انتقال دهیم.

تشخیص و تحلیل دروغ‌گویی با زبان بدن رخ می‌دهد. یک تصور اشتباه در زبان بدن و تحلیل رفتارهای غیر کلامی این است که کسی که زبان بدن را می‌داند و می‌شناسد، می‌تواند انسان دروغ‌گو را از انسان راستگو به‌سادگی تشخیص دهد.

در سال ۱۹۸۵ پل اکمن توانایی تشخیص دروغ بر اساس زبان بدن را بررسی و مطالعه کرد و در نهایت اعلام کرد تعداد کمی از ما انسان‌ها می‌توانند دروغ‌گو را با شناسی بیشتر از پنجاه درصد از روی علائم چهره و زبان بدن تشخیص دهند. به عبارت دیگر، با سکه‌انداختن هم تقریباً در حد دقت یک انسان می‌توان دروغ‌گو را از راست‌گو تشخیص داد!

البته همه جا در مورد نشانه‌های دروغ صحبت می‌شود، اما به خاطر داشته باشیم، آنچه ما به‌عنوان نشانه‌های دروغ می‌شناسیم، نشانه‌های مواجهه بدن با شرایط استرس و گاه هم شرایط ترس هستند.

افرادی که پیام‌های کلامی و پیام‌های غیر کلامی و هیجانات درونی خود را به‌درستی با هم هماهنگ و به‌درستی مخابره می‌کنند و پیام‌های کلامی و غیر کلامی دیگران را نیز درست دریافت و تحلیل می‌کنند و واکنش مناسبی در مقابل آن نشان می‌دهند، «سواد هیجانی» دارند. به عبارت دیگر، این افراد از مدیریت احساسات، هیجانات و عواطف درون خود و دیگران برای برقراری روابط بین فردی به‌خوبی آگاهی دارند. برای نمونه، وقتی از شخصی سؤال می‌شود حالت چطور است، ممکن است زبان او به‌طور شفاهی بگوید خوب هستم، اما وقتی به چشمانش نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم حالش چندان هم خوب نیست! (در این صورت زبان گفتاری فرد با زبان بدن او هماهنگ نیست و حالتی از بی‌صداقتی و بی‌اعتمادی را منتقل می‌کند).

در همین رابطه می‌توان اذعان کرد، پیام‌های غیر کلامی کمتر ما را به اشتباه می‌اندازند و شاید بتوانند سرنخ‌های دقیق‌تری از آنچه را فرد واقعاً تجربه می‌کند، نمایان کنند. هر چقدر زبان گفتاری ما با زبان بدن ما هماهنگ، منسجم

افراد دروغ‌گو و متقلب باید حداقل ۵ مورد از این ۱۱ علامت را داشته باشند:

۱. پلک‌زدن بیش از حد: اگر فردی با شما در حال صحبت است که در حالت عادی و معمولی‌اش از پلک‌زدن‌های پی‌درپی خبری نیست، ولی اکنون دچار این عارضه شده است، به درستی و نادرستی حرف‌های او شک کنید.

۲. پنهان‌کردن چشم‌ها: پنهان‌کردن نگاه در هنگام دروغ‌شایع‌ترین نشانه‌ی زبان بدن دروغ‌گوست. بیشتر افراد نمی‌توانند چشم‌های خود را موقع پنهان‌کردن، بلکه نگاهشان به سمت پایین یا اطراف تغییر مسیر می‌دهد و فرد سعی می‌کند تا حد امکان ارتباط چشمی برقرار نکند.

۳. تنگ‌شدن مردمک چشم: مردمک چشم فرد در حال دروغ‌گویی شروع به تنگ‌شدن می‌کند و هر چقدر هم فرد دروغ‌گوی ماهری باشد، نمی‌تواند کوچک‌شدن مردمک چشم خود را پنهان کند. این مورد یکی از مهم‌ترین نشانه‌های دروغ‌گویی است.

۴. مالش چشم: وقتی فردی چشمش را با انگشت اشاره مالش می‌دهد، نشانگر فریب و نیرنگ است. از آنجا که فرد می‌خواهد تماس دیداری را قطع کند، بهانه‌ای می‌جوید تا به این طرف و آن طرف نگاه کند. این حرکت غیرارادی نوعی افشاگر حسابی از دروغ‌گویی فرد است.

۵. بالا انداختن شانه‌ها: اگر فردی موقع حرف‌زدن یکی از شانه‌های خود را بالا انداخت و کج کرد، دارد یکی دیگر از نشانه‌های فیزیکی زبان بدن افراد دروغ‌گو را نشان می‌دهد. امکان دارد شانه‌ی سمت چپ بالا انداخته شود و فرد بعد از اتمام حرف‌ها به سمت جلو خم شود.

۶. نداشتن تحمل برای شنیدن: افرادی که دروغ می‌گویند، وقتی در مورد دروغشان صحبت می‌کنند، مایل نیستند دروغ خود را دوباره بشنوند و سعی می‌کنند موضوع مورد صحبت را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم عوض کنند.

۸. صدای خیلی زیر یا خیلی بم: صدا علامت خوبی برای شناسایی دروغ‌گوست. در واقع این ما نیستیم که صدا را کنترل می‌کنیم. مغز بر اساس احساساتی که داریم، آن را به شکل خودکار تنظیم می‌کند. وقتی دروغ می‌گوییم، می‌ترسیم و رسوا شویم. به همین علت معمولاً صدا تغییر می‌کند و خیلی زیر یا خیلی بم می‌شود.

۸. رفتارهای مخصوص

سرفه‌کردن درون مشت، بالا بردن دست روی سر و عقب‌بردن بالاتنه موقع حرف‌زدن، از جمله رفتارهای آدم‌های دروغ‌گو هستند. البته باید مراقب هم بود. برخی دروغ‌گوها برای آنکه احساساتشان نمایان نشود، حین حرف‌زدن کاملاً خنثا عمل می‌کنند و معمولاً بدن را جمع و حرکاتشان را محدود می‌کنند. به دهان و حالت لب‌های

طرف مقابل نیز باید خیلی توجه کنید. وقتی او دهانش را جمع می‌کند یا زبانش را روی لب‌هایش می‌کشد، باید به حرف‌هایش شک کرد، چون این کار می‌تواند نشان دهد فرد خیلی عصبی است و می‌خواهد اطلاعات و عصبی‌بودنش را آشکار نکند. وقتی لب‌ها سفت می‌شوند، یعنی فرد می‌خواهد واقعیت را پیش خود نگه دارد. زبان‌زدن به لب‌ها می‌تواند نشانه‌ی فروخوردن عصبانیت نیز باشد. وقتی فردی عصبی می‌شود، دهانش خشک می‌شود و سعی می‌کند با قورت‌دادن آب دهان، لغاتی را که می‌خواهد بگوید پیدا کند. خنده‌ی اجباری و زورکی یکی دیگر از این نشانه‌های دروغ‌گویی است. لبخند واقعی به سمت بالا امتداد می‌یابد و سبب چین‌خوردن چشم‌ها می‌شود، در حالی که لبخند زورکی بیشتر به دهن کجی شباهت دارد و معمولاً نشانه بی‌صداقتی و دروغ‌گویی است.

۹. سخنان ضد و نقیض

دروغ‌گوها به دلیل ترس از رسواشدن تعادل احساسی ندارند و حتی حرف‌های آن‌ها کم و بیش ضد و نقیض است. برای آنکه مطمئن شوید فرد دروغ می‌گوید، از او بخواهید دقیقاً حرفی را که در یک موقعیت خاص زده است، برای شما در مواقع مختلف تکرار کند. حتی سؤالات متفاوت و مدام در مورد همان مسئله می‌تواند ثبات فکری دروغ‌گو را بر هم بزند. دروغ‌گوها در هنگام حرف‌زدن زیاد تیپ می‌زنند و سعی می‌کنند اشتباهات فراوان گفتاری را به‌گونه‌ای بیوشانند. آن‌ها سعی می‌کنند به‌گونه‌ای گیج و مبهم سخن بگویند و با این کار به شما اجازه نمی‌دهند حرف‌هایشان را تجزیه کنید.

۱۰. بازی کردن با دست‌ها و وسایل: بازی کردن با انگشتان دست یا وسایل همراه خود، نشانه‌ی دیگری از وجود استرس درباره‌ی برملاشدن موضوعی خاص است.

۱۱. عرق کردن بیش از حد: شناخته‌ترین نشانه‌هایی که می‌توانند فرد دروغ‌گو را لو دهند، عرق کردن و اضطراب است. زمانی که ما دروغ می‌گوییم، همیشه می‌ترسیم لو برویم. به همین دلیل دچار اضطراب می‌شویم و اضطراب با افزایش ضربان قلب و عرق کردن همراه است. اما این موضوع در رابطه با همه‌ی مردم صادق نیست. برخی افراد به دروغ‌گویی عادت دارند و دچار اضطراب نمی‌شوند، یا هوای محیط برای آن‌ها گرم است.

اجتناب از این اشتباهات زبان بدن به شما کمک می‌کند ارتباطی قوی‌تری در زمینه‌ی کاری و شخصی شکل دهید. یادتان باشد، برای ایجاد ارتباط، در وهله‌ی اول باید انعطاف‌پذیر باشید و حواس و تمرکز خود را روی درک خواسته‌ی طرف مقابل معطوف کنید. پس از آن باید بتوانید خواسته‌تان را به بهترین شکل مطرح کنید. اینجاست که زبان بدن در ایفای منظور شما نقشی کلیدی پیدا خواهد کرد.



تقلب در امتحانات

از دیدگاه اسلام

عباس رجایی

پژوهشگر تعلیم و تربیت اسلامی



خیانت در مال بدتر است (امام خمینی، استفتانات، ج ۲، ص ۴۶، س ۱۲۵ و سؤال از دفتر رهبری به شماره ۷۱۱۲۴۶۷ و آیت‌الله مکارم، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۱۶۰).

تقلب ظلم به دیگری است

در قرآن و احادیث بسیاری ظلم را نکوهش کرده‌اند. تقلب نوعی ظلم به دیگری و پایمال کردن حق دیگران است. در قرآن و کتاب‌های روایی آیات و روایت‌های فراوانی در مورد رعایت حق دیگران و ظلم نکردن به دیگران آمده‌اند:

وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (آل عمران، آیه ۱۴۰)؛
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (انعام، آیه ۱۴۴)؛
أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ اعراف (آیه ۴۴).

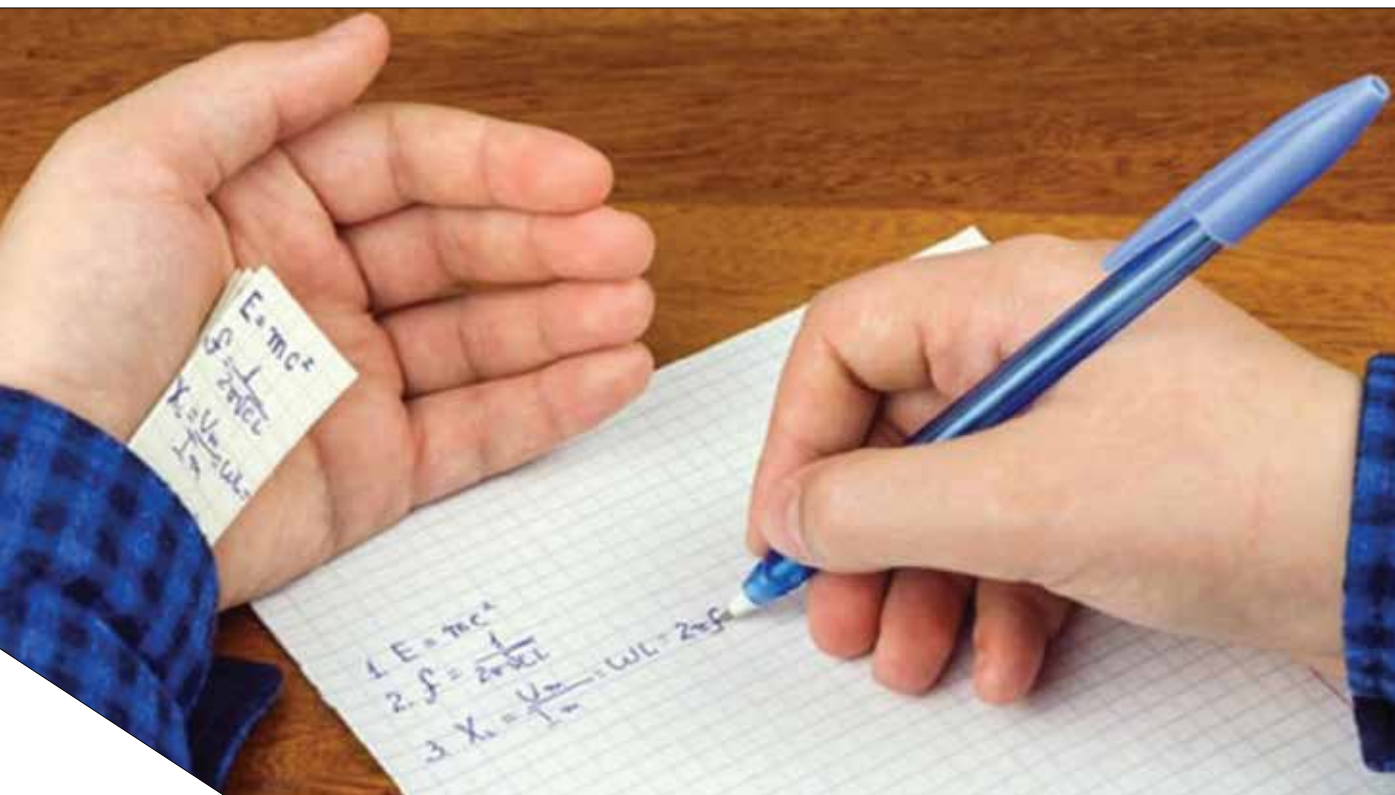
امام باقر(ع) در خصوص ظلم می‌فرماید: «الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ وَ ظُلْمٌ يَغْفِرُهُ اللَّهُ وَ ظُلْمٌ لَا يَدْعُهُ اللَّهُ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرْكَ بِاللَّهِ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَظُلْمُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَدْعُهُ اللَّهُ فَالْمُدَايَنَةُ بَيْنَ الْعِبَادِ (حرانی، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، ص ۲۹۳).

ظلم سه‌گونه است: یکی آنکه قابل آمرزش نیست؛ دیگر آنکه قابل آمرزش است؛ سوم آنکه خدا از آن نگذرد. نخست شرک به خداست؛ دوم ظلم به نفس، یعنی گناهی که بین تو و خدا باشد؛ سوم حق‌الناس.

بنابراین، ماهیت تقلب در دین اسلام و سایر ادیان نکوهش می‌شود. شاید بیشترین دلیل آن ضایع شدن حق کسانی است که برای رسیدن به هدف تلاش و کوشش فراوانی متحمل می‌شوند تا بتوانند کارهای درست را بهتر و سریع‌تر انجام دهند. در واقع وجود تقلب اصل شایستگی را از بین می‌برد و در صورت گسترش این عمل زشت به صورت آرام و خاموش در کوتاه‌مدت و بلندمدت، شایستگی و صلاحیت

صداقت کار نیکویی است که باعث ورود به بهشت می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (ام نجعل الذین امنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کالفجار (ص/ ۲۸): آیا کسانی را که ایمان آورده و اعمال نیکو انجام داده‌اند، مانند کسانی قرار دهیم که روی زمین فساد می‌کنند؟ آیا پرهیزگاران را همچون هرزگان قرار دهیم؟ این آیه برای عمل ناشایست تقلب در آزمون کافی است که انسان را از انجام تقلب در امتحان باز دارد، چرا که این رفتار، عملی ناپسند و ناشایست است که نیرنگ و فریب در آن، علاوه بر کسب ناصواب برخی صلاحیت‌های تعیین شده در آن آزمون، موجب ضایع شدن حقوق دیگران می‌شود و این قضاوت و ارزشیابی را از مسیر واقعی خود منحرف می‌کند و در نهایت ممکن است در قضاوت درباره اشخاص پذیرفته شده در آزمون نوعی نبود توازن پدیدار شود. بر همین اساس می‌توان گفت، تقلب اهرمی است برای کسب منافع بیشتر برای شخص کم‌تلاش. به عبارت دیگر، افراد تنبل با تقلب کردن فرصت بیشتر و گاه بهتری به دست می‌آورند و در سایه آن به مقام و درجه‌های بالاتری دست می‌یابند، در حالی که شایستگی واقعی آن جایگاه را ندارند و به هنگام عمل، به دلیل نبود صلاحیت لازم، بسیاری از اتفاقات ناخوشایند و جبران‌ناپذیر بروز خواهند یافت که سلسله‌وار به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در امور دیگر تأثیر می‌گذارد و این چرخه در توالی زمان و تکرار متعدد آن در حوزه‌های متفاوت جامعه اختلال ایجاد می‌کند.

تقلب به معنای دگرگون و زیر و رو کردن و به تعبیر عامیانه واقعیت را عوض کردن است. تقلب در امتحان نیز بر همین مبناست و جایز نیست. به دلیل پایمال شدن حق دیگران می‌توان تقلب را شکلی از دزدی نامید. بنابراین، عملی حرام است. تقلب در امتحان خلاف مقررات نظام و قوانین حاکم است. تقلب نوعی خیانت در دانش است که به‌مراتب از



مقداری از غذاهای بد را از زیر درآورد و به فروشنده فرمود: می‌بینم تصمیم گرفته‌ای در برابر مسلمان‌ها خیانت و تقلب بکنی (وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۲، ح ۲۲۵۲۶: عن ابي جعفر عليه‌السلام قال: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَوِّقِ الْمَدِينَةِ بِطَعَامٍ، فَقَالَ لِصَاحِبِهِ: مَا أَرَى طَعَامَكَ إِلَّا طَيِّبًا، وَسَأَلَهُ عَنْ سَعْرِهِ. فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنْ يَدِسَّ يَدَهُ فِي الطَّعَامِ فَفَعَلَ فَأَخْرَجَ طَعَامًا رَدِيئًا، فَقَالَ لِصَاحِبِهِ: مَا أَرَأَاكَ إِلَّا وَقَدْ جَمَعْتَ خِيَانَةً وَغَشًّا لِلْمُسْلِمِ)».

در پایان باید اذعان داشت، تقلب که در مدرسه شکل می‌گیرد و در صورت بی‌توجهی، آثار و تبعات آن در تمامی ابعاد زندگی شخصی و اجتماعی گسترش می‌یابد، باید کنترل شود، فرد متقلب به سرعت از این کار نهی و رفتار صحیح به او آموخته شود. البته این نکته را نباید فراموش کرد، همان‌گونه که آیات و روایات دینی ما این عمل را نهی کرده‌اند، به بررسی و کنکاش برای رسیدن به علل انجام عمل تقلب تأکید کرده‌اند. بر همین اساس، فرد خاطی باید به گونه‌ای عمل کند که ضمن پذیرش اشتباه خود، دیگر مرتکب آن نشود و مسیر علمی و رفتاری خود را به شیوه‌های صحیح سپری کند تا طعم موفقیت واقعی را بچشد و با اصل شایستگی برای خود و جامعه مفید باشد و رضایت خداوند و جامعه را فراهم کند.

از نظام اجرایی کلیه بخش‌های جامعه رخت می‌بندد و موجب هرج و مرج اجتماعی و اتلاف سرمایه انسانی می‌شود. بنابراین، باید فرهنگ‌سازی و تأویل و تفسیر این ناهنجاری اجتماعی را در میان دانش‌آموزان که بخش مهمی از تربیت و شخصیت آن‌ها در مدرسه شکل می‌گیرد، به‌وضوح تفهیم و نهادینه کرد. به‌عنوان مصداق بارز تقلب در جامعه می‌توان به معامله و داد و ستد اشاره کرد. ممکن است ریشه این رفتار، چشم‌پوشی از رفتار غلط دانش‌آموز باشد که در آینده‌ای نه‌چندان دور مابه‌ازای تقلب دوران تحصیل خود را در جامعه تسری می‌بخشد. این امر در دین اسلام بسیار نهی شده است. در این باره پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) می‌فرماید: هر کسی با مسلمانی در معامله تقلب کند، از ما نیست (وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۳، ح ۲۲۵۲۹: عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي بَيْعٍ أَوْ شَرَاءٍ فَلَيْسَ مِنَّا، وَ يَحْشُرُ مَعَ الْيَهُودِ... .) همچنین، امام باقر (ع) فرموده‌اند: «پیامبر اکرم (ص) از بازار مدینه عبور می‌کردند. طعمی را دیدند که برای فروش گذاشته بودند. به نظر ایشان غذای خوبی بود. پس به فروشنده فرمود: غذای تو ظاهراً غذای خوبی است! قیمتش چقدر است؟ خداوند متعال وحی کرد: یا رسول‌الله، فریب ظاهر جنس را نخور. دستت را داخل آن کن و ببین درونش چیست. پیامبر (ص) دست کرد زیرش و



برای مشاهده فیلم در خصوص این مقاله رمزینه را اسکن کنید.



بازتعریف شکست

عامل بازدارندهٔ تقلب است

اصغر خلیلی



دکترای مدیریت دولتی گرایش تطبیقی

یا بازآفرینی ذهنی از رفتار، پس از شکست، فرد را بر این می‌دارد که مسیری میانبر و به‌ظاهر قطعی را انتخاب کند و این جدال نابرابر و سوسهٔ استفاده از تقلب را پیشنهاد می‌دهد. دایرهٔ تجربهٔ کودکان بسیار محدود است، ولی بار عاطفی آن‌ها بسیار وسیع است. اولیا باید به‌گونه‌ای عمل کنند که در مواجههٔ کودک با شکست، علل شکست را برای او تبیین کنند و شجاعت روبه‌رو شدن با ناکامی‌ها را آموزش دهند. اگر تأویل و تفسیر رفتار شما با واژگان مخربی چون سرزنش، تحقیر، بازخواست، رفتارهای قهری و منفی توأم باشند، شما نخستین فردی هستید که ضمن ایجاد اضطراب برای کودک خود، او را به سمت ناهنجاری، قانون‌شکنی و تقلب هدایت کرده‌اید.

بروز احساس ترس و نبود امنیت فرد، برای فرار از شکست، او را در مسیر پراضطراب تقلب قرار می‌دهد، تا حدی که تحت تأثیر عوامل کاراندام‌شناختی (فیزیولوژیکی) قرار می‌گیرد و گاهی به خود آسیب می‌رساند. خروجی این فرایند باعث احساس حقارت و پنهان‌کاری می‌شود؛ زیرا تا فرد احساس کمبود و نیاز عاجزانه نداشته باشد، دست به تقلب نمی‌زند.

تقلب را به مصداق‌های گوناگونی دارد. این گستردگی باعث می‌شود همهٔ افراد خواسته یا ناخواسته با تقلب مواجه شده باشند و همین دایرهٔ وسیع مانع از این نمی‌شود که ناپسند بودن این فعل نادیده گرفته شود. رفتار غیرصادقانه و مسیری به غیر از شیوهٔ شرافتمندانه برای رسیدن به هدف، ساختمان تقلب را بنا می‌کند و برای فرار از تجربهٔ تلخ شکست و ناکامی، کوتاه‌ترین راه برای رسیدن به مقصود انتخاب می‌شود. آنچه امروز بیشتر از فعل تقلب هشداردهنده است، کم‌رنگ شدن قبح تقلب است. گستردگی این بی‌تفاوتی مقدمه‌ای می‌شود تا قوانین و مقررات به آسانی زیر پا گذاشته شوند و شکل و اندازهٔ تقلب در مسیر زمان تغییر کند و خطرناک‌تر شود. هیچ پدر یا مادری علاقه‌مند نیست فرزندش طعم شکست را بچشد. اولیا تلاش می‌کنند فرزندشان همواره در موقعیت برتر و آستانهٔ پیروزی قرار گیرد. این نگرش از سال‌های نخست زندگی به‌طور ویرانگری روحیهٔ کودک را تخریب می‌کند و به او می‌آموزد شکست‌ناپذیر و همیشه قهرمان است. به این ترتیب بستر را برای ارتکاب تقلب مهیا می‌سازد، زیرا مطالبهٔ اولیا فراتر از توان و بضاعت فرزندشان است. شکست یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که انسان را برای رسیدن به هدف آبدیده می‌کند. تصویرسازی تیره و تار از فرد شکست‌خورده



نگاهت به برگه خودت باشه!

این جمله از جمله‌های خاطره‌انگیز و در عین حال دلپره‌آور جلسه‌های امتحان است که به تکرار از معلم، معاون و مدیر مدرسه شنیده‌ایم. در این جمله کوتاه چه میزان معنی نهفته است؟ این جمله بازدارنده است یا اضطراب‌آفرین؟ ضعف درسی دانش‌آموزان نسبت به محتوای امتحان را گوشزد می‌کند یا نبود امنیت از طرف والدین نسبت به نمره‌های دریافتی را به دانش‌آموز تأکید می‌کند؟ در لحظه شنیدن این جمله، دانش‌آموز به چه میزان به دانسته‌هایش بی‌اعتماد می‌شود؟ چه تعداد از دانش‌آموزان در چنین لحظه‌ای احساس قدرت می‌کنند؟ آیا دلایل برگزاری امتحان و انجام ارزشیابی و اهداف آموزشی برای دانش‌آموز به اندازه این جمله تأکیدگذاری شده است؟ پاسخ به این سؤالات نگاه را به نظام آموزشی و چگونگی اهداف آموزشی معطوف می‌دارد، زیرا دانش‌آموز و فراگیرنده به تقلب رجوع نمی‌کنند، به جز در موارد زیر:

- مهیا بودن شرایط تقلب؛
- توقعات خارج از بضاعت ولی از دانش‌آموز؛
- سهل‌انگاری آموزشی و بی‌دقتی در فرایند آموزش؛
- توسعه بیش از حد سرگرمی و فعالیت‌های غیردرسی

دانش‌آموز و اتلاف وقت و هدررفت انرژی یادگیری؛

- نپذیرفتن شکست در امتحان به دلیل ترس از والدین یا حفظ آبرو و موقعیت خویش در میان خانواده و گروه هم‌سالان؛
- بی‌توجهی به میزان اهمیت امتحان و عادت به استفاده از تقلب؛
- برتری‌طلبی و احساس شجاعت در انجام موفقیت‌آمیز تقلب؛
- راحت‌طلبی و نبود اعتمادبه‌نفس؛
- نبود روش تربیتی صحیح در خانواده و افراد نزدیک.

معلم به‌عنوان الگوی مستقیم دانش‌آموز باید از هرگونه سهل‌انگاری و تحریک فراگیرنده به تقلب بپرهیزد. در کنار معلم، چگونگی اجرای قوانین در مورد فرد متقلب توسط مدیر و معاون مدرسه در بسط و توسعه یا پیشگیری از عمل تقلب تأثیر می‌گذارد. همچنین، رسانه ملی باید به‌عنوان مهم‌ترین موتور محرکه اجتماع، فرهنگ پرهیز از تقلب را در لایه‌های جامعه ترویج کند تا این موضوع تقلب‌کردن به‌عنوان ناهنجاری شناخته شود و عمل رنگ‌باخته تقلب دوباره احیا نشود. این مهم تعامل و مشارکت دیگر نهادها را طلب می‌کند.



برای مشاهده فیلم در خصوص این مقاله رمزینره را اسکن کنید.



آرام، بدون تقلب

دکتر فریدالدین حداد عادل

جامعه‌شناس سیاسی



احمد آرام در ۱۴ فروردین سال ۱۳۷۷ پس از ۹۰ سال حیات پرپرکت درگذشت و در تاریخ ۲۲ فروردین به خاک سپرده شد. او نویسنده و مترجمی زبردست بود و ترجمه ۲۰۰ کتاب در زمینه علوم گوناگون از زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه، بخشی از خدمات علمی وی است. آرام مناصب علمی و فرهنگی متعددی داشت و در طول سال‌های زندگی و همین‌طور پس از وفات، به کزات از او تقدیر شده و جوایز متعددی به وی تعلق گرفته است.

در روز تشییع پیکر او، جناب آقای صدرالحفاظی، از وکلای معروف و شناخته‌شده دستگاه قضا، که خودشان در آن روز در کسوت مردی میان‌سال بلکه کهن‌سال، در جمع حضور داشتند، خاطره‌ای بیان کردند که توجه و حیرت همگان را برانگیخت.

خاطره

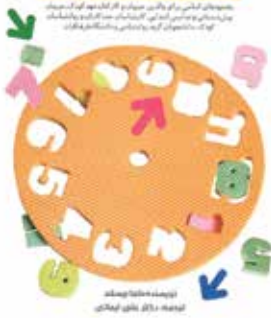
روزی در مدرسه امتحان داشتیم، اما به دلیل سفر و بیماری چند نفر از کارکنان مدرسه، مدیر اعلام کرد برای برگزاری آزمون ممتحن نداریم، لذا آزمون را فقط در کلاس آقای آرام می‌گیریم. برهه‌های امتحان کلاس آقای آرام را به ایشان دادند و به دانش‌آموزان کلاس گفتند متأسفانه آزمون شما را در روز دیگری خواهیم گرفت که فردی از مسئولان مدرسه بتواند امتحان را برگزار کند. در این اثنا آقای آرام به مدیر مدرسه گفت اگر شما صلاح بدانید، بنده ترتیبی خواهیم داد و امتحان هر دو کلاس را برگزار می‌کنم. مدیر پذیرفت و اوراق امتحان را به ایشان داد. استاد ما را به کلاس فرستاد و خود دقایقی بعد سر کلاس حاضر شد و گفت: «بچه‌ها لطفاً با خدای خود عهد کنید و در برابر او متعهد شوید که در غیاب من و بدون حضور من در امتحان تقلب نمی‌کنید.»

استاد آرام آن قدر متین بود و آن قدر شمرده، قوی و آرام‌بخش صحبت می‌کرد که در تمام طول آن امتحان هیچ‌کس تقلب نکرد. حتی شیطان‌ترین دانش‌آموزان، به احترام معلم خود، در آن جلسه که تنها امتحان بدون حضور معلم در جلسه آزمون بود، تقلب نکرد. این اتفاق اثر شخصیتی والا و کلام سنجیده مرحوم آرام بود.



رشد هوش هیجانی

رشد هوش هیجانی
مطالعه موردی



نویسنده: ناجا ریسلند ■ ترجمه: دکتر علی ایمانی ■ ناشر: انتشارات مدرسه ■ چاپ اول: ۱۳۹۴
رشد و پرورش هوش هیجانی، به هدایت کودکان در رشد مدیریت و رهبری، سازگاری و کنار آمدن، شناخت احساسات و عواطف خود و دیگران و رفتارهای متناسب با آن، انسجام افکار، احساسات و رفتار، توانایی کنترل و مدیریت احساسات در شرایط و موقعیت‌های بحرانی، تشریح مساعی و تقویت روحیه، کمک کرده و هیجان‌های منفی، مثل غم و اندوه، خشم و ترس، نومییدی، تنفر و نگرانی، احساس حقارت، احساس ناامنی و غیره را کاهش می‌دهد. بنابراین، اهمیت رشد و پرورش هوش هیجانی در اطفال و کودکان برای موفقیت در تعاملات و روابط اجتماعی ذکر شده، آشکار می‌شود.

عبور از تپه نگرانی

اختلال وسواس فکر و عملی و درمانی آن

نویسنده: دکتر آویرین پینتوواگنر ■ مترجمان: دکتر تقی عضدی و مامک عضدی
ناشر: انتشارات جوانه رشد، ۱۳۹۶

یکی از روش‌های موفق در درمان کودکان و نوجوانانی که مشکلات روان‌شناختی دارند، تألیف آثاری است که با زبان قصه، آن مشکلات را بازگو می‌کند. این شیوه نه تنها به خود کودکان و نوجوانان اطلاعات صحیح و علمی از مشکلاتشان می‌دهد بلکه در درک کودک و مشککش، از جانب والدین نیز بسیار مؤثر است.

عبور از تپه نگرانی

اختلال وسواس فکری و عملی و درمانی آن

مترجمان: دکتر تقی عضدی و مامک عضدی

ناشر: انتشارات جوانه رشد

۱۳۹۶

کتابخانه تخصصی روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

از مهربان بودن دست بردارید

واقعی باشید

نویسنده: توماس دان سامبورگ ■ مترجم: ناهیده امیرناصری ■ ناشر: انتشارات رشد، ۱۴۰۰.

ماعدات نکرده‌ایم که آنچه در درونمان اتفاق می‌افتد را بیان کنیم و نیاموخته‌ایم که برای فهمیدن آنچه در درون دیگری اتفاق می‌افتد تلاش کنیم. بیشتر یاد گرفته‌ایم با ادب باشیم، نقاب بزنیم و نقش بازی کنیم. عادت کرده‌ایم آنچه را درونمان می‌گذرد پنهان کنیم تا قدر و منزلت و احترام ظاهری به دست آوریم و بیشتر از آنچه هستیم، خود را بیان کنیم. نویسنده با مثال‌هایی که در کتاب آورده، توضیح می‌دهد که ما چطور از نیازهایمان غافل می‌شویم و آن‌ها را نادیده می‌گیریم و و چطور این کار ما رو به سوی خشمگین شدن سوق می‌دهد. از طرفی دیگر، این کتاب طرز خنثی کردن خشم را به ما یاد می‌دهد که چه به صورت آشکار و چه به صورت پنهان هر روز با آن دست به گریبان هستیم.

از مهربان بودن دست بردارید

واقعی باشید

نویسنده: توماس دان سامبورگ

مترجم: ناهیده امیرناصری

ناشر: انتشارات رشد

۱۴۰۰

کتابخانه تخصصی روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

راهبردهای عملی برای افزایش اعتماد به نفس کودکان

۲۵ راهکار برای والدین جهت آموزش اعتماد به نفس کودکان

نویسنده: دنی استرکر ■ مترجمان: طاهره یوسفی - سارا حاج کاظمیان ■ ناشر: جوانه رشد ۱۴۰۰
«کتاب راهبردهای عملی برای افزایش اعتماد به نفس کودکان» از طریق روش‌های کاربردی آسان به شما کمک می‌کند تا اعتماد به نفس را در فرزندتان به میزان بسیار زیادی افزایش دهید. این کتاب راهبردهای مؤثری دارد تا با عملی کردن آن‌ها به رشد و تحول فرزندانتان کمک کنید و به آن‌ها یاد بدهید که در مدرسه بهتر عمل کنند و آمادگی‌های لازم را برای ورود به دنیا واقعی پیدا کنند و به اهداف بزرگی دست یابند. وقتی در کودکان اعتماد به نفس پایدار خلق می‌کنید درهای بسته زیادی را به روی آن‌ها باز می‌کنید.

راهبردهای عملی برای افزایش اعتماد به نفس کودکان

۲۵ راهکار برای والدین جهت آموزش اعتماد به نفس کودکان

نویسنده: دنی استرکر

مترجمان: طاهره یوسفی - سارا حاج کاظمیان

ناشر: جوانه رشد

۱۴۰۰

کتابخانه تخصصی روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی

مجموعه کتاب‌های روانشناسی



ای نصیر ، ای آنگه بر کرانه لرزه و ابدی وجود
بر نشسته ای دستی بر آرد ما قبرستان نشینان
سنتیف را نیز لرزه این منجلاب بیرون کش .

سید علی آذی

لا اله الا الله
محمد وآله
کتابخانه آذی